بسم الله الرحمن الرحیم

اللّهم صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پیام های آسمان

تعلیم و تربیت اسلامی

پایهٔ هشتم

دورهٔ اوّل متوسطه

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب :	پیام‌های آسمان پایهٔ هشتم دورهٔ اوّل متوسطه – ۸۰۲
پدیدآورنده :	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف :	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف :	پرویز آزادی، لیلا اخوان، محمدمهدی اعتصامی، یونس باقری، سیدجواد بهشتی، سیدصادق پیشنمازی، سیدمحمد حسین تقوی، ابوذر رضاسلطانی، محمدرضا سنگری، یاسین شکرانی، حسین سوزنچی، مصطفی فیض و محمود متوسل آرانی (اعضای شورای برنامه‌ریزی) علی کاظمی (مؤلف)ـ با همکاری کارشناسان گروه قرآن ومعارف اسلامی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری ـ محمدکاظم بهنیا (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری :	اداره کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی :	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) ـ مجید ذاکری یونسی (مدیر هنری) ـ حسین وهابی (طراح گرافیک و صفحه‌آرا) ـ مریم کیوان (طراح جلد) ـ استاد مرحوم منوچهر درفشه، حسین آسیوند (تصویرگران) ـ فاطمه باقری‌مهر، رعنا فرج‌زاده دروئی، پری ایلخانی‌زاده، سپیده ملک‌ایزدی، مریم دهقان‌زاده، ناهید خیام‌باشی (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان :	تهران : خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن : ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه : www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران ـ کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن : ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵
چاپخانه :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ :	چاپ ششم ۱۳۹۸

ISBN 978 – 964 – 05 – 2369 – 8 ۹۷۸–۹۶۴–۰۵–۲۳۶۹–۸ شابک

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

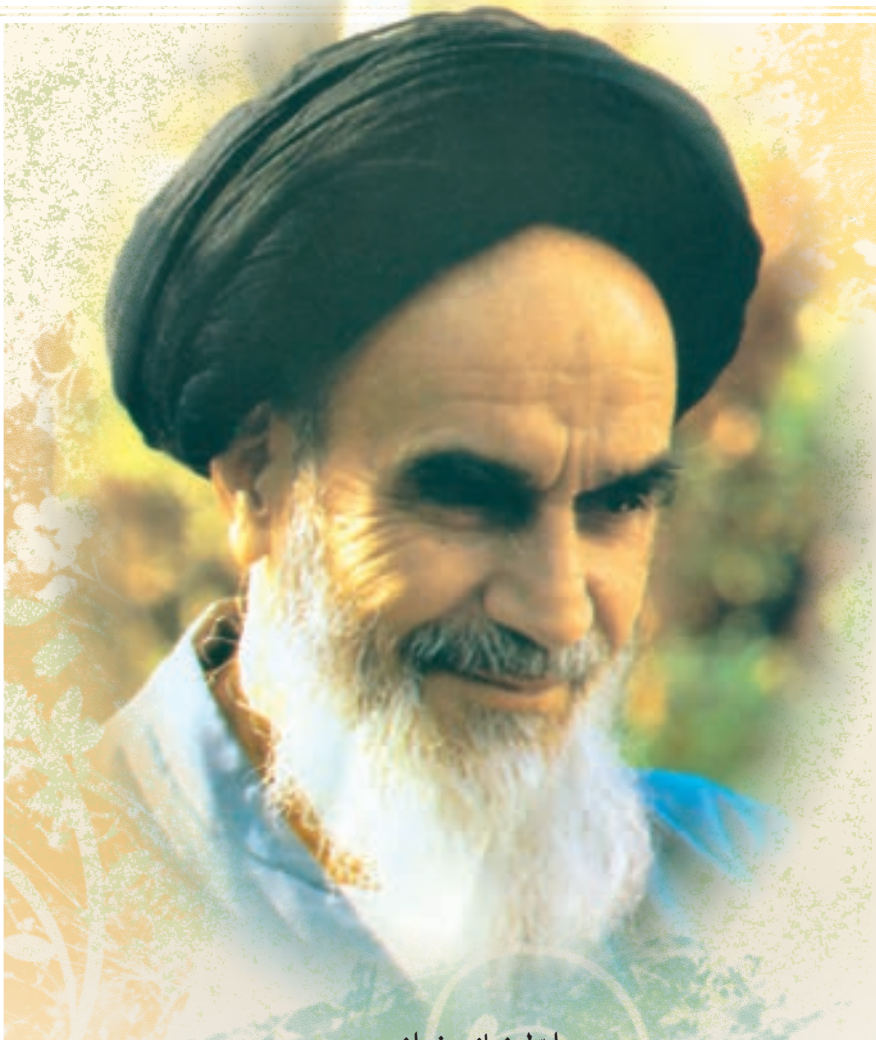

اوّل نماز بخوانیم

یکی از فرزندان امام‌خمینی (ره) دربارهٔ ایشان می‌گوید :

امام همیشه می‌فرمود : در مورد نمازتان اهمال[1] نکنید. همین که شما می‌گویید اوّل این کار را بکنم بعد نماز بخوانم این خلاف است. این حرف را نگویید. به نمازتان اهمیت بدهید.

هنگامی که نزدیک نماز می‌شد، ایشان سر از پا نمی‌شناخت. به هرکس که در اتاق بود به صراحت می‌گفت : بروید [برای نماز آماده شوید] وقت نماز است. همیشه در این لحظات یک تبسمی پیدا می‌کردند که آدم احساس می‌کرد انتظار لحظات شیرینی را می‌کشند.

---

۱. کوتاهی، فروگذاری

فهرست

فصل اوّل: خداشناسی

درس اوّل: آفرینش شگفت‌انگیز ۱۰

درس دوم: عفو و گذشت ۱۷

فصل دوم: معاد

درس سوم: همه چیز در دست تو ۲۵

فصل سوم: راهنماشناسی

درس چهارم: پیوند جاودان ۳۴

درس پنجم: روزی که اسلام کامل شد ۴۱

فصل چهارم: راه و توشه

درس ششم: نردبان آسمان ۵۱

درس هفتم: یک فرصت طلایی ۵۹

فصل پنجم: اخلاق

درس هشتم: نشان ارزشمندی ۶۶

درس نهم: تدبیر زندگانی ۷۴

درس دهم: دو سرمایهٔ گرانبها ۸۱

درس یازدهم: آفت‌های زبان ۸۸

درس دوازدهم: ارزش کار ۹۶

درس سیزدهم: کلید گنج‌ها ۱۰۴

فصل ششم: جامعه اسلامی

درس چهاردهم: ما مسلمانان ۱۱۱

درس پانزدهم: حقّ‌النّاس ۱۲۰

بسم الله الرّحمن الرّحیم

دبیران محترم دینی، سلام

به شما تبریک می‌گوییم که توفیق هدایت نسل‌های آینده را ــ که همان رسالت انبیاست ــ به‌عهده دارید. بی‌شک انجام مخلصانه این مسئولیت، رسالتی است که در دنیا هیچ میزانی نمی‌تواند آن را بسنجد و پاداش آن در عالم طبیعت قابل پرداخت نیست.

هیچ جایگاهی در جامعه به جایگاه معلم نمی‌رسد؛ چرا که در دنیا هیچ موجودی به شأن انسان نمی‌رسد و انسان امانت در دست معلم است. معلم پس از والدین اوّلین کسی است که می‌تواند نقش نیک یا بد را بر لوح سفید و آمادهٔ اذهان دانش‌آموزان بنگارد و این چنین دست توانای معلم، چشم‌انداز آینده را ترسیم می‌کند. معلم می‌تواند جامعه را شجاع یا ترسو، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خودپرست، اهل علم یا گریزان از علم، متقی و پاکدامن یا بی‌بندوبار بسازد؛ بنابراین اگر قرار باشد جامعه اصلاح شود، این اصلاح باید از مدرسه آغاز شود.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «**کسی که در مقام هدایت و آموزش قرار می‌گیرد، باید پیش از آموختن به دیگران، خود را پالایش روحی کند و ادبِ رفتاری‌اش، بیش از ادب گفتاری‌اش باشد**»[1] تمامی رفتارهای معلم در کلاس؛ نگاه، اشاره، لبخند، اخم کردن، لباس پوشیدن و... بر روی دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد و هر فردی در زندگی خود، عمیق‌ترین احساسات و عواطف را از معلمش دریافت می‌کند؛ بنابراین، شایسته است این فرمایش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به امیرالمؤمنین علیه‌السلام، همواره آویزهٔ گوشمان باشد که «**ای علی، اگر خداوند به وسیلهٔ تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابیده برای تو بهتر است**»[2].

کتابی که پیش روی شماست حاصل زحمات چندین سالهٔ کارشناسان متعدد در حوزه‌های مختلف دینی و تربیتی است که با پیشنهادهای شما دبیران زحمت‌کش و دلسوز به ثمر رسیده است و امید می‌رود باز هم با تلاش‌های مخلصانهٔ شما، در تعلیم و تربیت اسلامی فرزندان میهن اسلامی‌مان، ایران عزیز، بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد. نتایج ارزشیابی‌های صورت گرفته از کتاب «فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی» سابق، و چاپ‌های اوّل کتاب «**پیام‌های آسمان**»، در بازتألیف این کتاب مؤثر بوده و گفتنی است که محتوای آن براساس اهداف و آرمان‌های «**برنامهٔ درسی ملی**» تنظیم و به رشتهٔ تحریر درآمده است.

همان‌گونه که مستحضرید کتاب «**پیام‌های آسمان**»[3]، علاوه بر تغییر در محتوا و سبک نگارش، حاوی رویکردهای نوین تربیتی و آموزشی است. جلب مشارکت دانش‌آموزان و سهیم ساختن آنها در مراحل تدریس، از مهم‌ترین رویکردهای کتاب است. بر این اساس، بهترین روش تدریس، روش تدریس فعّال است که در آن دست‌کم

---

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۰

۲. کافی، ج ۵، ص ۲۸؛ المستدرک علی الصحیحین، ۳/۶۹۱/۶۵۳

۳. همکاران محترم می‌توانند جهت مطالعه «راهنمای برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دورهٔ اوّل متوسطه»، مشاهده متن کتاب قبل از توزیع سراسری، مطالعه راهنمای معلم کتاب پیام‌های آسمان، دریافت نمونه سؤالات امتحانی، اظهار هر گونه پیشنهاد و انتقاد درباره کتاب، طرح پرسش‌های محتوایی کتاب و دریافت جواب از کارشناسان مربوطه، و بهره‌برداری از محتواهای مختلف ارائه شده به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی به نشانی روبه‌رو مراجعه فرمایند: «http://qm-dept.talif.sch.ir»

بیست دقیقه از زمان هر جلسه تدریس، به مشارکت دانش‌آموزان در مباحث و شنیدن نظرات آنان اختصاص می‌یابد. شایسته است دبیران محترم در این فرصت، صرفاً به جهت‌دهی مناسب و اصلاح خطاهای احتمالی دانش‌آموزان در طرح نظرات بپردازند. گروه‌بندی دانش‌آموزان کلاس، اختصاص دادن زمان مناسب به پرسش‌ها و ایجاد فرصت گفت‌وگو برای آنان و داوری دربارهٔ نظرات یکدیگر از ملزومات این روش است. محدود ساختن روش‌های تدریس به روش سخنرانی و تبدیل دانش‌آموز به یک شنوندهٔ صرف، در تعارض با اهداف تربیت دینی است و به آفت بزرگ حافظه‌محوری در دانش‌آموزان منجر خواهد شد.

«**راهنمای برنامهٔ درسی تعلیم و تربیت دینی دورهٔ اوّل متوسطه**»، شیوه‌نامهٔ ارزشیابی متناسب با مفاهیم و معارف کتاب «**پیام‌های آسمان**» را طرّاحی کرده است. اجرای کامل این شیوه‌نامه، موجب می‌شود تمامی اهداف آموزشی و تربیتی مدّ نظر تحقّق یابد. در همین راستا دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری از همکاران انتظار دارد همواره این شیوه‌نامه را مدّ نظر قرار داده و مطابق آن، ارزشیابی‌های مستمر و پایانی را اجرا نمایند.

شیوه‌نامهٔ ارزشیابی

ارزشیابی درس پیام‌های آسمان در دو قالب «**ارزشیابی تکوینی**» و «**ارزشیابی پایانی**» انجام می‌گیرد.

در ارزشیابی تکوینی، بیشتر به مهارت‌ها توجه می‌شود و جنبهٔ کیفی و توصیفی دارد؛ زیرا ارزشیابی تکوینی، یک ارزشیابی سازنده است که می‌تواند در خدمت ارتقای کیفی یادگیری قرار گیرد. دبیر در برگهٔ ثبت ارزشیابی، میزان یادگیری هر دانش‌آموز و انجام فعّالیت آموزشی او را می‌نویسد و نظر خود را ابراز می‌کند. علاوه بر این، متناسب با فعّالیت‌های انجام شده، میزان یادگیری دانش‌آموز را تبدیل به ابزار کمّی می‌کند و به صورت نمره ارائه می‌دهد.

ارزشیابی پایانی آزمون کتبی دارد. در این آزمون، میزان یادگیری محتوای آموزشی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سؤال‌های آزمون باید پوشش متناسبی از سطوح یادگیری را دربرگیرد. درک مفاهیم، کاربرد آنها، قدرت تجزیه و تحلیل، ترکیب، مقایسه، تطبیق، توانایی استدلال و داوری از اهمِّ سطوحی است که باید بدان توجه کرد.

مهارت‌های اساسی ارزشیابی پیام‌های آسمان

۱ــ ارزشیابی تکوینی (اعم از کتبی و شفاهی) و ارزشیابی کتبی پایانی هریک جداگانه بیست نمره دارند.

۲ــ ارزشیابی پایانی نوبت اوّل، از مطالب تدریس شدهٔ همان نوبت و ارزشیابی پایانی نوبت دوم، از تمام محتوای کتاب به عمل می‌آید.

۳ــ ابزارهای ارزشیابی عبارت‌اند از: آزمون‌های کوتاه‌پاسخ، چهارگزینه‌ای، جورکردنی، تصویری، چک‌لیست مشاهدهٔ رفتار، فعّالیت‌های تحقیقی و پیشنهادی، فعّالیت گروهی، مشارکت در مباحث، بیان مطالب تکمیلی و مفید، ارائهٔ سؤالات کاربردی، بروز رفتار مثبت و تثبیت آن.

۴ــ در کلیهٔ ارزشیابی‌ها (تکوینی و پایانی) ملاک ارزشیابی درک مفهوم است و از نام شخص، تاریخ، مکان و سایر سؤالاتی که بیشتر بر حافظه تکیه دارد و کمتر درک مطلب و مفهومی است، سؤال طرح نشود.

۵ــ حفظ متن عربی آیات و احادیث و همچنین عین ترجمهٔ آنها ــ **به جز آیات و روایاتی که با ستاره**

مشخص شده‌اند ــ برای دانش‌آموز الزامی نیست و در ارزشیابی‌ها فقط می‌توان از مضمون، مفهوم و پیام آیات و احادیث استفاده کرد.

۶ــ فصل «**راه و توشه**» کتاب حاضر برای آموزش احکام است که اساس آموزش آن بر حفظ موارد متعدّد تکیه دارد؛ بنابراین، فعّالیت کلاسی این درس‌ها نیز حفظی خواهد بود و حالت واگرا (بازپاسخ) ندارد؛ به همین دلیل می‌توان فعّالیت‌های کلاسی این فصل‌ها را در ارزشیابی مستمر و پایانی تأثیر داد.

۷ــ بخش «**خودت را امتحان کن**» شامل پرسش‌های همگرا (بسته پاسخ) است و در ارزشیابی پایانی به کار می‌رود. این بخش به عنوان تکلیف توسط دانش‌آموز در خانه انجام می‌شود و در جلسهٔ بعدی به منظور جمع‌بندی، تصحیح و تثبیت یادگیری به‌کار می‌رود.

۸ــ مطالب بخش «**فعّالیت کلاسی**» به منظور افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرایند تدریس است و می‌تواند نقش مهمی در ارزشیابی‌های دانش‌آموز داشته باشد.

۹ــ بخش «**بیشتر بدانیم**» هر درس برای توسعهٔ اطلاعات دانش‌آموزان است. شما دبیر محترم می‌توانید برای توضیح درس از آنها استفاده نمایید و یا نمرهٔ تشویقی برای این بخش در نظر بگیرید، اما نباید در ارزشیابی تکوینی یا پایانی مورد سؤال قرار گیرد.

۱۰ــ بخش «**پیشنهاد**»، دانش‌آموز را در درک بهتر مفاهیم و اهداف درس یاری می‌کند. انجام این بخش و سایر فعّالیت‌هایی که از سوی معلم یا دانش‌آموز پیشنهاد می‌شود، کاملاً اختیاری است و صرفاً می‌تواند برای دانش‌آموز نمرهٔ تشویقی داشته باشد. این نمره حداکثر دو نمره علاوه بر بیست نمرهٔ ارزشیابی تکوینی است و مکمّل نمرهٔ تکوینی دانش‌آموز خواهد بود و نمی‌تواند به نمرهٔ ارزشیابی پایانی اضافه شود.

۱۱ــ بخش «**الهی**» در هر درس برای جمع‌بندی در انتهای دروس قرار گرفته است که در ارزشیابی تکوینی و پایانی مورد سؤال قرار نمی‌گیرد.

۱۲ــ بارم‌بندی ارزشیابی تکوینی هر نوبت (بیست نمره) به شرح زیر است :

الف) پاسخ به پرسش‌های استخراجی معلم از متن کتاب و پرسش‌های بخش «خودت را امتحان کن» : ۷ نمره

ب) انجام فعّالیت‌های کلاسی متن کتاب و سایر فعّالیت‌هایی که در کلاس توسط دانش‌آموز یا دبیران محترم تعریف می‌شود : ۷ نمره

ج) مشارکت در فرایند تدریس، گفت‌وگو و کار گروهی[1] : ۴ نمره

د) داشتن پوشهٔ کار خوب و منظم توسط دانش‌آموز : ۲ نمره

۱۳ــ نمرهٔ پایانی هر نوبت، عبارت است از مجموع نمرات ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی پایانی آن نوبت، تقسیم بر دو.

---

۱. این فعّالیت‌ها عبارت‌اند از : تهیهٔ شعر مناسب و قرائت آن در کلاس، اجرای سرود در موضوعات مرتبط با مفاهیم درس، اجرای مولودی در مناسبت‌های مرتبط با درس‌ها، نوحه‌خوانی، اجرای نمایش که شامل داستان‌های داخل کتاب درسی و سایر داستان‌های مرتبط با عناوین و موضوعات درس می‌شود، ارائهٔ سخنرانی پیرامون مفاهیم درس‌ها، آماده ساختن و ارائهٔ قطعه‌ای از فیلم‌های متناسب با موضوعات و مفاهیم درس‌ها، تهیه و ارائهٔ اسلایدهای کمک‌کننده به مفاهیم درس‌ها، تهیه کاردستی و... .

سخنی با دانش‌آموزان

سلام عزیزان،

عمرتان همیشه بهاری و دل‌هایتان گرم محبت خدا باد،

یک سال از آشنایی شما با کتاب «**پیام‌های آسمان**» گذشت و یک سال بر عمر شما افزوده شد. عمری که بی‌بازگشت است و جز خاطره‌ای از آن باقی نمی‌ماند.

بسیاری از شما این یک سال را خوب گذرانده‌اید، خوب درس خوانده‌اید، به نماز و ارتباط با خدا بیشتر توجّه کرده‌اید؛ برای از بین بردن عیب‌های خود تلاش نموده‌اید و گام به گام به خدا نزدیک‌تر شده‌اید.

برخی‌ها هم قسمتی از عمرشان را اسراف کرده‌اند! یعنی آن را بی‌حساب خرج کرده‌اند، پای هر حرفی نشسته‌اند؛ با هر کسی دوست و رفیق شده‌اند؛ هر فیلم و برنامه‌ای را دیده‌اند و خلاصه عمرشان را تلف کرده‌اند. خوشا به حال دستهٔ اوّل و صد حیف به دستهٔ دوم!

البته نباید ناامید شد. امسال فرصتی دوباره داریم. می‌توان از نو شروع کرد و رو به خدا آورد و از او خواست تا راه درست را به ما نشان دهد؛ راهی که به سعادت و خوشبختی ما منجر می‌شود. در کتاب پیام‌های آسمان پایهٔ هشتم، با این راه نجات‌بخش، بیشتر آشنا خواهی شد.

در این دنیا «همه چیز در دست تو» است و هرگونه که بخواهی می‌توانی از زندگی‌ات استفاده کنی. اگر ارزش «دو سرمایهٔ گرانبها»یت را بدانی و از «فرصت طلایی» به‌خوبی استفاده کنی می‌توانی به‌راحتی قدم بر «نردبان آسمان» بگذاری و به خدای مهربان نزدیک‌تر شوی.

در این کتاب، «کلید گنج‌ها» را به تو خواهیم داد تا با آن به نعمت‌های بی‌پایان خداوند دست یابی. امیدواریم با خواندن این کتاب، شایستهٔ دریافت «نشان ارزشمندی» شوی؛ نشانی که بندگان خوب خدا به داشتن آن افتخار می‌کنند.

پس، اگر می‌خواهی در این راه قدم بگذاری، این کتاب را آغاز کن و به آنچه می‌خوانی عمل کن. خواهی دید که دلت چه زود آسمانی می‌شود.

فصل اوّل

خداشناسی

سال گذشته با برخی از صفات خداوند از قبیل مهربانی، ناظر بودن، حافظ و مستعان بودن آشنا شدیم. امسال در دو درس با سایر صفات الهی آشنا می‌شویم :

درس اوّل (آفرینش شگفت‌انگیز) : خداوند مهربان جهان را بسیار زیبا و شگفت‌انگیز آفریده است؛ این شگفتی و زیبایی در وجود انسان، جهان هستی و تمام موجودات قرار دارد. در این درس، با نمونه‌هایی از آفرینش شگفت‌انگیز که نشانگر وجود خداوند ناظم و حکیم است آشنا می‌شویم.

درس دوم (عفو و گذشت) : غفّار بودن از صفات خداوند است به این معنا که خدای بزرگ از گناهان و خطاهای انسان‌ها چشم‌پوشی می‌کند تا راه رسیدن آن‌ها به بهشت جاودان هموارشود. در این درس، علاوه بر اینکه با صفت غفّار بودن خداوند آشنا می‌شویم، می‌آموزیم که اگر ما هم می‌خواهیم بندهٔ خوب خدا باشیم، بهتر است از خطاهای دیگران گذشت کنیم، این کار بخشش بیشتر خداوند را نیز به همراه دارد.

درس ۱

آفرینش شگفت‌انگیز

اگر هنگام تمیز کردن شیشهٔ ساعت، کسی از ما بپرسد : «ساعت چند است؟»، معمولاً در چنین حالتی دوباره به ساعت نگاه می‌کنیم و سپس جواب می‌دهیم. می‌دانید چرا؟

نگاه ما به پدیده‌های اطرافمان معمولاً نگاهی سریع و گذراست؛ به‌همین دلیل در نگاه اوّل، بسیاری از جزئیات از چشم ما پوشیده می‌ماند. شگفتی‌های جهان آفرینش ــ که بسیاری از آنها در وجود خود ما انسان‌ها قرار دارد ــ بخشی از دیدنی‌های این جهان زیبا است. ما معمولاً بی‌توجه از کنار آنها عبور می‌کنیم. کافی است دست‌کم برای یک روز، نگاهمان را به جهان تغییر دهیم تا برای اولین بار به برخی شگفتی‌ها پی ببریم.

***

بی‌نظیر

حمید با آب و تاب دربارهٔ نمایشگاهی که دیروز با دایی‌اش به آنجا رفته بود، صحبت می‌کرد؛

«بچه‌ها باورتان نمی‌شود! یک دوربین فیلمبرداری بزرگ دیدم که زیرش چرخ گذاشته بودند. می‌گفتند بدون چرخ و سه‌پایهٔ مخصوص نمی‌توان آن را حرکت داد. یک دوربین دیگر بود که می‌گفتند بدون فیلم، ساعت‌ها فیلمبرداری می‌کند! عدسی عجیب و غریبی داشت؛ می‌گفتند اگر اینها نباشد، نمی‌شود با نور کم (مثل غروب) فیلمبرداری کرد.

دایی‌ام از مسئول دوربین‌ها پرسید : می‌توانید پیشرفته‌ترین دوربین را به ما نشان دهید؟

ــ شما چطور متوجه پیشرفته‌ترین و عجیب‌ترین دوربین دنیا نشدید؟! این دوربین بسیار سبک و زیباست و به راحتی حرکت می‌کند. تازه بدون اینکه احتیاج به فیلم داشته باشد تا ده‌ها سال می‌تواند بدون کمترین مشکلی فیلمبرداری کند. اگر کمی گرد و غبار داخل‌اش شود، خود به خود به کار افتاده و خودش را شست‌وشو می‌دهد. حتی گاهی اوقات که دچار مشکلی می‌شود، به صورت طبیعی خودش را تعمیر و تنظیم می‌کند. در هر زمانی با توجه به میزان نور، عدسی‌اش به صورت خودکار تنظیم می‌شود. وقتی هم که صاحب‌اش نخواهد از آن استفاده کند، خود به خود خاموش و بسته می‌شود . . .

من با خوشحالی گفتم : اگر ممکن است زودتر این دوربین بی‌نظیر را به ما نشان دهید.
ــ کافی است یک بار با دقت در آینه نگاه کنی تا بهترین دوربین دنیا را ببینی!»

***

تا حالا به آفرینش چشم‌های خود دقت کرده‌اید؟

چشم‌ها داخل گودی صورت قرار دارند تا با استخوان‌های گونه، پیشانی و بینی از آنها محافظت شود. اگر این حصار استخوانی اطراف چشم را نگرفته بود، هر ضربه‌ای به چشم می‌توانست انسان را برای همیشه از نعمت بینایی محروم کند.

به ابروهایتان نگاه کنید. این موهای کوتاه که زیبایی‌بخش صورت شما هستند، علاوه بر اینکه مانند سایبان از تابش شدید نور به چشم جلوگیری می‌کنند، نمی‌گذارند عرق پیشانی نیز وارد چشم‌ها شود. حالا تصور کنید، اگر چشم‌ها داخل گودی قرار نداشتند، اگر ابروها نبودند؛ اگر مژه‌ها هر لحظه از ورود گرد و غبار به چشم جلوگیری نمی‌کردند؛ اگر پلک‌ها باز و بسته نمی‌شدند؛ اگر شکل چشم‌ها بادامی نبود و اشک از آن خارج نمی‌شد و... چه اتفاقی می‌افتاد؟

این همه شگفتی باعث شده است که دانشمندان و مخترعان بزرگ، با الگو گرفتن از آن، موفق به ساخت دوربین‌ها، میکروسکوپ‌ها و تلسکوپ‌های دقیق شوند.

امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام دربارهٔ آفرینش انسان می‌فرماید :

از [خلقت] این انسان باید تعجب کرد که با تکه‌ای چربی نگاه می‌کند، با پاره‌ای گوشت سخن می‌گوید و با چند استخوان [ریز] می‌شنود.[1]

فعّالیت کلاسی

آنچه گفته شد، فقط نمونه‌ای از شگفتی‌های بی‌پایان دنیای ماست. شما هم با دوستانتان گفت‌وگو کنید و نمونه‌های دیگری از این شگفتی‌ها را بیان کنید.

***

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۸

این همه شگفتی‌هایی که در جهان هستی وجود دارد، نشانهٔ چیست؟ آیا می‌توان گفت تمامی این امور، به‌طور تصادفی به وجود آمده و کسی آنها را نساخته است؟ یا اینکه...

خدای مهربان برای اینکه بیشتر به اطراف خود دقّت کنیم، می‌فرماید :

اَفَلا یَنظُرونَ اِلَی الاِبِلِ کَیفَ خُلِقَت	آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟
وَاِلَی السَّماءِ کَیفَ رُفِعَت	و به آسمان که چگونه برافراشته شده است؟
وَاِلَی الجِبالِ کَیفَ نُصِبَت	و به کوه‌ها که چگونه پا برجا و استوار شده‌اند؟
وَاِلَی الاَرضِ کَیفَ سُطِحَت	و به زمین که چگونه گسترده گشته است؟
فَذَکِّر اِنَّما اَنتَ مُذَکِّرٌ[1]	پس تو [ای پیامبر] تذکّر دِه که تو فقط تذکّر دهنده‌ای.

اگر انسان بادقت به نظم شگفت‌انگیز جهان و تمامی مخلوقات بنگرد فقط به یک نتیجه خواهد رسید که این نظم‌های شگفت‌انگیز و بی‌نظیر، قطعاً ناظمی داشته است و این ناظم کسی نیست جز خداوند دانا و توانا.

***

هدف آفرینش

کمی فکر کنید؛ آیا ممکن است خداوند دانا و حکیم ما، این جهان زیبا و شگفت‌انگیز را بیهوده و بی‌هدف آفریده باشد؟

به نظر شما هدف از این آفرینش شگفت‌انگیز چیست؟

امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال می‌فرماید :

خداوند تمام آنچه را که در زمین است برای شما آفریده است تا دربارهٔ آنها بیندیشید و با استفاده از آنها به بهشت راه یابید و خودتان را از عذاب دوزخ برهانید.[2]

خداوند مهربان که از هر کسی نیازهای ما را بهتر می‌داند، این جهان را طوری آفریده است که ما بتوانیم به بهترین شکل در آن زندگی کنیم. او به ما چشم داده است تا با دقت به نشانه‌های علم

۱. سورهٔ غاشیه، آیات ۱۷ تا ۲۱ ۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۱۲

و قدرت‌اش نگاه کنیم، و به ما عقل داده است تا دربارهٔ آنچه می‌بینیم فکر کنیم و از دنیای پیرامون خود درس خداشناسی بیاموزیم.

او دنیا را پر از نعمت‌ها و زیبایی‌هایش کرده است تا بدانیم چقدر ما را دوست دارد؛ پس ما نیز او را دوست بداریم و از او اطاعت کنیم. این همان راهی است که نتیجه‌اش رسیدن به بهشت زیبای خداست.

بیشتر بدانیم

ضخیم‌ترین زره دنیا

تا حالا یک زره را از نزدیک دیده‌ای؟ می‌دانی زره‌ها را از چه می‌سازند؟

فکر می‌کنی بزرگ‌ترین زره دنیا چقدر ضخامت دارد؟ ده سانتی‌متر؟ نیم متر؟ یک متر؟

ضخیم‌ترین زره دنیا، جوّ زمین است که ده‌ها کیلومتر ضخامت دارد. این زره که از جنس بسیار لطیف (هوا) تشکیل شده است، آن‌چنان محکم و نفوذناپذیر است که هر موجود مهاجمی را قبل از رسیدن به زمین نابود می‌کند.

شهاب سنگ‌ها گروهی از این مهاجمان هستند که با سرعت اعجاب‌آور پنجاه کیلومتر در ثانیه (یعنی صدبرابر سرعت گلوله) در فضا حرکت می‌کنند. به گفتهٔ دانشمندان، این سرعت باعث می‌شود که در یک سنگ بسیار کوچک آسمانی، نیرویی معادل انرژی یک بمب اتمی نهفته گردد. به همین دلیل است که آنها با هر جسمی برخورد کنند، انرژی فوق‌العاده‌ای را آزاد می‌کنند و منفجر می‌شوند.

اهمیت جوّ زمین وقتی برای ما معلوم می‌شود که بدانیم در هر شبانه‌روز، چندین هزار شهاب سنگ ریز و درشت با جوّ زمین برخورد می‌کنند و قبل از رسیدن به سطح زمین منفجر و به گاز و بخار تبدیل می‌شوند.

این تنها بخشی از مأموریت زره دفاعی زمین است. اتمسفر (یا جوّ زمین) علاوه بر سنگ‌های آسمانی، اشعه‌های مرگبار کیهانی، اشعهٔ مادون قرمز و جریان‌های مغناطیسی شدید فضایی را نیز قبل از رسیدن به زمین خنثی می‌کند و خطرهای بزرگ دیگری را از ساکنان زمین دور می‌کند.

می‌توانی حدس بزنی اگر این زره مقاوم، زمین را نپوشانده بود، چه اتفاقی در انتظار ساکنان زمین بود؟

حالا بهتر می‌توانیم معنی این کلمات نورانی خداوند را دریابیم که می‌فرماید :

وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفاً مَحْفُوظاً	و آسمان را سقفی نگاهدارنده قرار دادیم،
وَ هُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ.[1]	ولی آنها از [تفکر در] نشانه‌های آن [آسمان] رویگردانند.[2]

۱. سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۳۲ ۲. تفسیر نمونه، ج۱۳، ص۴۰۰ (برای اطلاع بیشتر دربارهٔ اتمسفر زمین می‌توانید به وبگاه دانشنامهٔ فضایی ایران «www.isa.ir» مراجعه کنید.)

خودت را امتحان کن

۱ـ از نظم شگفت‌انگیز جهان و مخلوقات درون آن، چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟

۲ـ با توجه به سخن حضرت علی علیه‌السلام توضیح دهید که خداوند آنچه در زمین است را با چه هدفی برای انسان خلق کرده است.

پیشنهاد

متن زیر را با دقت بخوانید :

... به بدن کوچک مورچه بنگرید! خلقتش آن‌چنان لطیف است که چشم آن را درنمی‌یابد و عقل آن را درک نمی‌کند، ببینید چگونه روی زمین به راه می‌افتد و برای به‌دست آوردن روزی خود، تلاش می‌کند و دانه‌هایی را که به لانه‌اش می‌برد در جایگاهی مخصوص نگه می‌دارد...

خداوند هرگز از او غافل نمی‌شود و از بخشش محرومش نمی‌سازد، حتی اگر در دل سنگی سخت یا صخره‌ای خشک به سر برد...

اگر دربارهٔ دستگاه گوارش و درون شکمش فکر کنی و یا به چشم و گوشی که در سر دارد اندیشه کنی آن‌چنان از آفرینش مورچه دچار شگفتی خواهی شد که از توصیف او به زحمت خواهی افتاد...

اگر اندیشه‌ات را به کار گیری، دلایل روشن به تو خواهند گفت که آفرینندهٔ مورچه کوچک همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست؛ همان کسی که آفرینش همهٔ موجودات سنگین و سبک، و بزرگ و کوچک، و نیرومند و ضعیف برایش یکسان است.[۱]

***

آنچه خواندیم بخشی از گفتار امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام در توصیف شگفتی‌های خلقت مورچه‌هاست. شما نیز می‌توانید دربارهٔ یکی دیگر از آفریده‌های خداوند تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۸۵

الهی

تو را سپاس که مرا به دنیا آوردی؛

و از شیر گوارا غذایم دادی؛

و دل مادران را با من مهربان کردی؛

و آن زمان که در گهواره، طفلی ضعیف بودم، از من محافظت کردی؛

و هر سال که بر من گذشت، بر رشد من افزودی؛

و از خوراک و پوشاک گوناگون بهره مندم ساختی؛

و آن زمان که رشد یافتم، سپاسگزاری را به من آموختی؛

الهی،

چگونه نعمت هایت را بشمارم، و بخشش هایت را سپاس گویم،

در حالی که نعمت هایت، بیش از آن اند که به شمارش درآیند.[1]

تو هم اگر دوست داری چند جمله با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

۱. بخشی از دعای امام حسین علیه‌السلام در روز عرفه

درس ۲

عفو و گذشت

آمرزندهٔ پرده‌پوش

مدّت‌ها بود که دیگر باران نمی‌بارید و خشکسالی و قحطی زندگی را سخت کرده بود.

مردم که با توجه به هشدارهای پیامبرشان فهمیده بودند همهٔ مشکلات به خاطر گناهان خودشان است، همگی نزد پیامبرشان رفتند :

ــ ای پیامبر خدا، اگر باران نبارد، همگی از تشنگی و گرسنگی خواهیم مرد؛ چه کنیم؟

ــ زن و مرد، کوچک و بزرگ و پیر و جوان، همه جمع شوید تا برای درخواست بخشش از خداوند و نماز باران از شهر بیرون برویم ...

همه در بیابان مشغول مناجات بودند که فرشتهٔ وحی نازل شد :

ــ در میان مردم کسی هست که مرتکب گناهان بزرگی می‌شود، او هنوز توبه نکرده است. تا او در میان مردم باشد، دعای آنها مستجاب نمی‌شود.

گویا خداوند می‌خواست همهٔ مردم توبه کنند و از گناهان پاک شوند. پیامبر خدا موضوع را با مردم در میان گذاشت.

آن فرد گناهکار لحظات سختی را می‌گذراند. مردم کنجکاوانه می‌خواستند بدانند او کیست. اگر بلند می‌شد و بیرون می‌رفت، آبرویش پیش همه می‌رفت و دیگر نمی‌توانست در آن شهر زندگی کند.

احساس کرد خیلی تنهاست. سرش را پایین انداخت و قطره‌های اشک از چشمانش فرو چکید : خدایا، اکنون فقط تو صدای مرا می‌شنوی و از دل من آگاهی. خدایا، از تو عذر می‌خواهم و عهد می‌کنم که دیگر آن گناهان را تکرار نکنم.

مردم هنوز منتظر بودند فرد گناهکار را ببینند که ناگهان صدای رعد و برق و بارش باران آنها را به خودشان آورد. هیچ کس از بین جمعیت بیرون نرفت، پس آن فرد گناهکار کیست؟

پیامبر خدا همین موضوع را از خداوند پرسید.

_ ای پیامبر ما، او دیگر گناهکار نیست. بندهٔ ما توبه کرد و به سوی ما بازگشت.

_ خداوندا، او را به من معرفی کن تا حداقل او را بشناسم!

_ آن زمان که او گناهکار بود آبرویش را نبردیم، اکنون که بازگشته و دوست و بندهٔ ما شده است آبرویش را ببریم؟!

***

یکی از نام‌های خداوند بلند مرتبه «غفّار» است؛ یعنی بسیار آمرزنده.

خداوند تمامی گناهان هر کسی را که پشیمان شده باشد و بخواهد راه درستکاری و تقوا را در پیش بگیرد می‌آمرزد؛ همان‌طور که در قرآن کریم می‌فرماید :

قُل یا عِبادِیَ	بگو : ای بندگانم
الَّذینَ اَسرَفوا عَلیٰ اَنفُسِهِم	که بر خود زیاده‌روی روا داشته‌اید
لا تَقنَطوا مِن رَحمَةِ اللّٰهِ	از رحمت خداوند نومید نشوید؛
إنَّ اللّٰهَ یَغفِرُ الذُّنوبَ جَمیعًا	زیرا خدا همهٔ گناهان را می‌آمرزد
اِنَّه هُوَ الغَفورُ الرَّحیمُ[1]	که او خود آمرزندهٔ مهربان است.*

۱. سورهٔ زمر، آیه ۵۳ * آیه با ترجمه حفظ شود.

خداوند به همهٔ گناهکاران وعدهٔ آمرزش داده است. خداوند بخشایشگر، نه تنها خطاهای کوچک، بلکه همهٔ گناهان و حتی اشتباهات متعدّد بندگانش را نیز می‌آمرزد. فقط کافی است بنده‌ای از کار زشتش پشیمان شود و تصمیم به ترک آن بگیرد و اعمال شایسته انجام دهد (البته روشن است که اگر حق النّاس بر عهدهٔ کسی باشد، برای توبه کردن، پشیمانی کافی نیست و انسان باید حقوق مردم را جبران کند.[1]) در این صورت خداوند وعدهٔ قطعی داده است که حتماً او را می‌بخشد.

وَ اِنّی لَغَفّارٌ	و به یقین من آمرزندهٔ کسی هستم که
لِمَن تابَ وَ آمَنَ	توبه کند و ایمان بیاورد
وَ عَمِلَ صالِحًا	و کار شایسته انجام دهد
ثُمَّ اهتَدیٰ[2]	و سپس هدایت شود.

فعّالیت کلاسی

با توجه به آیات بالا توضیح دهید اگر خداوند غفّار نبود، چه اتفاقی می‌افتاد؟ غفّار بودن خدا چه تأثیری در زندگی مردم دارد؟

انسان‌های الهی

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که به‌طور اتفاقی یا از روی نادانی کسی حقّ شما را ضایع کند، یا اینکه نسبت به شما رفتار بدی نشان دهد. در این هنگام، شما چه واکنشی از خودتان نشان داده‌اید؟

برخی از مردم هرگز حاضر نیستند خطاهای دیگران را ببخشند. عده‌ای هم فقط از اشتباهات کوچک دیگران، چشم‌پوشی می‌کنند، اما نمی‌توانند از اشتباهات بزرگ آنان بگذرند.

به نظر شما خداوند کدام گروه از بندگانش را بیشتر دوست دارد؟

خداوند همان‌طور که خود بسیارآمرزنده است، بندگانش را نیز دعوت به بخشش خطاهای دیگران می‌کند. کسانی که دیگران را به خاطر خطاهایشان می‌بخشند در واقع رنگ و بوی این صفت الهی را به خود می‌گیرند. با گذشت از خطاهای دیگران، نه تنها خداوند خشنود می‌شود، بلکه به سبب آن، خداوند از گناهان ما نیز می‌گذرد و ما را می‌بخشد.

---

۱. برخی از نمونه‌های حق‌النّاس در درس پانزدهم بیان شده است.
۲. سورهٔ طه، آیهٔ ۸۲

... وَ لیَعفوا	[مؤمنان] باید عفو و گذشت پیشه کنند
وَ لیَصفَحوا	و [از یکدیگر] درگذرند.
اَلا تُحِبّونَ أَن یَغفِرَ اللّهُ لَکُم	آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم شما را بیامرزد؟
وَ اللّهُ غَفورٌ رَحیمٌ.[1]	و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.*

در جامعه‌ای که هیچ‌کس حاضر به عفو و بخشش خطاهای دیگران نباشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

با هم‌کلاسی‌هایتان گفت‌وگو کنید و رفتار افراد بخشنده و افراد بی‌گذشت را در اتفاقات روزمرّهٔ زندگی با هم مقایسه کنید.

***

عفو و گذشت از خطاهای دیگران، نه تنها موجب خشنودی خداوند می‌شود و انسان را از رحمت بیشتر الهی بهره‌مند می‌کند، بلکه او را در میان مردم نیز عزیز و سربلند می‌سازد. بنابراین، کسی که در هنگام خشم از خطاهای دیگران، با انتقام و تنبیه، خود را آرام می‌کند، به زیان خودش عمل می‌کند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

اهل گذشت باشید، بی‌تردید عفو و گذشت، بنده را عزیز و سرافراز می‌گرداند. پس، از یکدیگر بگذرید تا خداوند شما را عزیز و سرافراز گرداند.[2]

البته زمانی که فرد خطاکار به اشتباهش پی برده است و از انجام آن پشیمان شده و یا از روی جهالت و نادانی ظلمی به ما کرده است، گذشت ما موجب اصلاح رفتارش می‌شود اما توجه داریم که در مواردی خطاهای دیگران را نباید نادیده گرفت؛ چشم‌پوشی از رفتار کسانی که اشتباهات خود را نمی‌پذیرند و تصمیمی برای ترک آنها ندارند، موجب می‌شود جسارت آنان بیشتر شود و فرصتی برای اصلاح رفتار خود نیابند.

---

۱. سورهٔ نور، آیهٔ ۲۲ *آیه با ترجمه حفظ شود. ۲. کافی، ج۲، ص ۱۰۸؛ کنزالعمّال، ۷۰۱۲

فعّالیت کلاسی

جدول زیر را مانند نمونه کامل کنید:

مواردی که گذشت از خطای دیگران پسندیده است.	مواردی که نباید از خطای افراد چشم‌پوشی کرد.
فرد خطاکار به اشتباهش پی برده است.	
	اصلاً کار خودش را خطا نمی‌داند.
بخشش، باعث راهنمایی او می‌شود.	
	بخشش، باعث بی‌ادبی افراد نادان می‌شود.

گذشت زیبا

محکم و استوار قدم برمی‌داشت و با گام‌هایی آرام، بازار کوفه را طی می‌کرد. اندام ورزیده و چهرهٔ آفتاب سوخته‌اش در کنار زخم شمشیری که از جنگ‌های قبلی روی صورتش مانده بود، به او ابهت خاصی می‌بخشید.

در شلوغی بازار، چند نفر با هم مشغول گفت‌وگو بودند. در این میان، فردی که کارش خنداندن دیگران بود، مشتی زباله برداشت، چشمش که به او افتاد، زباله‌ها را به طرفش پرتاب کرد؛ صدای خندهٔ آنها توجه دیگران را نیز جلب کرد.

زباله‌ها روی شانهٔ مرد بلند قامت ریخت و لباس و بدنش را آلوده کرد. گره‌ای که در ابروها و پیشانی بلندش افتاد نشان می‌داد که سخت عصبانی است. او سر جایش

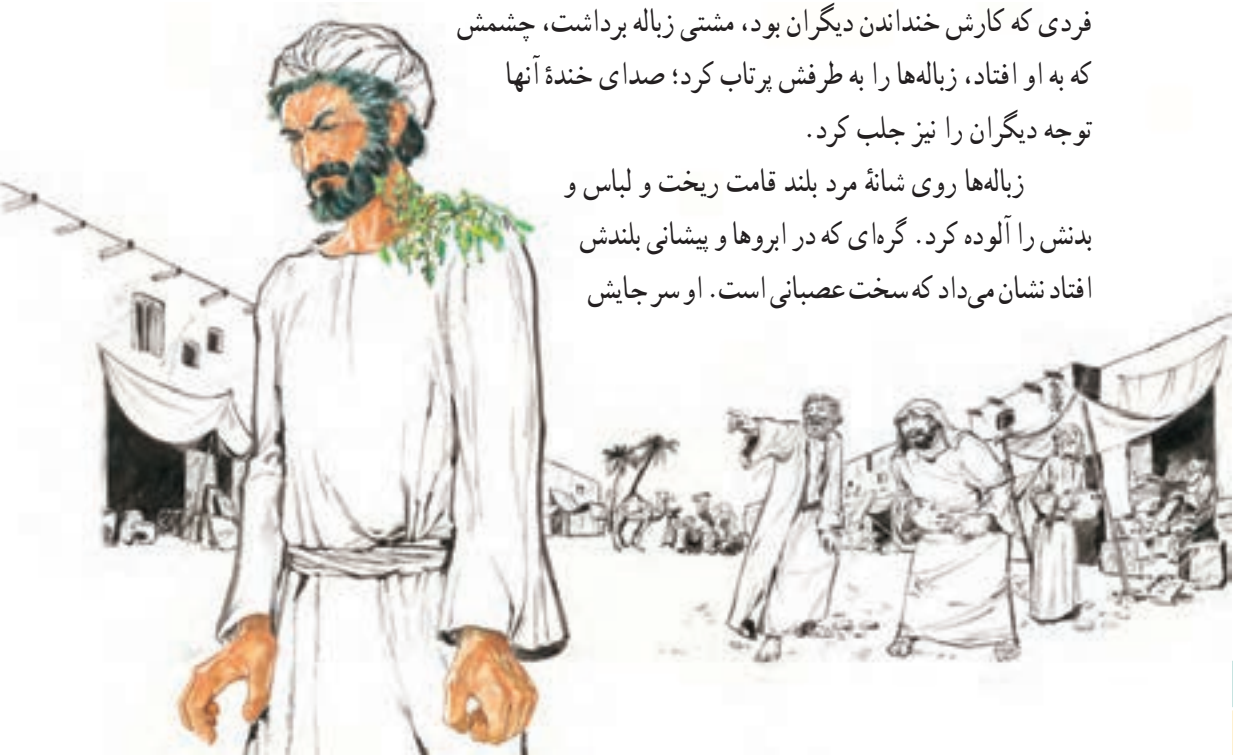

ایستاد و انگشتانش را در مشتش فشرد، اما پس از مدتی کوتاه برخلاف انتظار حاضران که دعوایی سخت را پیش‌بینی می‌کردند، بدون اینکه حتی به طرف آنان برگردد، راهش را در پیش گرفت و از آنان دور شد.

یکی از آنان گفت : خدا خیلی به تو رحم کرد، اگر به سراغت می‌آمد . . .

ــ او یک نفر بود و ما چند نفر، اگر دعوایی هم پیش می‌آمد، خودش پشیمان می‌شد.

یکی از بازاریان که از دور ماجرا را تماشا می‌کرد، هراسناک خودش را به آنان رساند و گفت : هیچ می‌دانید به چه کسی توهین کردید؟

ــ او هم یکی بود مانند هزاران عابری که هر روز از اینجا می‌گذرند، فقط قدش کمی بلندتر از بقیه بود.

ــ اگر او را شناخته بودید، این‌گونه نمی‌خندید، او فرماندهٔ لشکر اسلام، مالک اشتر بود!

ناگهان صدای خنده قطع شد و رنگ از رخسار جمع پرید.

ــ همان مالک اشتر معروف که نامش دل شیر را آب می‌کند؟ همان‌که پهلوانان دشمن از شنیدن نامش به خود می‌لرزند؟ بعد کمی سکوت کرد و آرام گفت :

ــ وای بر من! چه حماقتی کردم! الآن دستور خواهد داد مرا بگیرند و سخت مجازات کنند. باید بروم و از او عذرخواهی کنم. حتی اگر لازم شود به او التماس خواهم کرد . . .

به دنبال مالک اشتر به راه افتاد. مالک وارد مسجدی شد. او نیز آرام و با ترس و لرز وارد مسجد شد. مالک اشتر به نماز ایستاد. نفس راحتی کشید و منتظر ماند تا نمازش تمام شود.

مرد با سرافکندگی و پشیمانی کنار او نشست و با صدایی لرزان گفت : من همان کسی هستم که در بازار به شما بی‌ادبی کردم. از شما معذرت می‌خواهم و تقاضا می‌کنم از مجازات من صرف‌نظر کنید.

مالک جواب داد : اشتباه می‌کنی. به خدا سوگند، من فقط به خاطر دعا برای تو به مسجد آمدم. وقتی دیدم تو بی‌دلیل مردم را آزار می‌دهی، دلم برایت سوخت. فهمیدم که متوجه زشتی کار خودت نیستی. برای همین به مسجد آمدم تا دعا کنم و از خدا بخواهم که تو را به راه راست هدایت کند.[1]

خودت را امتحان کن

۱ـ غفّار یعنی چه؟ چرا خداوند با این صفت شناخته می‌شود؟

۲ـ گذشت از خطاهای دیگران چه فایده‌ای برای انسان دارد؟

۳ـ توضیح دهید با چه شرایطی گذشت از خطاهای دیگران شایسته است.

---

۱. مجموعهٔ ورّام، ج۱، ص۲

الهی

ای نهایت آرزوها و درخواست‌هایم،

و ای کسی که دو دست خویش را به رحمت باز کرده ای،

تا هر گناهکاری در آغوش رحمتت جای گیرد،

برای گناهانم جز تو آمرزنده ای نیافتم،

و برای شکست‌هایم غیر تو جبران کننده ای ندیدم،

الهی،

گناهانم را ببخش، که نابود کرند.

و خطاهای پنهانی ام را بپوشان که رسوا کننده اند[1].

تو هم اگر دوست داری چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

. . . . . .

. . . . . .

. . . . . .

---

۱. برگرفته از مناجات توّابین امام سجاد علیه‌السلام و دعای ابوحمزهٔ ثمالی.

فصل دوم

معاد

در کتاب «**پیام‌های آسمان**» سال هفتم، در درس «**تلخ یا شیرین**» دانستیم که چگونه انسان‌ها می‌توانند با شیوه زندگی‌ای که در این دنیا انتخاب می‌کنند، زندگی در جهان آخرت را شیرین یا تلخ سازند.

همچنین در درس «**عبور آسان**» با کارهایی که انجام یا ترک آنها می‌تواند مرگ را آسان یا سخت سازد آشنا شدیم. امسال در موضوع معاد فرامی‌گیریم که :

درس سوم (همه چیز در دست تو) : تمام کارهایی که ما در این دنیا انجام می‌دهیم، چه خوب و چه بد، تأثیر مستقیم در بهشتی یا جهنمی شدن ما در آن جهان دارد. ما می‌توانیم با تک‌تک کارهایی که انجام می‌دهیم، بهشت زیبا را برای زندگی همیشگی بسازیم و یا با برخی کارها برای خود آتشی در جهنم فراهم کنیم. در این درس با کارهایی که بهشت یا جهنم را می‌سازند آشنا می‌شویم.

درس ۳

همه چیز در دست تو...

کسی را سراغ داری که هر چه به او بسپاری، ده برابرش را به تو برگرداند؟
هفتاد برابر؟
هفتصد برابر؟
بی‌اندازه و بی‌پایان چطور؟
اگر کمی دقت کنی، حتماً او را می‌شناسی.

***

غیرقابل تصور

سرزمینی به وسعت تمام آسمان‌ها و زمین، پوشیده از باغ‌های بزرگ و قصرهای باشکوه و زیبا. رودهایی از شیر و عسل و آب زلال که به جای سنگریزه و خاک در آنها دانه‌های مروارید غلتان است. اینجا بهشت است، پاداش خداوند به نیکوکاران!

درهای بهشت گشوده می‌شود و فرشتگان خوش‌آمدگویان به استقبال مؤمنان می‌آیند.

اینجا از بیماری، ترس، اندوه و خستگی خبری نیست.

خدمتکاران مؤدب و زیبا در کمال احترام از شما با غذاهای لذیذ و نوشیدنی‌های بهشتی پذیرایی می‌کنند. اینجا هر میوه‌ای که شما بخواهید وجود دارد. همین که در دلتان قصد می‌کنید میوه‌ای را بخورید، آن درخت شاخه‌هایش را پایین می‌آورد و میوه‌هایش را دسترس شما قرار می‌دهد.

نیکوکاران در بهشت به دیدار یکدیگر رفته و با پیامبران، امامان و نیکوکاران همنشین‌اند. آنها با لباس‌های حریر بر روی تخت‌های زیبایی در کنار هم نشسته و با مهربانی با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند.

اینها فقط گوشه‌ای از نعمت‌های بی‌شمار خداوند به نیکوکاران است. آنچه شیرینی این نعمت‌ها را برایشان بیشتر می‌کند این است که هیچ‌گاه نعمت‌های بی‌پایان خداوند از آنها گرفته نخواهد شد و آنان همان‌گونه که خودشان آرزو دارند، تا ابد در بهشت خواهند ماند.

خداوند مهربان دربارهٔ وسعت نعمت‌های بهشت می‌فرماید :

لَـهُم مـا يَـشـائونَ فيها وَ لَـدَينا مَـزيـدٌ.[1]

در آنجا هر چه بخواهند برایشان [فراهم] است و البته [آنچه] نزد ماست بیشتر [از خواسته‌های آنها] است.

۱ــ سورهٔ ق، آیهٔ ۳۵.

فعّالیت کلاسی

آنچه خواندیم، بخشی از توصیف‌های قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم‌السلام دربارهٔ بهشت است. علاوه بر نعمت‌هایی که گفته شد، دوست دارید خداوند در بهشت چه نعمت‌های دیگری به شما بدهد؟

بهشت‌آفرینان

اما این همه پاداش در برابر چیست؟

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید :

در بهشت فرشتگانی را دیدم که با خشت‌هایی از طلا و نقره قصری می‌ساختند. آنها گاهی دست از کار می‌کشیدند و بعد از مدتی دوباره شروع به ساختن می‌کردند.

از آنان پرسیدم : چرا ناگهان دست از کار می‌کشید؟

گفتند : وقتی مصالح ساختمانی ما تمام می‌شود، دیگر نمی‌توانیم کار کنیم. پس منتظر می‌شویم تا دوباره برای ما مصالحی بفرستند.

پرسیدم : مصالح کار شما چیست؟
گفتند : هنگامی که مؤمنی در دنیا می‌گوید : «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الا اللّه و اللّه اکبر» این کلمات او در این جهان تبدیل به خشت‌های طلا و نقره می‌شود و ما برای او با این خشت‌ها قصر می‌سازیم[1] و هرگاه گفتن این کلمات را قطع کند، مصالح ما نیز تمام می‌شود.[2]

بنابراین نعمت‌های بهشت به دست خود انسان‌ها به بهشت فرستاده می‌شود. آنها با اعمال صالحی که در دنیا انجام می‌دهند، این نعمت‌ها را برای زندگی خود در بهشت ذخیره می‌کنند. خداوند مهربان هم تلاش آنها را می‌بیند، برای قدردانی از آنها پاداششان را ده‌ها و گاهی صدها برابر می‌کند و چنین هدایای ارزشمندی را در بهشت به آنان می‌بخشد. در حقیقت نعمت‌های بهشت، نتیجهٔ اعمال نیک انسان‌ها در دنیا و لطف و بخشش فراوان خداوند به آنها در آخرت است.

***

اما بیرون از بهشت، در قعر درّه‌ای بسیار عمیق :

آتش از هر سو زبانه می‌کشد. ستمکاران مغرور مانند هیزم، آتش می‌گیرند و می‌سوزند. اینجا زندان آنهاست، جهنم.

فریادهای گوش‌خراش جهنمیان و صدای مهیب آتش، از فاصله‌های دور، هر دلی را از ترس می‌لرزاند. ستمگرانی که در دنیا مؤمنان را آزار می‌دادند، اینجا با صورت‌های سیاه و زشت در میان آتش به دنبال آب و غذا می‌گردند؛ اما نه آبی هست و نه غذایی.

این سرانجام کسانی است که به خدا و فرستادگانش ایمان نداشتند و روز قیامت را انکار می‌کردند. ستمکارانی که مردم را اذیت می‌کردند و از هیچ گناهی روی نمی‌گرداندند.

فعّالیت کلاسی

به نظر شما چرا جهنّمیان در جهنّم عذاب می‌شوند؟

---

۱. البته تنها این اذکار نیستند که بهشت ما را می‌سازند؛ بلکه کارهای نیک هم مانند این ذکر نورانی باعث جلب رحمت و پاداش خداوند در بهشت می‌گردند. ۲. وسائل الشیعه، ج۷، ص ۱۸۸.

دوزخ‌آفرینان

این عذاب‌ها همان کارهای زشتی است که دوزخیان از دنیا برای خودشان پیش فرستادند. هریک از این زشتی‌ها به صورت عذابی دردناک درمی‌آید و به نزد صاحبش بازمی‌گردد؛ مثلاً کسی که در دنیا همیشه با زبانش دیگران را آزار می‌دهد، در جهنم همواره در محاصرهٔ مارها و عقرب‌های گزنده‌ای قرار دارد که خودش آنها را به‌وجود آورده است.

پس باید گفت : جهنّم را نیز خود جهنّمیان با اعمال خود به‌وجود آورده‌اند.

به محض ورود کسی به جهنّم، جهنّمیان با ناسزا و نفرین به استقبال او می‌روند. گروهی از آنها به گروهی دیگر که در دنیا با یکدیگر دوست بودند می‌گویند : شما در دنیا ما را گمراه کردید، پس باید عذاب ما را هم به دوش بکشید. آنها می‌گویند : ما که شما را مجبور نکرده بودیم. شما خودتان به دنبال ما می‌آمدید. ما عذاب خودمان را هم نمی‌توانیم تحمل کنیم.

سپس همگی به سراغ شیطان رفته و می‌گویند : تو بودی که همهٔ ما را گمراه کردی و به جهنم کشاندی. شیطان می‌گوید : «خداوند به شما وعده‌های راست داد و من وعده‌های دروغ. شما خودتان وعده‌های راست خداوند را کنار گذاشتید و وسوسه‌های دروغ مرا باور کردید. پس به جای سرزنش من، خودتان را سرزنش کنید[1]...».

اینجاست که جهنّمیان به فرصت‌های از دست رفته فکر می‌کنند و با حسرت و پشیمانی می‌گویند : «ای کاش، در دنیا با فلان شخص دوست نمی‌شدیم. ای کاش، اصلاً مشتی خاک بودیم و امروز چنین حالی نداشتیم. ای کاش، ایمان داشتیم و عمل صالحی انجام می‌دادیم ...[2]».

به راستی در این میان مقصر کیست؟

فعّالیت کلاسی

در قرآن کریم می‌خوانیم:

عده‌ای در روز قیامت می‌گویند: «اگر ما به پندهای پیامبران عمل می‌کردیم یا به نتیجهٔ کارهای خودمان می‌اندیشیدیم، اکنون در جهنم نبودیم».[3]

به نظر شما این افراد از کدام‌یک از نعمت‌هایی که داشته‌اند به درستی استفاده نکرده‌اند؟

---

۱. سورهٔ ابراهیم، آیهٔ ۲۲ ۲. سورهٔ فرقان، آیهٔ ۲۸؛ سورهٔ نبأ، آیه ۴۰؛ سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۱۰۰ ۳. سورهٔ ملک، آیهٔ ۱۰

بیشتر بدانیم

یکی از نام‌های روز قیامت، روز جزاست؛ یعنی روزی که هیچ کار نیک و بدی نادیده گرفته نمی‌شود و برای هر کاری ــ هر قدر هم کوچک باشد ــ پاداش یا مجازاتی مناسب آن کار در نظر گرفته می‌شود.

برای اینکه علت این نام‌گذاری را بدانید بهتر است به احادیث زیر توجه کنید :

ــ کسی که روزه می‌گیرد، روزه‌اش در روز قیامت به سپری تبدیل می‌شود که آتش را از او دور می‌کند.[۱]

ــ بهترین انسان‌ها در روز قیامت کسانی‌اند که به پدر و مادر خود خوبی کنند.[۲]

ــ کسی که از کارهای بد دیگران گذشت کند و آنها را ببخشد، خداوند عذاب آتش را از او دور می‌کند.[۳]

ــ انسان متکبّر و مغرور در روز قیامت، مانند مورچه‌ای کوچک محشور می‌گردد.[۴]

ــ کسی که همسایه‌هایش را اذیت کند، خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاهش را آتش قرار می‌دهد.[۵]

ــ نتیجهٔ دروغ گفتن، خواری در دنیا و عذاب در آخرت است.[۶]

همان‌طور که می‌بینیم وضعیت هر کسی در روز قیامت، متناسب با اعمالی است که در دنیا انجام داده است. بنابراین، همهٔ ما از همین حالا می‌توانیم با توجه به اعمال خود در این دنیا، وضعیتمان را در قیامت پیش‌بینی کنیم.

راستی شما دوست دارید در آن روز چگونه باشید؟

---

۱. کافی، ج۴، ص۶۲.
۲. مُستَدرَکُ الوَسائِل، ج۱۳، ص۴۱۴.
۳. تَنبیهُ الخَواطِر، ج۲، ص۱۲۰.
۴. کافی، ج۲، ص ۳۱۱.
۵. وسائل الشیعه، ج۵، ص۳۴۰ .
۶. میزان‌الحکمة، ج۳، ص ۲۶۷۷.

خودت را امتحان کن

۱ـ عذاب‌های جهنم را چه کسی به‌وجود آورده است؟ توضیح دهید.

۲ـ وقتی گناهکاران اشتباهات خود را به گردن شیطان می‌اندازند، او چه پاسخی به آنها می‌دهد؟

۳ـ آیا نعمت‌ها و پاداش‌های همهٔ بهشتیان مانند یکدیگر است؟ چرا؟

پیشنهاد

در قرآن کریم می‌خوانیم :

در روز قیامت، بهشتیان از دوزخیان می‌پرسند : چه چیزی این‌گونه شما را به‌سوی جهنم کشانید؟

جهنمیان در پاسخ، چهار کار خود را برمی‌شمارند که به سبب آنها گرفتار عذاب شده‌اند. شما می‌توانید با مراجعه به سورهٔ مدثّر (آیات ۴۳ تا ۴۶) این سؤال و جواب را یادداشت کرده و برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

الهی

ای نور،

ای منزه از هر عیب،

ای آن‌که پیش از همه بوده ای و بعد از همه خواهی بود.

خداوندا، گناهانم را بیامرز؛

خدایا، ببخش گناهانی را که خشم تو را فرو می فرستد؛

خداوندا، بیامرز گناهانی را که نعمت‌ها را تغییر می دهد؛

خدایا، بیامرز گناهانی را که دعاها را زندانی می کند؛

الهی، آن گناهان مرا بیامرز که بلاها را فرو می فرستد؛

خداوندا، همهٔ گناهانم را بیامرز و از تمام خطاهایم درگذر.[۱]

تو هم اگر دوست داری چند جمله با پروردگارت سخن بگو.

. . . . . .

. . . . . .

. . . . . .

۱. فرازهایی از دعای کمیل حضرت علی علیه‌السلام .

فصل سوم

راهنماشناسی

سال گذشته در درس «پیامبر رحمت» با ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آشنا شدیم و دانستیم که خداوند ایشان را برای تمام جهانیان به‌عنوان رحمت قرار داده است. در درس «الگوی فداکاری و عدالت» نیز با برخی ویژگی‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام یعنی شجاعت، علم، عدالت‌پروری و فداکاری آشنا شدیم و دانستیم که ایشان تمامی صفات اخلاقی و رفتاری اسلامی را در خود به بهترین شکل جمع کرده بود. همچنین در درس «برترین بانو» با صفات و رفتارهای حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها آشنا شدیم؛ صفاتی از قبیل حیا و عفت، توجه به خانواده، دفاع از حق، ایثار و بخشندگی و... .در کتاب «پیام‌های آسمان» امسال در دو درس می‌آموزیم که :

درس چهارم (پیوند جاودان) : اهل‌بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ، بعد از ایشان بهترین و عالم‌ترین هدایتگران مردم بودند. امامان معصوم بعد از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مسئولیت هدایت مردم در رساندن آنان به رستگاری را برعهده گرفتند. در این درس می‌آموزیم که ائمه علیهم‌السلام چه توانایی‌ها و ویژگی‌هایی برای هدایت مردم داشتند و چگونه علم پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به آنان رسید.

درس پنجم (روزی که اسلام کامل شد) : پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در آخرین روزهای زندگی خود بار دیگر امیرالمؤمنین را به امامت بعد از خود انتخاب کرد. این انتخاب در جمع تعداد فراوانی از مسلمانان که از مناطق مختلف برای انجام مراسم حج آمده بودند، صورت گرفت. در این درس با واقعه بزرگ غدیر آشنا می‌شویم.

درس ۴

پیوند جاودان

روزی امام صادق علیه‌السلام به شاگردان خود تفسیر[۱] آیاتی از قرآن را می‌آموخت.
هنگام غذا خوردن شد.
بعد از تمام شدن غذا برخی گفتند تاکنون غذایی به این لذیذی و پاکیزگی نخورده بودیم.
یکی از حاضران گفت : در روز قیامت بر اساس آیهٔ

ثُـمَّ لَـتُسئَلُنَّ یَومَـئِـذٍ عَنِ النَّـعیمِ[۲]
پس در آن روز دربارهٔ نعمت از شما سؤال خواهد شد.

از این غذایی که نزد فرزند پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خوردیم از ما سؤال خواهد شد.
امام صادق علیه‌السلام فرمود :

خداوند کریم‌تر و شأنش بالاتر از آن است که طعامی به بنده‌اش بدهد و آن را برایش حلال و گوارا سازد، آن‌گاه از آن بازخواست نماید؛ بلکه منظور از نعیم در این آیه، نعمت محمد و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است که به شما ارزانی داشته است.[۳] در روز قیامت دربارهٔ نعمت ولایت ما اهل بیت از شما سؤال خواهد شد.[۴]

فعّالیت کلاسی

به نظر شما علت تأکید قرآن بر نعمت اهل بیت چیست؟

۱. تفسیر قرآن : بیان و آشکار کردن معنای آیات قرآن کریم.
۲. سورهٔ تکاثر، آیهٔ ۸ .
۳. کافی، ج۶، ص ۲۸۰.
۴. تفسیر برهان، ج۵، ص۷۴۶.

***

در قرآن کریم تمامی چیزهایی که برای رستگاری انسان در دنیا و آخرت مورد نیاز است، گنجانده شده است و هرکس به این معجزهٔ جاویدان پیامبر اکرم ﷺ مراجعه کند، می‌تواند در سطح فهم و دانش خود از آن بهره ببرد.

اما آیا همهٔ انسان‌ها می‌توانند به عمق علوم و معارف عمیق قرآن دست یابند؟

خداوند حکیم، پیامبر اکرم ﷺ را اوّلین معلم قرآن قرار داد؛ زیرا ایشان بهتر از هر انسان دیگری می‌داند که هر آیه از قرآن در چه زمانی و به چه علتی نازل شده است و مفهوم و تفسیر واقعی آن چیست. پیامبر اعظم برای انجام رسالت مهمی که بر عهده داشت، با تمام وجود به بیان معارف الهی قرآن و آموزش مردم زمان خود پرداخت. مردم هر سؤالی داشتند از پیامبر رحمت می‌پرسیدند و هیچ‌گاه دچار حیرت و سرگردانی نمی‌شدند.

اما مردمی که پس از وفات رسول خدا به دنیا می‌آیند، چگونه باید راه رستگاری خود در دنیا و آخرت را پیدا کنند؟ خداوند برای راهنمایی آنان ــ که اتفاقاً جمعیتشان از مردم زمان پیامبر اعظم به‌مراتب بیشتر است ــ چه تدبیری اندیشیده است؟

***

تربیت معلمان آینده

رسول خدا از ابتدای بعثت، به دستور خداوند برنامهٔ کامل و دقیقی برای هدایت مردم طراحی کرده بود که حتی سعادت انسان‌های پس از خود را نیز تضمین می‌کرد. این برنامه عبارت بود از تربیت معلمان ویژه برای فهم و آموزش معارف عمیق قرآن.

فکر می‌کنید چه کسی می‌توانست شایسته‌ترین فرد برای هدایت مردم پس از رسول خدا باشد؟

بهترین فرد برای این جایگاه، کسی بود که از کودکی در آغوش پر محبت پیامبر خدا پرورش یافته بود، همان کسی که از هر کس دیگری به پیامبر نزدیک‌تر بود و از کودکی در اثر تربیت کامل پیامبر از علوم الهی برخوردار شده بود.

امیرمؤمنان در این باره می‌فرماید :

من از کودکی با رسول خدا بودم و او هر روز، دری از علم به رویم می‌گشود و اخلاق و آداب نیک را برایم آشکار می‌ساخت و دستور می‌داد پیوسته از او پیروی کنم.[1]

---

۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۸۷.

هیچ آیه‌ای بر پیامبر نازل نمی‌شد، مگر اینکه آن را برای من قرائت می‌کرد. او می‌خواند و من با خط خودم آن را می‌نوشتم و سپس تفسیر و تأویل[1] آن آیه را به من می‌آموخت و از خداوند درخواست می‌کرد که قدرت فهم و حفظ آن را به من عطا کند.
پس هرچه از حلال، حرام، امر، نهی و اتفاقات گذشته و آینده که خداوند به او آموخته بود، همه را به من آموخت و من آنها را حفظ کردم و با دعای پیامبر حتی یک حرف از آن را هم فراموش نکردم.[2]

پیامبر خدا اسرار و نکات عمیق قرآن را به حضرت علی علیه‌السلام آموخت تا پس از رحلت ایشان، مردم بتوانند با کمک امیر مؤمنان و امامان پس از ایشان از آموزه‌های قرآن بهره‌مند گردند و با استفاده از این آموزه‌ها بر مشکلات خود غلبه کنند.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید :

روزی رسول خدا به من فرمود : ای علی، آنچه برایت می‌گویم، بنویس.
گفتم : ای رسول خدا، آیا بیم آن را دارید که سخنان شما را فراموش کنم؟
فرمود : نه، بیم فراموشی بر تو ندارم؛ زیرا خدا خواسته است که تو را حافظ احکام و معارف دین قرار دهد، اما اینها تنها برای تو نیست؛ بلکه برای امامان بعد از تو نیز هست، برای آنها بنویس.
آن گاه رسول خدا به پسرم حسن اشاره کرد و فرمود : اولین اینها، حسن است. سپس نگاهی به حسین کرد و فرمود : دومین آنها حسین است و بقیه از فرزندان حسین هستند.[3]

اصحاب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ، بارها و بارها از ایشان شنیده بودند که می‌فرمود :

ای مردم، من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می‌گذارم. تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد؛ یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیتم. این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمهٔ کوثر به من ملحق شوند، پس خوب مراقب باشید که بعد از من با این دو چگونه رفتار می‌کنید.[4]*

---

۱. تأویل قرآن : بیان مقصود واقعی خداوند از آیات قرآن کریم. ۲. کافی، ج۱، ص۶۴. ۳. ینابیع المودة، ص۲۲. ۴. سنن ترمذی، ج۵، ص ۶۲۲-۶۶۳؛ مستدرک حاکم، ج۳، ص ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۴۸، ۵۳۳؛ سنن ابن ماجه، ج۲، ص۴۳۲؛ مسند احمد بن حنبل، ج۳، ص ۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹. *حفظ شود.

این سخن رسول خدا که بعدها به حدیث ثقلین مشهور شد، نشان می‌دهد که تنها راه رسیدن به سعادت و راهیابی به بهشت زیبای خداوند، پناه بردن به قرآن و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام است و رها کردن هر یک از این امانت‌های ارزشمند الهی، نتیجه‌ای جز سرگردانی و گمراهی نخواهد داشت.

آیات زیر را با دقت بخوانید:

۱ــ اِنَّهُ لَقُرآنٌ کَریمٌ	این قرآن کریمی است
فِی کِتابٍ مَکنونٍ	که در کتاب محفوظی جای دارد
لا یَمَسُّهُ اِلَّا المُطَهَّرونَ[1]	جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند [= دست یابند]
۲ــ اِنَّما یُریدُ اللّٰهُ	خداوند فقط می‌خواهد
لِیُذهِبَ عَنکُمُ الرِّجسَ اَهلَ البَیتِ	پلیدی و گناه را از شما اهل بیت [پیامبر] دور کند
وَ یُطَهِّرَکُم تَطهیرًا[2]	و شما را کاملاً پاک سازد.

این آیات را کنار هم قرار دهید و دربارهٔ پیامی که از آنها در می‌یابید در کلاس گفت‌وگو کنید.

۱ـ چرا خداوند پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را اوّلین معلم قرار داد؟
۲ـ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای هدایت مردم بعد از خود چه برنامه‌ای طراحی کرده بود؟
۳ـ حدیث ثقلین را بنویسید.

---

۱. سورهٔ واقعه، آیات ۷۷ تا ۷۹. ۲. سورهٔ احزاب، آیهٔ ۳۳.

بیشتر بدانیم

حضرت امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید :

حدیث من، حدیث پدرم است و حدیث پدرم، حدیث جدّم است و حدیث جدّم، حدیث امام‌حسین است و حدیث امام‌حسین، حدیث امام‌حسن است و حدیث امام‌حسن، حدیث امیرمؤمنان علیه‌السلام است و حدیث امیرمؤمنان، حدیث رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله است و حدیث رسول‌الله، کلام خداوند عزّوجل است.[1]

۱. کافی، ج۱، ص۵۳.

الهی

خدایا،

یاری‌ام کن تا از اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام پیروی کنم،

آنان که بندگان خوب تو، ستون‌های دین تو و رازداران وحی تو‌اند.

خدایا،

خوب می دانم که راه زندگی‌ام، راهی بس دراز و پرپیچ و خم است،

توفیقم ده تا با پیروی از امامان، در صراط مستقیم گام نهم،

و از فرو افتادن در چاه ها و پرتگاه ها در امان بمانم،

ای بهترین هدایت کننده،

که امامان را از هر ناپاکی پاک گرداندی

محبت آنان را نصیب دل من کن

و آنان را از من راضی گردان

و کمکم کن تا در راه رضای آنان، که رضای توست، بکوشم.

درس ۵

روزی که اسلام کامل شد

رسول اعظم ﷺ هرگاه گروهی را برای مأموریتی به جایی می‌فرستاد، یکی از آنان را سرپرست گروه قرار می‌داد تا دچار تفرقه و سردرگمی نشوند. در جنگ‌هایی که خود حضور نداشت نیز چندین نفر را به ترتیب برای فرماندهی مشخص می‌کرد تا اگر یکی از آنها آسیب دید، نفر دیگر فرماندهی را به عهده بگیرد. حتی زمانی که برای مدت چند روز می‌خواست به سفر برود، فردی را تعیین می‌کرد تا در غیاب او به اداره امور مسلمانان بپردازد.

حالا کمی فکر کنیم؛

پیامبر خدا که در زمان حیات خود، مسلمانان را بدون راهبر و امام رها نمی‌کرد، آیا ممکن است وقتی که باید برای همیشه آنها را ترک کند، امت بزرگ اسلامی را بدون راهبر رها نماید و جانشینی برای خود تعیین و معرّفی ننماید؟

***

مهم‌ترین پیام

صحرای حجاز لبریز از جمعیت است. بیش از صد و بیست هزار نفر!

مسلمانان از مدینه، یمن، عراق و هر جای دیگر، خودشان را برای حج به مکه رسانده‌اند. این دستور پیامبر خداست که هرکس توانایی دارد، خودش را به مراسم حج برساند.

در هنگام مناسک حج[1]، چشم‌ها و گوش‌ها همه متوجه پیامبر خداست. همه می‌خواهند اعمال حج را از خود پیامبر بیاموزند.

فضای مکه تاکنون چنین حال و هوایی را به خود ندیده است. انگار همه چیز در این شهر تازگی دارد، اما آنچه از همه عجیب‌تر است، حالت خود پیامبر است. گویی نگران چیزی است، یا می‌خواهد خبر مهمی را به مردم بدهد که هنوز زمانش فرا نرسیده است...

***

مناسک حج تمام می‌شود و مسلمانان در کاروانی بزرگ از مکه خارج می‌شوند. چند روزی در بیابان‌های خشک و سوزان راه می‌روند تا به غدیر خم می‌رسند. جایی که مسیر کاروانیان از هم جدا می‌شود.

۱. مناسک حج : عبادات و اعمال مربوط به حج.

در این هنگام جبرئیل امین نازل می‌شود :

یا اَیُّهَا الرَّسولُ	ای پیامبر،
بَلِّغ ما اُنزِلَ اِلَیکَ مِن رَبِّکَ	آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، [به مردم] برسان!
وَ اِن لَم تَفعَل	و اگر چنین نکنی،
فَما بَلَّغتَ رِسالَتَهُ	رسالت او را انجام نداده‌ای!
وَ اللّهُ یَعصِمُکَ مِنَ النّاسِ	و خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم، نگاه می‌دارد.

اِنَّ اللّهَ لا یَهدِی القَومَ الکافِرینَ[1] آری خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند.

۱. سورهٔ مائده، آیهٔ ۶۷.

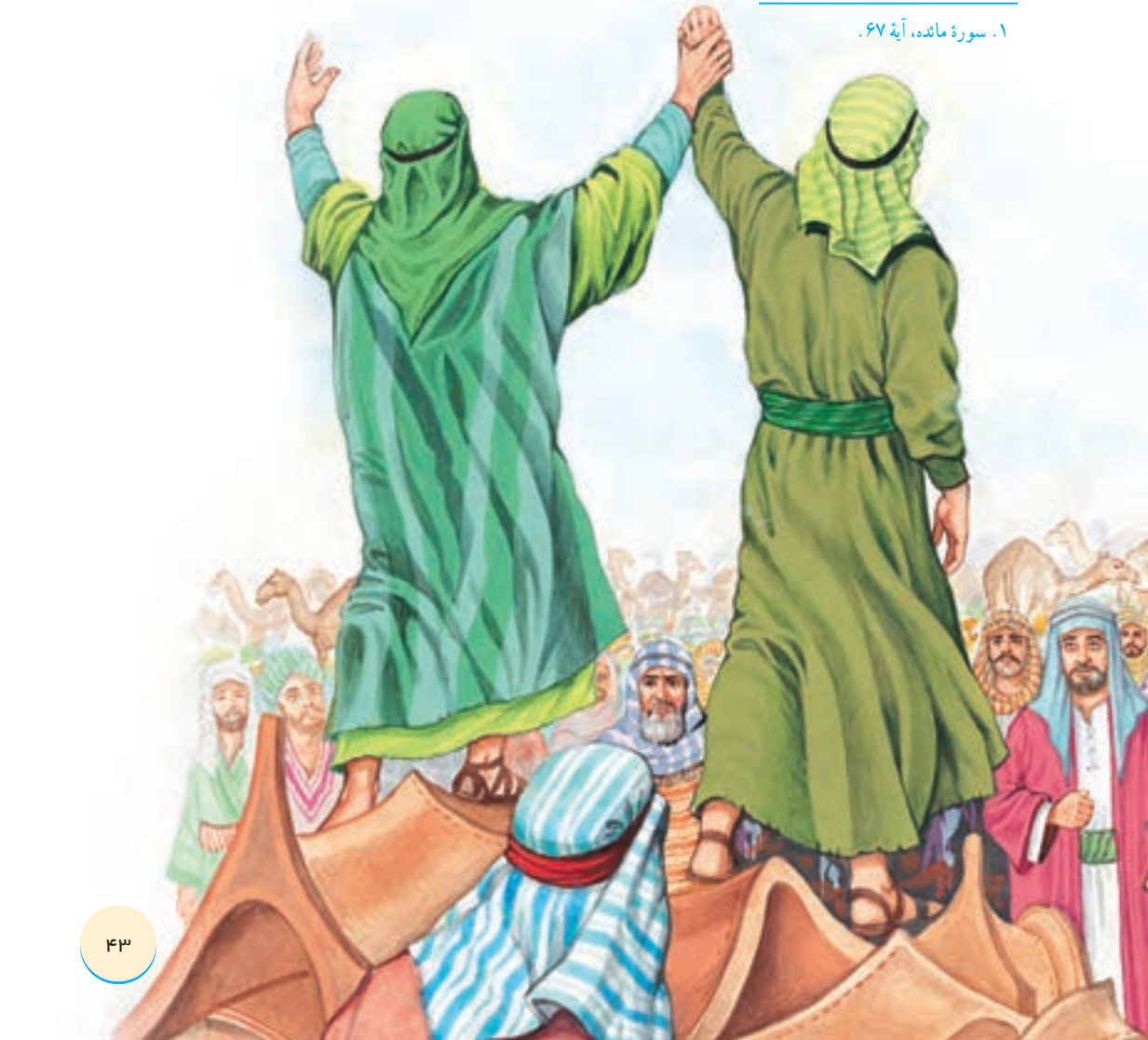

این چه خبری است که این قدر اهمیت دارد؟

پیامبر خدا بیست و سه سال، با سختی و مشقت تلاش کرد تا دین خدا را بدون هیچ کم و کاستی به مردم برساند. و در این راه، نزدیک‌ترین عزیزان و یارانش را از دست داد، شکنجه‌ها و تنهایی‌ها را تحمّل کرد، محاصره شد، گرسنگی کشید و بارها جهاد کرد و مجروح شد. حالا این چه پیامی است که اگر آن را به مردم نرساند، زحمت‌های تمام این سال‌هایش به هدر می‌رود؟

این همان خبر مهمی است که مدت‌هاست ایشان را نگران کرده است. او نگران بود مبادا عده‌ای از مردم از سر لجاجت، از این دستور خدا سرپیچی کنند و گمراه شوند. اما اکنون که فرشتهٔ وحی دستور خداوند را به ایشان می‌رساند، دیگر نگرانی‌اش برطرف می‌شود.

رسول خدا دستور می‌دهد همهٔ کاروانیان از شترها پیاده شوند!

«صبر می‌کنیم تا کسانی که عقب‌ترند به ما برسند. به آنان که جلو رفته‌اند نیز بگویید همه برگردند!»

مسلمانان با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کنند؛

همه می‌دانند که مسئلهٔ مهمی پیش آمده است، ولی کسی نمی‌داند چه موضوعی؟

نزدیک ظهر است و هوا بسیار گرم!

زیر آفتاب سوزان حجاز، عده‌ای عباهایشان را به سر کشیده‌اند و عده‌ای دیگر به سایهٔ شترها پناه برده‌اند.

هنگام نماز فرا می‌رسد و پیامبر خدا به نماز می‌ایستد. مسلمانان نیز همگی به ایشان اقتدا می‌کنند و نماز را به جماعت می‌خوانند.

نماز تمام می‌شود و رسول خدا روی مکان بلندی می‌ایستد.

سکوت همه جا را فرا می‌گیرد و چشم‌های هزاران مسلمان به لب‌های پیامبر دوخته می‌شود...

«ای مردم، مرگ برای هر انسانی حتمی است و من نیز مانند دیگر انسان‌ها خواهم مرد.

بدانید که من و شما همگی در برابر خداوند و دین مسئولیم. من به وظیفهٔ خود عمل کردم و پیام‌های خدا را به شما رساندم و شما را راهنمایی کردم.

ای مردم، خداوند به من خبر داده است که مرگم نزدیک است. او مرا به سوی خویش دعوت کرده است و من خیلی زود به سوی او خواهم شتافت. پس با شما وداع می‌کنم و برایتان وصیّت مهمی دارم.

ای مردم، من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می‌گذارم؛ تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد. یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیتم؛ این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمهٔ کوثر به من ملحق شوند؛ پس خوب مراقب باشید که پس از

من با این دو چگونه رفتار می‌کنید».

سخن پیامبر که به اینجا می‌رسد، علی بن ابی طالب علیه‌السلام را نزد خویش فرا می‌خواند. دست او را می‌گیرد و می‌فرماید :

«ای مردم، تاکنون سرپرستی و رهبری شما به عهدهٔ من بوده است. آیا من از سوی خدا رهبر و صاحب اختیار شما نبودم؟ آیا من ولیّ و راهبر شما نبودم؟»

همه جواب می‌دهند : بله ای رسول خدا، تو پیشوا، ولیّ و صاحب اختیار ما بوده‌ای.

در این هنگام پیامبر رحمت، دست علی علیه‌السلام را بالا می‌آورد و با صدایی بلند و رسا می‌فرماید :

«آگاه باشید، هرکس که من ولیّ و صاحب اختیار او بوده‌ام، هم‌اکنون این علی سرپرست و ولیّ اوست. خداوندا، هرکس ولایت علی را پذیرفت، تو نیز او را تحت سرپرستی و ولایت خویش قرار بده؛ خدایا، یاران علی را یاری کن و با دشمنان علی دشمن باش».[1]

در میان آن جمعیت انبوه، چند نفر سخنان پیامبر را جمله به جمله و با صدای بلند تکرار می‌کنند تا فرمایش ایشان به کسانی که دورتر نشسته‌اند نیز برسد.

رسول اکرم در پایان سخنانشان می‌فرماید :

« آیا این پیام خداوند را به شما رساندم؟»

مردم می‌گویند : بله ای رسول خدا .

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید :

« پس حاضران، این پیام را به غایبان نیز برسانند».

سخنان ایشان که تمام می‌شود، مسلمانان گروه گروه پیش می‌آیند و این افتخار بزرگ را به امیرمؤمنان تبریک می‌گویند. اصحاب پیامبر پیشاپیش بقیهٔ مسلمانان، ولایت حضرت علی علیه‌السلام را به ایشان تبریک می‌گویند و او را مولای خود می‌نامند.

دیگر نشانه‌ای از نگرانی در چهرهٔ پیامبر خدا دیده نمی‌شد. او این پیام مهم الهی را در حضور ده‌ها هزار نفر برای مردم بیان کرده است تا برای هیچ کس تردیدی در جانشینی حضرت علی علیه‌السلام باقی نماند.

هنوز جمعیت از اطراف علی علیه‌السلام پراکنده نشده‌اند که فرشتهٔ وحی، آیهٔ دیگری را برای پیامبر می‌آورد :

---

۱. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۰۸ تا ۲۵۱.

... اَلیَومَ	امروز،
یَئِسَ الَّذینَ کَفَرُوا مِن دینِکُم	کافران از [نابودی] دین شما مأیوس شده‌اند.
فَلا تَخشَوهُم	پس از ایشان مترسید
وَ اخشَونِ	و از [مخالفت با] من بترسید!
اَلیَومَ اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم	امروز، دین شما را برایتان کامل کردم،
وَ اَتمَمتُ عَلَیکُم نِعمَتی	و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم،
وَ رَضیتُ لَکُمُ الاِسلامَ دینًا.[1]	و اسلام را برای شما به عنوان آیین [جاویدان] برگزیدم.

این واقعه را تمام دانشمندان مسلمان در کتاب‌های مهم حدیثی و تاریخی خود ذکر کرده‌اند، به‌گونه‌ای که برای هیچ مسلمانی (شیعه و سنی) تردیدی در اصل این ماجرا و سخنان پیامبر اکرم وجود نداشته و ندارد.

بهترین انتخاب

در ماجرای غدیر، انتخاب حضرت علی علیه‌السلام برای جانشینی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله توسط خود خداوند انجام شد و جبرئیل امین نیز آن را به اطلاع پیامبر خدا رساند.

حالا اگر این انتخاب توسط خداوند انجام نمی‌گرفت، و قرار بود پیامبر، خودش کسی را برای این کار مهم انتخاب کند، چه کسی شایستگی این جانشینی را داشت؟

بی‌تردید شایسته‌ترین فرد برای رهبری و هدایت مردم کسی بود که آگاه‌ترین مردم به قرآن و احکام الهی باشد[2] و تمام احکام الهی را از رسول خدا فرا گرفته باشد و این فرد کسی جز امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی طالب علیه‌السلام نبود.

جانشینی حضرت علی علیه‌السلام در روز غدیر، موجب ناامیدی کامل مشرکان و منافقان شد. آنها تصور می‌کردند چون پیامبر خدا پسری ندارد، کسی بعد از او نمی‌تواند رهبری مردم را بر عهده بگیرد، و با وفاتش دین اسلام نیز به فراموشی سپرده خواهد شد. اما جانشینی امیرمؤمنان به جای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در غدیر خم، تمام آرزوهای پوچ آنان را بر باد داد.

---

۱. سورهٔ مائده، آیهٔ ۳.
۲. در کتاب‌های دانشمندان شیعه و سنی می‌بینیم که اصحاب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله همگی اعتراف می‌کردند که داناترین همهٔ آنها حضرت علی علیه‌السلام است.

فعّالیت کلاسی

کمی به ماجرای غدیر و سخنان رسول خدا ﷺ در این روز فکر کنید!

اعمال حج تمام شده است و مسلمانان مشتاقانه در انتظار بازگشت به شهرها و دیدار خانواده‌های خود هستند. برخی از آنها که از مناطق دورتر به مکه آمده‌اند، ماه‌هاست که از خانه و خانواده‌هایشان بی‌خبرند. در چنین شرایطی رسول خدا ناگهان صد و بیست هزار نفر را در بین راه متوقف می‌کند. آنان که جلو رفته‌اند باید برگردند و آنان که عقب مانده‌اند باید برسند. در بیابانی سوزان برایشان سخن می‌گوید و از آنها می‌خواهد همهٔ آنچه را شنیده‌اند برای بقیهٔ مسلمانان بازگو کنند.

به نظر شما این همه تأکید نشانهٔ چیست؟

با کمک دبیر محترم، دربارهٔ این پرسش در کلاس گفت‌وگو کنید.

خودت را امتحان کن

۱ـ پیامبر اکرم ﷺ، در روز غدیر خم، دربارهٔ امیرالمؤمنین علیه‌السلام چه فرمود و ایشان را به چه مقامی منصوب کرد؟

۲ـ چرا در روز غدیر خم، کافران و منافقان از نابودی اسلام ناامید شدند؟

۳ـ چرا بعد از پیامبر خدا تنها امیرمؤمنان علیه‌السلام شایستهٔ رهبری بر مسلمانان بودند؟

بیشتر بدانیم

بزرگ‌ترین عید

مردم در کشور ما روز عید غدیر را جشن می‌گیرند و در این روز برای زنده نگه داشتن این واقعهٔ مهم، به دیدار سیّدها می‌روند و خداوند مهربان را به خاطر این نعمت بزرگ سپاس می‌گویند. این روز بزرگ از زمان زندگی اهل بیت علیهم‌السلام نیز در میان مؤمنان روز عید به شمار رفته است.

شخصی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: آیا مسلمانان به جز عید فطر و عید قربان، عید دیگری هم دارند؟

امام فرمود: بله، عیدی بزرگ‌تر از اینها هم هست.

ــ: کدام عید؟!

ــ: همان روزی که پیامبر خدا، حضرت علی علیه‌السلام را به ولایت منصوب کرد و فرمود: «مَنْ کُنْتُ مَولَاهُ فَهَذَا عَلِیٌّ مَولَاهُ»؛ هر که من مولای اویم، این علی ولیّ و رهبر اوست.

ــ: این کدام روز است؟

ــ: روز هجدهم ماه ذی‌حجه.

ــ: در این روز انجام چه کاری شایسته‌تر است؟

ــ: در این روز با روزه گرفتن و عبادت خدا و گفت‌وگو دربارهٔ فضیلت‌های محمد و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، خدا را یاد کنید. رسول خدا به امیر مؤمنان سفارش کرد که این روز را عید بگیرد...[1]

موضوع ولایت حضرت علی علیه‌السلام و واقعهٔ غدیر در میان مسلمانان از چنان اهمیتی برخوردار است که نویسندگان و اندیشمندان بسیاری را به نوشتن کتاب‌هایی دربارهٔ این موضوع واداشته است.

کتاب ارزشمند «الغدیر» یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که توسط علّامهٔ امینی در یازده جلد، تألیف شده است. ایشان در بخش اوّل این کتاب، صدها نفر از راویان شیعه و سنّی را نام می‌برد که خودشان این حدیث را در غدیر خم از رسول خدا شنیده‌اند.

وی در بخش‌های دیگر کتاب خود، از بسیاری از نویسندگان و دانشمندان شیعه و سنّی در قرن‌های مختلف نام می‌برد که یا کتاب‌های مستقلی دربارهٔ این موضوع نوشته‌اند، یا بخش‌هایی از کتاب‌های خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند.

---

۱. وسائل الشیعه، ج۱۰، ص۴۴۰.

الهی

خدایا،

مرا همواره دوستدار پیامبرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله

و جانشین او، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام قرار ده؛

او که از کودکی نزد پیامبر رحمت بزرگ شد

و راه و رسم او را کامل فراگرفت.

خدایا،

بر امیرالمؤمنین درود فرست و دوستی با او را در دلم بنشان

و مرا از پیروان و شیعیان واقعی او قرار ده

و توفیق زیارت مرقد نورانی اش را نصیبم فرما.

تو هم اگر دوست داری چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

فصل چهارم

راه و توشه

در سال‌های گذشته، در کتاب «هدیه‌های آسمان» و «پیام‌های آسمان» مطالب فراوانی درباره احکام نماز، روزه، حجاب و... آموختیم. در ادامه مطالب گذشته، در این کتاب دو درس دربارهٔ احکام داریم :

درس ششم (نردبان آسمان) : در درس «ستون دین» پیام‌های آسمان هفتم، با واجبات (ارکان و غیرارکان) نماز آشنا شدیم. همچنین در درس «نماز جماعت» با احکام نماز جماعت و جمعه نیز آشنا شدیم. در این درس با برخی از آداب نماز از قبیل خواندن اذان و اقامه، نماز خواندن در مسجد و نیز با شرایط نماز صحیح آشنا می‌شویم.

درس هفتم (یک فرصت طلایی) : در این درس می‌آموزیم که روزه گرفتن چه فرصت ارزشمندی در جهت ساخته شدن روح و جسم انسان است و شایسته است به روزه به‌عنوان یک فرصت طلایی نگاه کنیم. همچنین، در این درس با آثار روزه و اموری که موجب باطل شدن روزه می‌شود نیز آشنا می‌شویم.

درس

۶ نردبان آسمان

امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید :

«ای مردم، مراقب نمازهایتان باشید و خودتان را با نماز به خدا نزدیک کنید. آیا نمی‌شنوید که وقتی از دوزخیان می‌پرسند چه چیزی شما را به دوزخ کشانید، می‌گویند : «ما از نمازگزاران نبودیم»؟ به‌درستی که نماز، گناهان را مانند برگ‌های پاییزی فرو می‌ریزد و غل و زنجیر گناهان را از گردن‌ها می‌گشاید. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ، نماز را به چشمهٔ آبی تشبیه کرده است که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شبانه‌روز، پنج مرتبه خود را در آن شست و شو دهد؛ پس هرگز آلودگی در بدن او باقی نمی‌ماند».[1]

***

۱. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۹.

در میان احکام اسلامی هیچ موضوعی به اندازهٔ نماز مورد تأکید و سفارش پیشوایان دین قرار نگرفته است. این عبادت بزرگ از چنان اهمیتی برخوردار است که در سخنان معصومین از آن به عنوان «ستون دین» ، «معراج[1] مؤمنان» و «سد محکمی در برابر شیطان» یاد شده است و ترک آن می‌تواند انسان را به مرز هولناک کفر و بی‌ایمانی بکشاند.

اما باید ببینیم هر نمازی می‌تواند باعث بالا رفتن ما به سوی خدا شود؟

ما چگونه نماز بخوانیم تا مورد توجه بیشتر خداوند قرار گیرد؟

آداب نماز

سال گذشته با برخی آداب نماز آشنا شدیم.

به جا آوردن نماز در اوّل وقت، برپایی نماز به جماعت و پوشیدن لباس‌های تمیز و مرتب از این آداب بودند.

در این درس، با برخی دیگر از آداب و احکام نماز آشنا می‌شویم که عمل به آنها می‌تواند نماز را نزد خداوند ارزشمندتر سازد.

۱ــ خواندن اذان و اقامه قبل از نماز

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید :

کسی که اذان و اقامه بگوید و به نماز بایستد، دو صف از فرشتگان پشت سر او به نماز می‌ایستند که ابتدا و انتهای این دو صف دیده نمی‌شود، و کسی که فقط اقامه بگوید و نماز بخواند، پشت سرش یک صف از فرشتگان به نماز می‌ایستند.[2]

---

۱. **معراج** : وسیلهٔ بالا رفتن به سوی خداوند. ۲. وسائل الشیعه، ج۵، ص۳۷۳.

محتوای اذان و اقامه را به یاد دارید؟

اَللّٰهُ اَکبَر ــ خداوند را از همه بزرگ‌تر شمردن،

اَشهَدُ اَن لا اِلـهَ اِلّا اللّٰهُ ــ شهادت به یگانگی خداوند دادن،

اَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسولُ اللّٰهِ ــ شهادت به پیامبری حضرت محمد ﷺ دادن.

اینها مهم‌ترین عقاید همهٔ مسلمانان جهان است که به‌عنوان شعار اسلام، هر روز و هر شب، در وقت نماز، با صدای بلند در آسمان شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی طنین‌انداز می‌شود. به این ترتیب با گفتن اذان و اقامه، ما بار دیگر عقاید اساسی خود را تکرار و مرور می‌کنیم.

سفارش‌های بزرگان دین به اذان گفتن سبب شده است اذان‌گویی، عملی پسندیده و قابل تقدیر به‌شمار آید، به‌گونه‌ای که مؤذنان همواره امین و مورد اعتماد و احترام مردم بوده‌اند.

پیامبر اکرم ﷺ دربارهٔ این عمل ارزشمند می‌فرماید :

بخشی از ثواب نماز همه نمازگزاران، سهم مؤذنی است که مردم با صدای اذان او به نماز ایستاده‌اند.[1]

۲ــ نماز خواندن در مسجد

مسجد، خانهٔ خداست و توصیهٔ فراوانی به نماز خواندن در آنجا شده است. در مساجد همواره ذکر و نام خداوند جاری است و معنویت فراوانی در آن وجود دارد؛ از این‌رو، کسی که برای نماز خواندن به مسجد می‌رود، نمازش را با توجه بیشتری اقامه می‌کند. انسان در مسجد میهمان خدا می‌شود و چه کسی از خداوند قادر در پذیرایی از میهمان تواناتر است؟

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید :

به مسجد آمدن را جدی بگیرید؛ چرا که مساجد خانه‌های خداوند در زمین هستند و هر کس با طهارت به مسجد برود خداوند گناهان او را پاک می‌کند و [نام] او را در میان زائران خود می‌نویسد.[2]

ضمن مشورت با دوستانتان در کلاس، توضیح دهید چه فرقی بین آداب نماز و احکام واجب نماز وجود دارد؟

۱. وسائل الشیعه، ج۵، ص۳۷۱. ۲. امالی صدوق، ص۳۵۸.

شرایط نماز صحیح

نماز جماعت که تمام شد، سعید از صف پشتی آمد و کنار من نشست :

ــ سلام

همین‌طور که داشتم تسبیحات حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها[1] را می‌گفتم با او دست دادم و جوابش را دادم. سعید که انگار می‌خواست حرف مهمّی بزند، همین طور چشم به من دوخته بود. تا تسبیحات را تمام کردم بلافاصله گفت : هیچ می‌دانی باید نمازت را دوباره از اول بخوانی؟

ــ چرا؟

ــ برای اینکه نمازی که الآن خواندی باطل بود!

خیلی تعجب کردم. دوباره پرسیدم : چرا؟

ــ برای اینکه پشت آستین پیراهنت خونی شده و با لباس نجس نمی‌شود نماز خواند.

ــ تو مطمئنّی؟

ــ باور نمی‌کنی؟ اینجاست، ببین.

با زحمت پیراهنم را چرخاندم و آن را دیدم. درست می‌گفت، ولی خیلی کم بود. شاید یک قطره بود.

ــ ولی اینکه خیلی کوچک است. مطمئنّی این مقدار خون نماز را باطل می‌کند؟

ــ کاری ندارد، برویم از حاج آقا بپرسیم.

با هم رفتیم و کنار آقای علوی امام جماعت مسجدمان نشستیم. وقتی که بعد از سلام و احوالپرسی ماجرا را برای او تعریف کردیم، حاج آقا گفت :

ببینید بچه‌ها؛ اگر نمازگزار قبل از نماز بفهمد که لباس یا بدنش نجس شده است و با همان وضعیت نماز بخواند نمازش باطل است. از این گذشته اگر هم بفهمد لباس و بدنش نجس شده است، ولی بعداً فراموش کند که آن را پاک کند و در همان حال نماز بخواند، باز هم نمازش باطل خواهد بود. اما اگر نمازگزار قبل از نماز نداند که لباس یا بدنش نجس شده است و بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است و فقط برای نمازهای بعدی باید آنها را پاک کند.

ــ ببخشید حاج آقا، یعنی نماز علی باطل نیست؟

ــ نه. چون اولاً خودش در حال نماز از نجس بودن لباسش خبر نداشته و از این گذشته خونی که

---

۱. تسبیحات حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها یعنی گفتن الله اکبر (۳۴ مرتبه)، الحمدلله (۳۳ مرتبه) و سبحان الله (۳۳ مرتبه).

روی لباس علی آقا ریخته، از یک سکهٔ کوچک[1] کمتر است.

سعید گفت: پس من چند روز پیش که برادر کوچکم را بغل کرده بودم و لباسم کمی نجس شد، لازم نبود آن را برای نماز می‌شستم؟

ــ این مقدار بدون اشکال فقط دربارهٔ خون است؛ یعنی اگر لباس، یا بدن شما با نجاسات دیگر برخورد کند، حتی اگر یک قطره هم باشد، حتماً باید قبل از نماز آن را پاک کنید.

***

علاوه بر شرایطی که در داستان فوق دیدیم، مکان و لباس نمازگزار شرایط دیگری هم دارد که لازم است هنگام نماز آنها را رعایت کنیم:

اوّل: علاوه بر لباس و بدن نمازگزار، مکان نمازگزار (یعنی چیزی که فرد بر آن سجده می‌کند) هم باید پاک باشد و سجده کردن بر اشیای نجس، نماز را باطل می‌کند.

دوم: اگر نمازگزار در مکان غصبی[2] نماز بخواند، نمازش باطل است و باید در مکان دیگری، دوباره آن نماز را به‌جا آورد.

سوم: لباس نمازگزار نباید غصبی باشد و حتی اگر دکمه‌ها و یا تنها بخشی از لباس نمازگزار نیز غصبی باشد، نماز با آن لباس‌ها باطل خواهد بود.

چهارم: اگر کسی با پولی که از راه حرام به دست آورده لباسی بخرد، نمی‌تواند با آن لباس نماز بخواند.

پنجم: استفاده از زیورآلات طلا ــ مانند انگشتر یا گردنبند ــ برای مردان حرام است و استفاده کردن از این وسایل در هنگام نماز، باعث باطل شدن نماز مردان می‌شود.

ششم: نماز خواندن با لباسی که از پوست، مو، یا اجزای دیگر حیوانات حرام گوشت تهیه شده باشد، صحیح نیست و حتی اگر بخش‌های کوچکی از اجزای این حیوانات همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل خواهد بود.

---

۱. این اندازه تقریباً به اندازهٔ یک بند انگشت سبابهٔ انسان است.

۲. مکان غصبی به مکانی گفته می‌شود که صاحبش راضی به حضور دیگران در آن مکان نباشد.

فعّالیت کلاسی

با توجه به آنچه خواندیم، کدام یک از نمازهایی که در جدول زیر آمده صحیح و کدام یک باطل است؟

شرایطی که در آن نماز خوانده می‌شود	صحیح	باطل
۱ــ بدنش نجس شده است ولی خودش نمی‌داند و نمازش را همین طور می‌خواند.		
۲ــ بعد از ادرار کردن فراموش کرده که محل نجس بدن را با آب شست‌وشو دهد.		
۳ــ کمربندش از چرم گاو است.		
۴ــ پس از تماس با گربه، مقداری از موهای گربه روی لباسش باقی مانده است.		
۵ــ با پولی که رشوه گرفته است، لباسی خریده و با آن نماز می‌خواند.		

بیشتر بدانیم

اوّل نماز

سپهبد شهید علی صیادشیرازی می‌گوید :

در زمان جنگ ایران و عراق، روزی به همراه رئیس جمهور، رئیس مجلس، وزیر دفاع و فرماندهٔ کل سپاه پاسداران برای بررسی اوضاع جبهه‌ها در منزل امام خمینی(ره) بودیم. ایشان نشسته بودند و ما هم دور ایشان به صورت نیم دایره نشسته بودیم. همین‌طور گرم گفت‌وگو بودیم که در میان صحبت‌ها ناگهان امام از جایشان بلند شدند و به طرف اتاق کناری رفتند.

یکی از حاضران که نگران حال امام بود بلافاصله پرسید : آقا کسالتی پیش آمده است؟

امام فرمود : «خیر، وقت نماز است.»

این جمله را با چنان لحنی گفتند که من به ذهنم رسید تا به حال این طور به فکر نماز نبوده‌ام! بعد به ساعتم نگاه کردم، دیدم هنوز چند دقیقه‌ای به اذان ظهر باقی مانده است.[۱]

۱. برگرفته از کتاب برداشت‌هایی از سیرهٔ امام خمینی (ره)، ج۳، ص۶۲.

خودت را امتحان کن

۱ـ دلایل اهمیت نماز خواندن در مسجد را بیان کنید.

۲ـ اگر کسی بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده است، آیا واجب است نمازش را دوباره بخواند؟ توضیح دهید.

۳ـ کسی که کف پاهایش خیس است، آیا می‌تواند بر روی فرش نجس نماز بخواند؟

۴ـ گزینه‌های درست و نادرست را مشخص کنید.

- استفاده از گردنبند و انگشتر طلا برای مردان حرام است.

صحیح ☐ غلط ☐

- استفاده از گردنبند و انگشتر طلا نماز مردان را باطل می‌کند.

صحیح ☐ غلط ☐

- اگر نجاست ادرار کمتر از یک سکه کوچک باشد می‌توان با آن نماز خواند.

صحیح ☐ غلط ☐

پیشنهاد

مواردی وجود دارد که حتی اگر نمازگزار در حال نماز هم بفهمد لباس، یا بدنش نجس شده است، نمازش درست است و باید آن را ادامه دهد؛ مثلاً کسی که برای پوشاندن بدنش تنها یک لباس دارد و آن هم نجس شده است، می‌تواند با همان لباس نمازش را بخواند.

با افراد آگاه مشورت کنید و به کمک آنها سه مورد دیگر از این موارد را بیابید و آنها را در کلاس بازگو کنید.

الهی

خدایا،

لذت گفت‌وگو با خودت را به من بچشان؛

و مرا به جویبار دوستی و محبتت وارد کن.

خدایا!

کمکم کن تا در هنگام نماز،

هرچه جز تو در نگاهم خرد و کوچک شود،

آن‌گونه که غرق در یاد تو گردم.

ای دوستدار نمازگزاران،

بهترین دعاها را بر قلب و زبانم جاری کن.

خداوندا!

در شادی و غم،

در بیماری و سلامتی،

در خستگی و نشاط،

و در هر حال یاری‌ام کن تا نماز را فراموش نکنم.

اگر تو هم می‌خواهی چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

درس ۷

یک فرصت طلایی

ای مردم،

به میهمانی بزرگ خدا دعوت شده‌اید؛ این ماه که به‌سوی شما می‌آید،

ــ ماه برکت و بخشش خداست؛

ــ نفس کشیدن شما ثواب ذکر و تسبیح خداوند را دارد؛

ــ خواب شما در این ماه عبادت است؛

ــ عبادت‌هایتان در این ماه مورد قبول خداوند است؛

ــ دعاهایتان مستجاب است، پس دعا کنید و از خدا بخواهید که شما را به روزه گرفتن و تلاوت قرآن در این ماه توفیق دهد.

ای مردم،

ــ پاداش کارهای نیک در این ماه، هفتاد برابر ماه‌های دیگر است؛

ــ هر کس در این ماه، بسیار صلوات بفرستد، کارهای نیکش در قیامت سنگین خواهد بود؛

ــ هر کس در این ماه، یک آیه قرآن بخواند، پاداش کسی را دارد که تمام قرآن را تلاوت کند.

ای مردم،

ــ هر کس در این ماه، روزه‌داری را افطاری دهد، خداوند گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد؛

ــ کسی که در این ماه، اخلاقش را نیکو کند، در روز قیامت به آسانی از صراط خواهد گذشت.[۱]

فعّالیت کلاسی

براساس فرمایش پیامبر اکرم ﷺ، رفتار و گفتار روزه‌دار بهتر است چگونه باشد؟

---

۱. بخشی از سخنان پیامبر اکرم ﷺ، پیش از فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، امالی صدوق، ص ۹۳.

همهٔ ما حال و هوای ماه رمضان را تجربه کرده‌ایم و از این ماه خدا، خاطراتی زیبا در ذهن داریم. خاطرات شیرینی که باعث می‌شود پس از پایان یافتن این ماه، خیلی زود دلمان برای سحرها و افطارهایش تنگ شود و دوباره چشم به راه فرا رسیدنش در سال بعد باشیم.

جلسات قرائت قرآن، میهمانی‌ها و افطاری‌ها، بیدار شدن در وقت سحر، مراسم شب‌های قدر و مناجات‌ها و دعاهای مختلف در هنگام افطار و سحر، توفیق‌ها و برکاتی هستند که این ماه را بر ماه‌های دیگر برتری می‌بخشند. عبادتی که تمامی این توفیق‌ها را دور خود جمع می‌کند روزه است. در ماه رمضان روزه گرفتن بر مسلمانان واجب است.

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله دربارهٔ اهمیت این عبادت بزرگ می‌فرماید :

روزه سپری است در برابر مشکلات دنیا و پوششی است در برابر عذاب آخرت.[1]

روزه گرفتن آن قدر ارزشمند است که بزرگان دین ــ علاوه بر ماه مبارک رمضان ــ در سایر ماه‌ها هم، برخی روزها را روزه می‌گرفتند، و مردم را نیز به روزه گرفتن سفارش می‌کردند؛ چرا که روزه علاوه بر پاداش بی‌نظیر الهی، فواید فراوان روحی و جسمی دارد.

فواید روزه

۱ــ تقویت صبر و تقوا : به درختانی که در کنار جوی‌های آب می‌روید، نگاه کنید. آنها برای رشد و ادامهٔ زندگی هیچ مشکل و زحمتی را تحمل نمی‌کنند.

اما درختانی که در مناطق کوهستانی یا کم آب رشد می‌کنند، برای استوار ماندن با سختی‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند.

به نظر شما اگر این درختان دچار طوفانی سهمگین شوند، کدام یک زودتر از پای درمی‌آیند؟

کسی که به دستور خداوند روزه می‌گیرد، سختی گرسنگی و تشنگی را تحمل می‌کند و با اینکه آب و غذا در اختیار دارد، از آنها استفاده نمی‌کند. تکرار این کار، سبب تقویت بیشتر تقوا و صبر انسان می‌شود. در این صورت هر وقت که شیطان، انسان را برای انجام گناهی وسوسه کند، می‌تواند با تقوا و صبر در برابر انجام گناه، از آلوده شدن به گناه دوری کند و در برابر وسوسه آن مقاومت کند. اما کسی که در برابر خواسته‌های دلش تسلیم شده و هیچ وقت به او «نه» نگفته است، نمی‌تواند در برابر وسوسه‌های شیطان مقاومت کند و خیلی زود تسلیم می‌شود.

---

۱. مصباح الشریعه،ص۱۳۵

فعّالیت کلاسی

چه ارتباطی بین مثال درختان و روزه‌داری وجود دارد؟ توضیح دهید.

***

۲ــ توجه به محرومان : همهٔ ما بارها این ضرب المثل را شنیده‌ایم که :

شنیدن کِی بود مانند دیدن!

شاید بگوییم درست است، اما این ضرب المثل چه ربطی به روزه دارد؟

روزی از امام صادق علیه‌السلام سؤال شد : چرا خداوند روزه را بر مردم واجب کرده است؟

امام علیه‌السلام فرمود :

ثروتمندان هرگز درد گرسنگی را حس نمی‌کنند؛ زیرا هر چه بخواهند می‌توانند به دست آورند؛ به همین دلیل نسبت به فقیران و گرسنگان دلسوزی نمی‌کنند. خداوند بلند مرتبه روزه را بر همه واجب کرد تا [در این ماه] همه مانند هم باشند و ثروتمندان نیز مزهٔ گرسنگی را بچشند و با گرسنگان و فقیران مهربان شوند و به آنان کمک کنند.[۱]

این ویژگی ماه مبارک رمضان، موجب می‌شود مردم در این ماه به نیازمندان بیشتر توجه کنند و در حدّ توان به آنان کمک کنند.

***

۳ــ حفظ سلامتی : وقتی که مواد غذایی بیش از حدّ نیاز بدن باشد، به‌صورت چربی در بدن ذخیره می‌شود و ضمن بالا بردن چربی، قند و فشار خون، باعث بالا رفتن وزن بدن و انباشته شدن چربی در میان ماهیچه‌های بدن می‌شود. یک ماه روزه گرفتن، چربی‌های مزاحم و زائد بدن را مصرف می‌کند و از بین می‌برد و در حقیقت بدن را از آلودگی‌های یک ساله خانه‌تکانی می‌کند.

نتیجهٔ تحقیقات دانشمندان و پژوهشگران نشان می‌دهد که دلیل اصلی بسیاری از بیماری‌ها، تغذیهٔ نادرست و پرخوری است و به همین دلیل در اغلب کتاب‌های معتبر پزشکی بخشی به اصول تغذیه و منافع پرهیز از پرخوری اختصاص یافته است.

اکنون معنای این حدیث نورانی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را بهتر می‌فهمیم که می‌فرماید :

صُومُوا تَصِحُّوا؛ روزه بگیرید تا سالم بمانید.[۲]*

---

۱. من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۷۳. ۲. مستدرک الوسائل، ج۷، ص۷۳؛ کنزالعمال، ج۸، ص۴۵۰. * روایت حفظ شود.

فعّالیت کلاسی

آیهٔ زیر را با دقت بخوانید :

یا اَیُّـهَا الَّـذینَ آمَـنوا	ای کسانی که ایمان آورده‌اید،
کُـتِـبَ عَـلَیـکُـمُ الصِّیامُ	روزه بر شما واجب شد،
کَما کُـتِـبَ عَـلَی الَّـذیـنَ مِن قَـبـلِـکُم	همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نیز واجب شده بود؛
لَـعَـلَّـکُم تَـتَّـقونَ.[1]	تا پرهیزگار شوید.

۱ـ با توجه به این آیه، مهم‌ترین فایده روزه چیست؟

۲ـ به‌نظر شما عبارت «کَما کُتِبَ عَلَی‌الَّذینَ مِن قَبلِکُم» به چه کسانی اشاره دارد؟

بیشتر بدانیم

جراحی بدون چاقو

«مطمئن‌ترین، بی‌ضررترین و بی‌خطرترین روش درمانی!

ما نوعی جراحی بدون چاقو را کشف کرده‌ایم که هیچ روش درمانی دیگری را نمی‌توان با آن مقایسه کرد! آنچه گروه تحقیقاتی ما کشف کرده روزه‌درمانی است!

ما پس از آزمایش‌های مختلف مشاهده کردیم که هیچ یک از روش‌های پزشکی موجود نمی‌تواند مانند این روش در ترمیم و جوان کردن یاخته‌های بدن اثرگذار باشد. روشی که نتیجه‌اش در پیشگیری و درمان بیماری‌ها، غیرقابل تصور است. این روش به بدن اجازه می‌دهد پس از یک‌سال کار بی‌وقفه، کمی استراحت کند و بعد از رها شدن از شرّ مواد زائد انباشته شده در آن، دوباره خودش را تنظیم کند. روزه گرفتن تنها گرسنگی کشیدن نیست؛ بلکه راهی است برای نظافت، ترمیم و بازسازی بدن. این نیروی شگفت‌انگیز هدیه‌ای است که خدا در وجود هر انسانی آفریده است...».[2]

مُبطِلات روزه

روزه همانند سایر عبادات، احکامی دارد و برای انجام صحیح و کامل آن، باید آنها را رعایت کنیم تا از فواید و برکات آن محروم نشویم.

روزه گرفتن فقط نخوردن و نیاشامیدن نیست؛ بلکه روزه یعنی اینکه انسان تصمیم بگیرد برای

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۳ ۲. روزه می‌تواند زندگی‌ات را نجات دهد، هربرت شلتون، ص ۱۹.

انجام دستور خداوند از اذان صبح تا اذان مغرب از چند کار معیّن، که به آنها مبطلات روزه گفته می‌شود، خودداری کند. به این تصمیم که خودش یکی از واجبات روزه است، نیّت گفته می‌شود. در اینجا با چهار مورد از مبطلات[1] روزه آشنا می‌شویم :

۱ و ۲ــ خوردن و آشامیدن : اگر شخص روزه‌دار با آگاهی و از روی عمد آب، غذا، دارو یا هر چیز دیگری را بخورد، حتی اگر خیلی هم کم باشد، روزه‌اش باطل می‌شود. حتی فرو بردن عمدی غذایی که در میان دندان‌ها باقی مانده است نیز باعث باطل شدن روزه می‌شود. به این دلیل به ما سفارش شده است در ماه رمضان بعد از خوردن سحری، مسواک بزنیم تا چیزی از غذا در دهانمان باقی نماند.

۳ــ فرو بردن سر به زیر آب : روزه‌دار نباید سرش را به طور کامل به زیر آب فرو ببرد و اگر این کار را برای یک لحظه هم انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود. البته ایستادن زیر دوش آب یا ریختن آب بر روی سر برای روزه‌دار اشکالی ندارد.

۴ــ فرو بردن غبار یا دود غلیظ به حلق : روزه‌دار نباید گرد و غبار یا دود غلیظ به حلق خود برساند. بنابراین، اگر جایی گرد و خاک خیلی زیادی در هوا پراکنده شده باشد یا اینکه دود شدیدی در هوا پیچیده باشد، روزه‌دار باید آنجا را ترک کند یا با استفاده از یک پارچه یا ماسک از رسیدن آن به حلقش خودداری کند.

تمام مواردی که گفته شد در صورتی باعث باطل شدن روزه می‌شود که شخص روزه‌دار عمداً و با توجه به اینکه روزه است آنها را انجام دهد[2]؛ ولی اگر روزه‌دار فراموش کند که روزه است و یکی از مبطلات روزه را انجام دهد، روزه‌اش صحیح خواهد بود.

خودت را امتحان کن

۱ـ توضیح دهید چگونه روزه گرفتن باعث توجه بیشتر روزه‌دار به فقرا و مستمندان می‌شود.

۲ـ چهار مورد از مبطلات روزه را نام ببرید.

۳ـ اگر کسی در ماه مبارک رمضان فراموش کند که روزه است و مبطلات روزه را انجام دهد، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

۴ـ آیا شنا کردن در آب روزه را باطل می‌کند؟ توضیح دهید.

---

۱. مبطلات روزه نُه چیز است که در سال‌های آینده با سایر موارد آن آشنا خواهیم شد.

۲. کسی که روزه ماه رمضان بر او واجب است، اگر بدون *عذر شرعی روزه* نگیرد، گناه بزرگی انجام داده و باید علاوه بر قضای روزه، کفاره نیز بدهد. یعنی برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد. (برای آگاهی بیشتر در این خصوص به رسالهٔ مرجع تقلید خود مراجعه نمایید.)

الهی

خداوندا،

ای صاحب ماه رمضان و ای دوستدار روزه داران؛

شکیبایی‌ام بخش تا روزه بگیرم؛

و یاری‌ام کن تا میهمان قرآن شوم.

الهی،

تو خود مرا به مهمانی‌ات فراخواندی،

پس سحرهایم را پر دعا و افطارهایم را باصفا کن.

و روزه چشم و زبان و گوش را نصیبم کن،

تا بد نبینم، بد نگویم و بد نشنوم.

پروردگارا،

ای بخشنده ترین و ای پاک ترین،

در شب‌های زیبای قدر،

مرا ببخش و بهترین سرانجام را برای همه مقرّر کن.

تو هم اگر دوست داری چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

فصل پنجم

اخلاق

سال گذشته در فصل اخلاق دربارهٔ علم‌آموزی (درس بر بال فرشتگان)، انتخاب دوست خوب (درس کمال همنشین)، شناخت صفات اخلاقی ناپسند و راه ترک آنها (درس مزدوران شیطان) و حفظ حجاب (درس نشان عزت) مطالبی را آموختیم. امسال نیز در این فصل می‌آموزیم :

درس هشتم (نشان ارزشمندی) : حجاب یکی از احکام ضروری اسلام است که خداوند آن را برای دستیابی به سعادت بر زن و مرد واجب کرده است. در این درس با اهمیت حفظ نگاه، جایگاه حفظ حیا و حفظ پوشش مناسب آشنا می‌شویم.

درس نهم (تدبیر زندگانی) : خداوند مهربان در این دنیا نعمت‌های فراوانی به ما داده است تا با استفاده از آنها بتوانیم به بهشت زیبای او دست یابیم. در این درس می‌آموزیم، چگونه از این نعمت‌ها آن‌طور که خداوند می‌پسندد استفاده کنیم و از اسراف و تقلید کورکورانه از دیگران در شیوه‌های زندگی پرهیز کنیم.

درس دهم (دو سرمایهٔ گرانبها) : ما در این دنیا دو سرمایهٔ بسیار ارزشمند داریم که اگر ارزش آنها را ندانیم و نیاموزیم که چگونه از آنها استفاده مناسب بکنیم، خسارت بزرگی کرده‌ایم. در این درس، با دو نعمت بسیار گرانبهایی که خداوند حکیم به ما داده است (نعمت عمر و نعمت تفکر) آشنا می‌شویم و می‌آموزیم که با بهره‌برداری صحیح از آنها می‌توانیم به رستگاری جاودانه دست یابیم.

درس یازدهم (آفت‌های زبان) : زبان و قدرت سخن گفتن، از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است. انسان می‌تواند با سخن گفتن صحیح و دوری از گناهان زبانی رضایت خداوند را به دست آورد؛ ولی برخی از انسان‌ها با همین نعمت ارزشمند، خشم و غضب الهی را برای خود به‌دست می‌آورند. در این درس، با برخی از گناهان زبانی (دروغ، غیبت و ناسزاگویی) و راه‌های ترک‌آنها آشنا می‌شویم.

درس دوازدهم (ارزش کار) : انسان می‌تواند با کار کردن از دیگران بی‌نیاز شود و دیگر از کسی درخواست کمک نکند. با انتخاب کار حلال و تلاش در خوب کارکردن، روزی حلال نصیب انسان می‌شود که تأثیر بسیار زیادی در رشد و پیشرفت مادی و معنوی دارد. در این درس می‌آموزیم که کار چه جایگاه ارزشمندی نزد خداوند دارد و با چیزهایی آشنا می‌شویم که موجب می‌شود درآمد انسان، حرام شود.

درس سیزدهم (کلید گنج‌ها) : در این جهان، قدرت کامل در دست خداوند است و اگر کسی می‌خواهد به چیزی دست یابد، در کنار تلاش و کوشش مناسب، باید از خداوند موفقیت خود را نیز بخواهد. در این درس می‌آموزیم که چگونه دعا کنیم و آداب دعا کردن و جایگاه آن در دین چیست.

درس ۸

نشان ارزشمندی

شیشه ماشین پایین بود و هوای پاک و خنک کوهستان صورتش را نوازش می‌کرد. همین‌طور که بیرون را نگاه می‌کرد چشمش به یک تابلوی راهنمایی افتاد. از پدر پرسید : معنای این تابلو چیست؟ پدرش در حالی که سرعت ماشین را کم می‌کرد پاسخ داد : این تابلو یعنی پیچ خطرناکی در مسیر است.

هنوز مسافت چندانی نرفته بودند که دوباره پرسید : این چطور؟ پدر گفت : این تابلوی سبقت ممنوع است؛ یعنی باید با صبوری در مسیر خودمان حرکت کنیم.

کمی بعد پدر با اشاره به تابلویی، پیش از آنکه دخترش از او سؤال کند گفت : این تابلو به ما هشدار می‌دهد که جاده لغزنده است، پس باید با سرعتی که بتوان ماشین را مهار کرد، حرکت کنیم.

ریحانه با خودش تکرار می‌کرد : پیچ خطرناک! سبقت ممنوع! جاده لغزنده است! احتیاط کنید! سبقت آزاد! ...

به‌نظر شما رانندگی کردن با این همه تابلو دشوار نیست؟ چرا این تابلوها در مسیر رانندگان قرار داده شده است؟

***

قوانین راه سعادت

خداوند دانا با شناختی که از مخلوقات خود و نیازهای آنها دارد، تابلوهایی شبیه به تابلوهای رانندگی را در مسیر ما قرار داده است. راهنمایی‌های این تابلوها دو گونه است برخی از آنها ما را به انجام برخی کارهای لازم و ضروری راهنمایی می‌کنند و برخی دیگر از انجام کارهای خطرناک و زیان‌آور بازمی‌دارد. در تمام این موارد، معیار و دلیل این احکام فقط رستگاری انسان است؛ بنابراین، می‌توان گفت احکام اسلامی در حقیقت قوانینی هستند که برای حفظ سلامتی و آرامش روحی و جسمی انسان وضع شده‌اند و توجه به آنها می‌تواند انسان را از انحراف و سقوط به دره‌های هولناک محافظت کند.

احکام مربوط به مَحرم و نامحرم نمونه‌ای از این قوانین اجتماعی اسلام است.

ما در سال‌های پیش با موضوع محرم و نامحرم آشنا شدیم و دانستیم که گروهی از مردم نسبت به ما محرم و گروه دیگری به ما نامحرم‌اند.

فعّالیت کلاسی

ضمن مشورت با دوستانتان جدول زیر را در کلاس کامل کنید.

محرم‌ها		نامحرم‌ها	
۱-	۶-	۱-	۶-
۲-	۷-	۲-	۷-
۳-	۸-	۳-	۸-
۴-	۹-	۴-	۹-
۵-	۱۰-	۵-	۱۰-

در این درس با برخی دیگر از قوانین اجتماعی اسلام آشنا می‌شویم :

۱ــ حفظ نگاه : وظیفهٔ هر مرد و زن مسلمان در برابر افراد نامحرم، چشم‌پوشی از نگاه به آنهاست.

امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ بی‌توجهی به این قانون الهی می‌فرماید :

نگاه کردن [به نامحرم] تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است که تخم گناه را در دل انسان می‌کارد و همین برای به گمراهی کشیدن صاحبش کافی است. چه بسیار نگاه‌های کوتاهی که حسرتی طولانی در پی دارند.[۱]*

نگاه حرام[۲] علاوه بر آنکه خودش گناهی بزرگ است، مقدمه و زمینه‌ساز گناهان بزرگ دیگر نیز به شمار می‌رود. برخی جرم‌ها و جنایت‌های بزرگ، در ابتدا تنها با یک نگاه حرام آغاز شده‌اند.

میان نگاه و گناه فاصله اندکی است. گاهی زهر مسمومیت این نگاه‌ها تا آخر عمر در وجود انسان می‌ماند و هیچ پادزهری آن را درمان نمی‌کند. کسی که از «خط قرمزهای» نگاه عبور می‌کند، به منطقهٔ «ورود ممنوع» وارد می‌شود و گرفتار می‌گردد؛ گرفتار غم، گرفتار حسرت و اندوه، گرفتار ناآرامی و اضطراب.

ولی اگر انسان نگاه خود را کنترل کند، پاداش عظیم الهی هم در این دنیا و هم در جهان آخرت در انتظار اوست.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این زمینه می‌فرماید :

هرکس چشم خود را از نگاه به نامحرم فرو بندد، خداوند شیرینی ارتباط با خودش را در دل او ایجاد می‌کند.[۳]

پس بهتر است آرامش خود را فدای لذت‌های لحظه‌ای و آنی نکنیم تا شیرینی محبت و آرامش الهی را در درون خود احساس کنیم.

***

۲ــ حفظ گفتار : دومین وظیفهٔ هر مسلمان در برابر نامحرمان، سخن گفتن با رعایت آداب و حدود شرعی است. یعنی به گونه‌ای سخن بگوییم که سبب تحریک آنان نشود.

---

۱. کافی، ج ۵ ص ۵۵۹ و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸. * روایت حفظ شود.
۲. علاوه بر نگاه به نامحرم، نگاه کردن به تصاویر و یا فیلم‌های گناه‌آلود نیز از نمونه‌های نگاه حرام است.
۳. کنزالعمال، روایت شماره ۱۳۰۵۹.

قرآن کریم خطاب به بانوان می‌فرماید :

فَلا تَخضَعنَ بِالقَولِ	پس با ناز سخن مگویید،
فَیَطمَعَ الَّذی فی قَلبِهِ مَرَضٌ	که شخص بیماردل [که به مرض هوسرانی گرفتار است] به طمع بیفتد؛
وَ قُلنَ قَولاً مَعروفًا[1]	بلکه به شیوه‌ای پسندیده سخن بگویید.

انجام هر عملی که سبب تحریک نامحرمان شود، حرام است؛ سخن گفتن با لحن‌های نامناسب و استفاده از کلمات و سخنان سبک و مبتذل در برابر نامحرمان نمونه‌های این عمل حرام است.

***

۳ــ داشتن پوشش مناسب : خداوند بزرگ به هیچ مرد و زنی اجازه نمی‌دهد با بی‌توجهی به اصلِ پوشش و به نمایش گذاشتن بدن خود، دیگران را به گناه بیندازد و فضای اخلاقی جامعه را آلوده سازد.

اما نکتهٔ قابل توجه این است که هرچند پوشاندن بدن، وظیفهٔ همهٔ افراد جامعه است، اما مقدار آن در مردان و زنان متفاوت است که دلیل این تفاوت مربوط به نوع آفرینش آنهاست.

هرقدر ظرافت و جذّابیت چیزی بیشتر باشد، محافظت و نگهداری آن نیز دقیق‌تر و حساس‌تر است. به همین دلیل است که انسان‌های عاقل جواهرات و اشیای ارزشمند خود را در دسترس دیگران و در برابر چشم دزدان قرار نمی‌دهند؛ بلکه آنها را در مکان‌هایی حفاظت شده و دور از چشم غارتگران نگهداری می‌کنند.

حجاب و پوشش مناسب زن سبب می‌شود زیبایی‌های او در برابر چشم افراد هوسران پدیدار نشود و آنان را به طمع نیندازد. به این ترتیب، زنان می‌توانند با آرامش خاطر به امور فردی و اجتماعی خود بپردازند و محیط نیز برای فعّالیت مثبت و سازندهٔ مردان جامعه، سالم می‌ماند.

***

آثار پوشش نامناسب

نادیده گرفتن احکام حجاب خطرات و مشکلاتی را برای شخص بدحجاب، خانواده او و همچنین تمام جامعه به وجود می‌آورد. ناامنی و مورد آزار قرار گرفتن توسط مردان هوس باز یکی از این خطرات است که به آن اشاره شد.

نتیجهٔ دیگر این مسئله کم‌ارزش شدن زن در جامعه است. پوشش نامناسب باعث می‌شود تا

---

۱. سورهٔ احزاب، آیهٔ ۳۲.

افراد هوسران به زن، تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای لذت‌جویی و هوسرانی خود نگاه کنند و شخصیت و جایگاه حقیقی او را به فراموشی سپرند. یک بانوی با حجاب، با پوشش و رفتار متین خود به دیگران می‌فهماند که حاضر نیست برای خوشایند نگاه‌های هوس‌انگیز دیگران خودش را عرضه کند. او ارزش خود را می‌داند و به خودش احترام می‌گذارد.

از دیگر نتایج بی‌توجهی به حجاب که می‌توان آن را مهم‌ترین پیامد آن دانست، دور شدن انسان از خداست. خدایی که وقتی تنهای تنها می‌شویم، وقتی که حتی دوستان نزدیکمان، آنها که نیازمند یاریشان هستیم، رهایمان می‌کنند، و آن هنگام که هیچ تکیه‌گاهی برایمان باقی نمی‌ماند، تنها کسی است که در کنارمان باقی است. خدایی که با عظمت بی‌منتهایش به ما اظهار دوستی و محبت کرده است، در حالی که نیازی به ما ندارد و سفرهٔ نعمت‌هایش را در برابر ما گسترانده است با اینکه از ما جز ناشکری و ناسپاسی ندیده است.

حال آیا شایسته است به جای چنین خدایی، چشم‌ها و دل‌های ناپاک را جایگزین کنیم؟ آیا شایسته است نگاه مهربان او را برای جلب نگاه دیگران از دست بدهیم؟ آیا سزاوار است بهشت او را با رفتارها، حرف‌ها، رابطه‌ها، نگاه‌ها و لبخندهایی که پاکدامنی و نجابتمان را نابود می‌کند، عوض کنیم؟

زندگی ما جادّه‌ای است که در آن به سوی خدا قدم برمی‌داریم و هر روز که از عمرمان می‌گذرد، به دیدار و ملاقات با او نزدیک‌تر می‌شویم، پس باید خیلی مراقب باشیم؛ مراقب اینکه در مسیر حرکتمان به پرتگاه‌ها و دره‌ها سقوط نکنیم، مراقب اینکه پاکی و صفای درونمان را در میانهٔ راه از دست ندهیم.

بی‌توجهی به حجاب یکی از پرتگاه‌های عمیق این مسیر است. پرتگاهی که ما را از مسیر آرامش‌بخش خداوند دور می‌کند و به بهای از دست دادن عمر و ایمان و معنویت، خوشحالی زودگذر و لحظه‌ای را نصیبمان می‌سازد.

فعّالیت کلاسی

با کمک هم‌گروهی‌های خود بررسی کنید که پوشش مناسب و نامناسب چه تأثیری بر روی خود فرد و نیز اجتماع دارد.

آثار پوشش مناسب	آثار پوشش نامناسب

بیشتر بدانیم

راه گریز

آمارهای رو به رشد طلاق، احساس عدم امنیت، افسردگی و رواج خشونت‌ها نسبت به زنان سبب شده است که متفکران و سیاستمداران به‌دنبال راهکارهای جدی برای مقابله با این مشکلات باشند. یکی از راهکارهای تأثیرگذاری که تاکنون انجام گرفته، جلوگیری از اختلاط بیجا میان مردان و زنان است.

در همین راستا شرکت قطارهای مسافری شهری ژاپن در سال ۱۳۸۸ اعلام کرد که برای رفاه بیشتر زنان در متروها، واگن‌های اختصاصی را برای بانوان راه‌اندازی کرده است.

همچنین وزارت آموزش امریکا درسال ۱۳۸۵، پس از ۳۱ سال بالاخره مجوّز جداسازی مدارس دختران و پسران را از یکدیگر صادر کرد. شبکه تلویزیونی اسکای نیوز که این خبر را از زبان وزیر آموزش امریکا اعلام می‌کرد ادامه داد : تحقیقات در مدارس امریکا نشان می‌دهد که بازدهی آموزشی در کلاس‌ها و محیط‌های آموزشی جدا از هم، بالاتر از محیط‌های آموزشی مختلط بوده است. او همچنین این تصمیم را مهم‌ترین تغییر در نظام آموزشی امریکا ظرف این ۳۱ سال برشمرد.

اقدام مهم دیگری که در سال‌های اخیر به‌ویژه در کشورهای غربی در حال رواج است، تصمیم زنان برای استفاده از پوشش مناسب‌تر و کامل‌تر است.

خانم وندی شلیت[1] در کتاب «بازگشت به عفاف» می‌نویسد :

تحقیقات نشان می‌دهد هر روز که می‌گذرد، بر گرایش دختران امریکایی به پوشش کامل‌تر افزوده می‌شود. بر اساس یافته‌های محققان، نسل جدید دختران جوان در نیویورک برخلاف نسل‌های قبلی علاقه چندانی به خودنمایی و پوشیدن لباس‌های بدن‌نما ندارند. این تحلیل‌گران معتقدند که دلیل روی آوردن دختران به پوشش بیشتر، آسودگی از آزار دیگران و میل به کنترل خودشان است. به‌طور کلی باید گفت که گرایش به مذهب و رویارویی با فرهنگ رایجِ بی‌بند و باری، علامت این است که نسل جوان قصد دارد بر خودش نظارت بهتری داشته باشد.[2]

---

۱. نویسنده امریکایی

۲. «بازگشت به عفاف»، A Return To Modesty، Wendy Shalit، ترجمه ماندانا آجودان، هفته نامه زن روز، ش ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۴ .

خودت را امتحان کن!

۱ـ چه شباهتی میان تابلوهای راهنمایی و رانندگی و قوانین دین وجود دارد؟
۲ـ مهم‌ترین وظایف هر مرد و زن در برابر نامحرمان چیست؟
۳ـ دو مورد از آثار و پیامدهای بی‌توجهی به حجاب را بیان کنید.

پیشنهاد

به نظر شما چه چیزهایی سبب می‌شود که بعضی از بانوان در جامعه به مسئله حجاب بی‌توجه باشند؟ شما می‌توانید دربارهٔ این موضوع با افراد آگاه گفت‌وگو کرده و پاسخ را برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

الهی

خدایا پوشش و حجاب من را نشانی از بندگی من بدان

سندی در تأیید پیروی از حضرت زهرا علیها السلام

خدایا کمکم کن تا حرف‌های دیگران، دلسردم نکند

و با افتخار در راه تو قدم گذارم، راهی که پایان آن بهشت است.

خدایا من چشم‌هایم را بر روی هر آنچه دیدنش را حرام کردی، می‌بندم

و از تو می‌خواهم طعم شیرین عبادتت را بر دلم بنشانی

خدایا من چشمانم را برای تو می‌خواهم

پس کمکم کن تا آنچه را که نمی‌پسندی، نبینم

تو هم اگر می‌خواهی چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

درس ۹

تدبیر زندگانی

در طول تاریخ، کسانی بوده‌اند که کمال و ارزش خود را در بی‌توجهی به دنیا و استفاده نکردن از امکانات دانسته‌اند و گمان می‌کردند خداوند نیز از کار آنها راضی است. آنان بر این تصور بودند افرادی که برای زندگی بهتر و استفاده از امکانات خدادادی تلاش می‌کنند، افرادی دنیا طلب و گمراه‌اند.

در برابر این گروه، عدهٔ دیگری هستند که وقتی از راه حلال مالی را به دست می‌آورند، حقّ خود می‌دانند هر اندازه و هر طور که دلشان خواست از اموالشان استفاده کنند؛ آنان از کار خود این‌گونه دفاع می‌کنند که «پول برای خرج کردن است» و «خدا آفریده است که استفاده کنیم» و «دارندگی و برازندگی».

به‌نظر شما دیدگاه کدام گروه صحیح است؟ آیا راه دیگری به غیر از دو راه فوق وجود دارد؟

***

راه کدام است؟

خداوند مهربان ما را آفریده است تا با زندگی در دنیا و انجام کارهای نیک، به سعادت و خوشبختی برسیم. اگر رسیدن به رستگاری دنیا و آخرت بدون استفاده از نعمت‌های الهی امکان‌پذیر بود، پس نیازی هم به آفرینش آنها نبود. از این‌رو، قرآن کریم با توبیخ کسانی که بی‌دلیل خود را از نعمت‌های الهی محروم کرده‌اند، می‌فرماید :

قُل مَن حَـرَّمَ زیـنَةَ اللّٰهِ	بگو : چه کسی زینت‌های الهی را
الَّـتی اَخـرَجَ لِـعِـبادِهِ	که برای بندگان خود آفریده،
وَ الطَّـیِّـباتِ مِـنَ الرِّزقِ[1]	و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟

به این ترتیب، روشن می‌شود دیدگاه گروه نخست، مورد تأیید دین الهی نیست.

فعّالیت کلاسی

آیهٔ زیر را تلاوت کنید و در معنای آن بیندیشید:

وَ کُـلوا وَ اشـرَبوا	بخورید و بیاشامید،
وَ لا تُسـرِفوا	ولی اسراف نکنید،
اِنَّـهُ لا یُـحِـبُّ الـمُسـرِفیـنَ[2]	زیرا خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد.

حال به نظر شما با توجه به این آیه، دیدگاه و رفتار گروه دوم تا چه حد مورد تأیید خداوند است؟

اسراف

کسی که :

ــ لامپ اتاق را روشن رها می‌کند و از اتاق خارج می‌شود؛

ــ بیش از نیاز بدنش غذا می‌خورد؛

ــ وسایل قابل استفادهٔ خانه را به بهانهٔ اینکه دیگر کهنه شده‌اند دور می‌ریزد؛

ــ با لوازم‌التحریر ساده می‌تواند نیازهای نوشتاری‌اش را برطرف کند، ولی از لوازم گران‌قیمت استفاده می‌کند؛

۱. سورهٔ اعراف، آیهٔ ۳۲ ۲. سورهٔ اعراف، آیهٔ ۳۱

ــ برای چشم و هم‌چشمی با دیگران وسایلی را می‌خرد که واقعاً نیازی به آنها ندارد.

همهٔ این افراد گرفتار اسراف هستند. اسراف به معنای زیاده‌روی در مصرف است که از گناهان بزرگ است و عذاب الهی را در پی دارد.

در هریک از موارد زیر رفتارهای صحیح و غیرصحیح را بیان کنید.

	رفتارهای صحیح	رفتارهای اسراف‌آمیز
برگزاری جشن ازدواج	۱ــ خانهٔ مناسبی در فامیل وجود دارد، مراسم در آنجا برگزار می‌شود. ۲ــ ۳ــ	۱ــ .... ۲ــ با اینکه خودروی سالم و مناسبی در اختیار دارند، خودروی گرانقیمتی را برای جشن کرایه می‌کنند. ۳ــ ....
خرید کیف و لوازم التحریر و وسایل مدرسه	۱ــ .... ۲ــ .... ۳ــ کیف مدرسه سال گذشته سالم و قابل استفاده است امسال کیف جدید نمی‌خرند.	۱ــ .... ۲ــ لوازم‌التحریر سال گذشته را با وجود قابل استفاده بودن دور می‌ریزند. ۳ــ ....
خرید وسایل منزل	۱ــ بیش از حدّ نیاز وسیله‌ای نمی‌خرند. ۲ــ ۳ــ	۱ــ .... ۲ــ فقط به دنبال خرید وسیله‌ای هستند که در خانه بستگان دیده‌اند. ۳ــ ....

مصرف‌گرایی

یکی از نمونه‌های اسراف، مصرف‌گرایی است. مصرف‌گرایی یعنی میل دائمی به خرید بیشتر و بیشتر کالاها و اجناس! شاید شما هم با افرادی برخورد کرده باشید که وقتی از آنها می‌پرسیم «چرا این کالا را خریده‌اید؟» در جواب چنین پاسخ‌هایی را می‌دهند :

ــ چون حراج کرده بودند و ارزان بود خریدم، هر چند لازم نداشتم!

ــ اینها الآن «مُد» شده است!

ــ دوستان گفتند خیلی به من می‌آید!

ــ می‌گویند چند وقت دیگر گران می‌شود.

ــ اگر مقداری هم اضافه در خانه داشته باشیم به جایی بر نمی‌خورد!

ــ همهٔ فامیل یکی از اینها خریده‌اند! و... .

این‌گونه پاسخ‌ها نشان می‌دهد که خریدار در هنگام خرید، واقعاً به آن کالا نیازی نداشته و تحت تأثیر دیگران تصمیم به خرید آن گرفته است.

حالا واقعاً چه اشکالی دارد چیزی را بیش از نیازمان خریداری کنیم؟

اگر خانواده‌ای دو برابر مقدار همیشگی مواد خوراکی خرید کند، یا باید تمام آن را تا خراب نشده مصرف کند ــ که نتیجه‌اش پرخوری، افزایش وزن و بیماری‌های مختلف است ــ یا اینکه مقدار اضافی را دور بریزد که این هم اسراف و هدر دادن نعمت‌های الهی است و فقر و محرومیت را به دنبال دارد.

از نظر اجتماعی نیز خرید بیش از نیاز کالا، موجب کمیاب شدن آن می‌شود. کمیاب شدن کالا، قیمت آن را افزایش می‌دهد. به این ترتیب با رشد مصرف‌گرایی، کالاها هر روز گران‌تر می‌شود و توانایی خرید مردم کاهش می‌یابد.

علاوه بر این، مصرف‌گرایی موجب وابستگی به کشورهای بیگانه نیز می‌شود؛ چرا که چاره‌ای جز واردات دائمی کالاها از کشورهای دیگر باقی نخواهد ماند و اگر ملتی به دیگران وابسته شود چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های آنها نخواهد داشت.

راه درمان مصرف‌گرایی

با توجه به نتایج ناپسند مصرف‌زدگی و اسراف، عاقلانه‌ترین راه این است که :

۱ــ در انتخاب اجناس به تجربهٔ خود و اطرافیان بیشتر از آگهی‌های تبلیغاتی اعتماد داشته باشیم.

۲ــ به شایعاتی که دربارهٔ گران شدن یک کالا در آینده می‌شنویم توجه نکنیم.

۳ــ بدانیم که خرید اجناس گران‌قیمت هرگز بر ارزش و شخصیت انسان نمی‌افزاید.

۴ــ توجه داشته باشیم «مُد»هایی که با زرق و برق فراوان خودشان را به جامعه تحمیل می‌کنند، خیلی زود از بین می‌روند و جایشان را به مُدهای دیگر می‌دهند. پس زندگی خود را براساس این الگوهای متزلزل بنا نکنیم.

شما نیز با کمک هم‌گروهی‌های خود، برخی از راهکارهای مقابله با مصرف‌گرایی را بیان کنید.

مُدگرایی

شرکت‌های بزرگ، برای اینکه هر روز فروش خود را بیشتر و بیشتر کنند، با استفاده از انواع تبلیغات روانی[1] چنین وانمود می‌کنند که کالای آنها ویژه است و اگر شما آن را نداشته باشید از جامعه عقب مانده‌اید! این تبلیغات سبب می‌شود بسیاری احساس کنند واقعاً در زندگی خود آن کالا را کم دارند و چاره‌ای جز خرید آن نیست. اما هنوز مدت زیادی از خرید نگذشته است که کالای دیگری جای آن را می‌گیرد و تبلیغات بر خرید کالای جدید متمرکز می‌شود. به این ترتیب، مردم در رقابتی که هیچ‌گاه پایان نمی‌پذیرد باید به دنبال کالای جدید و جدیدتر باشند و حتی برای تهیهٔ پول آن، به دنبال قرض و وام می‌روند.

اصلی‌ترین شِگرد این شرکت‌های بزرگ برای جذب مخاطبان، مُد سازی است. مُدها الگوهایی هستند که با روش‌های گوناگون مردم را متقاعد می‌کنند تا مانند آنها رفتار کنند.

مُدسازها معمولاً این الگوها را از میان ورزشکاران، هنرپیشگان و شخصیت‌های مشهور انتخاب می‌کنند و از آنان می‌خواهند تبلیغ کنندهٔ کالای آنها شوند. آنان به مردم چنین القا می‌کنند که اگر شما هم می‌خواهید مانند این افراد مورد توجه دیگران باشید، باید از کالایی که آنها تبلیغ می‌کنند، استفاده کنید.

نکتهٔ مهم این است که نوجوانان و جوانان به دلیل تنوع‌طلبی و نوگرایی ــ که از ویژگی‌های دوران سنّی آنهاست ــ در مواجهه با مُدها تأثیرپذیری بیشتری نسبت به سایر اقشار جامعه از خود نشان می‌دهند.

---

۱. تابلوهای بزرگ تبلیغاتی که در خیابان‌ها، بزرگراه‌ها و جاده‌های بیرون از شهر نصب شده‌اند، آگهی‌های متعدد روزنامه‌ای، پیام های پُرشمار تلویزیونی و حتی پیامک‌های تبلیغاتی که به تلفن‌های همراه ارسال می‌شود به‌راحتی این فضا را ایجاد می‌کنند.

مدگرایی علاوه بر آسیب‌های اقتصادی که بر جامعه وارد می‌کند، پایه‌های فرهنگی جامعه را نیز سست می‌کند؛ چرا که این الگوها در تعارض کامل با فرهنگ و تمدن کشورهای اسلامی قرار دارند و روشی که برای زندگی معرفی می‌کنند، برخلاف توصیه‌های ادیان الهی است.

تقلید از این الگوهای وارداتی که به فرهنگ‌های بیگانه تعلّق دارند، رفته رفته سلیقه و طرز فکر انسان مسلمان را تغییر می‌دهد و او را به دنباله‌روی کورکورانه از فرهنگ بیگانه سوق می‌دهد. این از خود بیگانگی را می‌توان در پوشش و نوع زندگی برخی افراد در جامعهٔ خودمان نیز مشاهده کرد؛ افرادی که نمی‌دانند نوشته‌ای که روی پیراهن آنها نقش بسته چه معنایی دارد یا از پیام نوع آرایشی که به آن علاقه‌مندند هیچ اطلاعی ندارند و تنها به این دلیل که «مُد است» آن را انتخاب کرده‌اند.

فعّالیت کلاسی

به کمک هم‌گروهی‌های خود نمونه‌هایی از تقلیدهای ناآگاهانه از مدهای بیگانه را که در جامعه امروز ما رواج دارد بیان کنید. به‌نظر شما این‌گونه تقلیدها چه تأثیری بر روی شخصیت و رفتار فرد می‌گذارد؟

خودت را امتحان کن!

۱ـ پنج نمونه از رفتارهای اسراف آمیز را که در جامعه رواج بیشتری دارد بنویسید.

۲ـ مصرف‌گرایی چه زیان‌های فردی و اجتماعی به دنبال دارد؟

۳ـ توضیح دهید اسراف و مصرف‌زدگی چگونه یک جامعه را به وابستگی می‌کشاند.

۴ـ روش صحیح مصرف از نظر اسلام چیست؟

پیشنهاد

داستان یا خاطره‌ای را از روش زندگی شخصیت‌های بزرگ دینی در پرهیز از اسراف بنویسید و برای دوستانتان در کلاس بخوانید.

الهی

خدایا،

توفیق ده تا میانه‌روی را در زندگی پاس دارم،

و اسراف و تبذیر را واگذارم.

خدایا،

به من کمک کن تا از هر آنچه روزی من ساخته‌ای،

به اندازه مصرف کنم.

ثروت و مال را در حدّ نیاز، نگه دارم،

و بیش از آن را در راه تو انفاق کنم.

و آن را برای روز نیازم در آخرت پیش فرستم.

خدایا،

مرا بازدار از اینکه

ناآگاهانه از سبک زندگی دیگران تقلید کنم؛

و لباسی پوشم که تو نمی پسندی؛

و چیزی را بخرم که به آن نیاز ندارم.

درس ۱۰

دو سرمایهٔ گرانبها

اعداد زیر را یک‌بار بخوانید :

۱۰۰۱

۱۰۰۲

۱۰۰۳

۱۰۰۴

۱۰۰۵

وقتی مشغول خواندن اعداد بالا بودید پنج ثانیه از عمرتان گذشت!

تا حالا به حرکت ابرها توجه کرده‌اید؟

ابرها با سرعت زیاد توسط باد جابه‌جا می‌شوند، ولی ما معمولاً متوجه سرعت حرکت آنها نمی‌شویم. چه چیزهای دیگری را می‌شناسید که گذشتن آنها مانند حرکت ابرها باشد؟

***

... سوت شروع مسابقه به صدا درمی‌آید و بازی آغاز می‌شود!

در تیم اوّل هر کدام از بازیکنان وظیفهٔ خود را می‌شناسند و آماده‌اند که با شروع بازی، دستورات مربیان خود را مو به مو در زمین اجرا کنند. برنامهٔ آنها برای پیروز شدن در مسابقه این است که از همان دقیقهٔ اوّل، با تمام قدرت بازی کنند و هیچ فرصتی را از دست ندهند.

اما در تیم دوم، بازیکنان هنوز بازی را جدّی نگرفته‌اند و تلاش چندانی از خود نشان نمی‌دهند. آنها با خودشان می‌گویند : حالا ۹۰ دقیقه وقت داریم ...

شما نتیجهٔ بازی را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

تصور کنید وقتی سوت پایان بازی به صدا درمی‌آید، بازیکنان تیم دوم که فرصت‌های خود را از دست داده‌اند، همه به دور داور جمع شوند و بگویند : ما اصلاً حواسمان به زمان بازی نبود و نفهمیدیم چطور مسابقه تمام شد. چند دقیقه دیگر به ما فرصت بدهید تا موقعیت‌های از دست‌رفته را جبران کنیم. دوباره سوت بزنید تا مسابقه را ادامه دهیم ...!

به نظر شما داور این مسابقه چه پاسخی به این درخواست خواهد داد؟

فعّالیت کلاسی

به نظر شما زندگی ما در دنیا، چه شباهت‌هایی با یک مسابقهٔ فوتبال دارد؟ تفاوت‌های این دو در چیست؟

***

عُمر، فرصتی برای ...

خداوند دربارهٔ کسانی که ارزش واقعی عمر خود را نمی‌دانند و فرصت‌های زندگی را بی‌دلیل از دست می‌دهند و با دست خالی از این دنیا می‌روند، می‌فرماید :

حَتّیٰ اِذا جاءَ اَحَدَهُمُ الـمَوتُ	هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می‌رسد،
قالَ رَبِّ ارجِعونِ	می‌گوید پروردگارا؛ مرا [به دنیا] برگردان
لَعَلّی اَعمَلُ صالِحًا فیما تَرَکتُ	شاید، کارهای شایسته‌ای را که ترک کرده بودم به‌جای آورم.
کَلّا اِنَّها کَلِمَةٌ هُوَ قائِلُها ...[1]	هرگز؛ [چنین بازگشتی در کار نیست]! این سخنی است که او به زبان می‌گوید [و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است]!

کسی که می‌داند نعمت‌های بهشت، پاداش کارهای نیک او در این دنیاست، از فرصتی که در اختیار دارد چگونه استفاده می‌کند؟

راستی اصلاً کسی می‌داند تا چه زمانی برای جمع‌آوری توشه در این دنیا وقت دارد؟

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید :

فرصت‌ها مانند ابرها می‌گذرند، پس فرصت‌های خوب را غنیمت شمرید.[2]

---

۱. سورهٔ مومنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شمارهٔ ۲۲.

برخی عوامل هدردادن عمر

در زندگی ما عواملی وجود دارند که موجب می‌شوند ما ازعمر خود به نحو شایسته استفاده نکنیم و در واقع آن را هدر دهیم؛ در اینجا با چند مورد آشنا می‌شویم :

۱ــ بی‌حالی و تنبلی : معمولاً کسانی که در طول شبانه‌روز ورزش نمی‌کنند و کارهایشان را با برنامه انجام نمی‌دهند بی‌حوصله و بی‌حال هستند. اینان اهمیتی به وقت خود و دیگران نمی‌دهند و ساعت‌ها و روزهای فراوانی از زندگی خود را کاملاً هدر می‌دهند.

۲ــ امروز و فردا کردن : کسی که در زندگی برنامه ندارد و هدفی برای خود تعیین نکرده است کارهایش را در وقتش انجام نمی‌دهد و همواره امروز و فردا می‌کند. مشخص نیست فردایی که مورد نظر آنهاست چه زمانی فراخواهد رسید. امروزهای این افراد به امید فردایی که نمی‌رسد از دستشان می‌رود.

۳ــ بی‌توجهی به اولویت‌ها : اگر در زندگی برای انسان اولویت کارها مشخص نباشد و هر وقت هر کاری که به ذهنش رسید را انجام دهد، در این صورت کارهای مهم از قلم می‌افتد و دیگر فرصتی هم برای انجام آنها باقی نخواهد ماند. بی‌توجهی به اولویت‌بندی کارها موجب می‌شود انسان در کارهای خود عجله داشته باشد؛ چون همواره احساس می‌کند وقتش کم است و باید همهٔ کارها را انجام دهد، در صورتی که اگر با برنامه و اولویت‌بندی کارهایش را انجام دهد، همگی را می‌تواند با صبر و حوصله و با استواری کامل به سرانجام برساند.

۴ــ معاشرت با افراد بی‌نظم : معاشرت با کسانی که در زندگی خود از هیچ برنامه و هدفی پیروی نمی‌کنند موجب می‌شود ما نیز مانند آنها رفتار کنیم و ارزش زندگی خود را ندانیم. به‌دلیل تأثیر فراوانی که همنشین بر انسان دارد، توصیه‌های فراوانی برای دقت در انتخاب دوست و همنشین صورت گرفته است.

فعّالیت کلاسی

به کمک دوستانتان عوامل دیگری که موجب هدررفتن عمر انسان می‌شود را نام ببرید. به نظر شما راهکار مبارزه با این عوامل چیست؟

***

پس اوّلین سرمایهٔ ما برای خوشبختی در دنیا و آخرت همین زندگی و عمر است که اگر کسی از آن محروم شود، از نعمت‌های دیگر نیز نمی‌تواند هیچ استفاده‌ای کند. آیا نعمت عمر به تنهایی برای خوشبختی ما در دنیا و آخرت کافی است؟

اگر کمی فکر کنیم می‌بینیم که همهٔ موجودات از نعمت عمر برخوردارند، حال چه چیزی موجب شده است انسان از سایر موجودات متفاوت باشد؟

نعمت اندیشیدن

یکی از تفاوت‌های انسان با حیوانات و گیاهان، قدرت عقل و اندیشیدن است.

ما انسان‌ها می‌توانیم با استفاده از این نعمت ارزشمند، علاوه بر خوشبختی در دنیا به راه‌های پیشرفت خود در زندگی خوب بیندیشیم و با کمک پیامبران الهی بهترین راه را برای رستگاری خود انتخاب کنیم.

تفکّر در آیات[1] الهی آن چنان اهمیتی در دین اسلام دارد که پیامبر اعظم ﷺ آن را از بسیاری عبادت‌های دیگر بالاتر دانسته و می‌فرماید:[2]

ساعتی تفکر [در نشانه‌های خداوند]، از ساعت‌های طولانی عبادت کردن [بدون تفکر] برتر است.[3]

البته متأسفانه در میان انسان‌ها کسانی هستند که توانایی اندیشیدن دارند، ولی از این نعمت خداوند استفاده نمی‌کنند. چشم دارند، ولی از آنچه می‌بینند عبرت نمی‌گیرند، گوش دارند، ولی برای شنیدن دستورات خداوند از آن استفاده نمی‌کنند.

خداوند این گروه از انسان‌ها را که (دل‌هایشان) کر و لال است، از چهارپایان هم گمراه‌تر دانسته[4] و آنها را بدترین موجودات[5] معرفی می‌کند.

تفکر چیست و چه خاصیتی دارد که اگر انسان نداشته باشد، از حیوان هم پست‌تر می‌شود؟

امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید:

تفکر انسان را به سوی نیکی و عمل به آن فرا می‌خواند.[6]

اگر انسان به‌خوبی در این‌باره بیندیشد که کارهایش توسط خداوند ثبت و ضبط می‌شود و باید

---

۱. آیات: نشانه‌ها
۲. کافی، ج۲، ص ۵۴.
۳. البته فراموش نکنیم که در دین اسلام هیچ عملی نمی‌تواند جایگزین عبادت‌های واجب (مانند نمازهای روزانه و عبادت‌های واجب دیگر) شود.
۴. سورهٔ فرقان، آیهٔ ۴۴.
۵. سورهٔ انفال، آیهٔ ۲۲.
۶. کافی، ج۲، ص ۵۵.

نسبت به تمام کارهایش در نزد خداوند پاسخگو باشد؛

اگر بیندیشد که نعمت عمر فقط یک‌بار به او عطا شده است و بار دیگر فرصت زندگی در این دنیا به او داده نخواهد شد؛

اگر بیندیشد که با هر حرف و رفتارش می‌تواند دلی را شاد کند یا از خود برنجاند؛

به یقین این اندیشه‌ها سرانجام او را سمت کارهای نیک می‌کشاند و او را از مسیر گناه دور می‌کند. اما اگر کسی دربارهٔ این موضوعات فکر نکند، و بدون دوراندیشی عمل کند، سرانجامی جز حسرت و پشیمانی نخواهد داشت.

چند کار اشتباه که معمولاً انسان‌ها در زندگی خود انجام می‌دهند را نام ببرید و نتایج و عواقب آنها را بیان کنید. به‌نظر شما اگر انسان‌ها قبل از انجام این‌گونه کارها به نتایج آن فکر می‌کردند، باز هم آنها را انجام می‌دادند؟

۱ـ بین حرکت ابرها و گذشتن زمان چه شباهت‌هایی وجود دارد؟

۲ـ آیا نعمت عمر به تنهایی برای خوشبختی ما در دنیا و آخرت کافی است؟ توضیح دهید.

۳ـ خداوند حکیم چه کسانی را از چهارپایان نیز گمراه‌تر معرفی می‌کند؟ چرا؟

۴ـ سه مورد از عوامل هدر دادن عمر را بیان کنید.

الهی

خدایا، بر محمد ﷺ و آل او درود فرست،

و تا هنگامی که عمر من در اطاعت توست،

عمری طولانی به من عطا کن،

و هرگاه زندگانی من چراگاه شیطان شد،

جانم را قبل از پیشی گرفتن عذابت، بگیر[1]

خدایا، ای بخشنده ای که به من توانایی فکر کردن بخشیدی؛

یاری ام کن که بدون فکر، کاری نکنم.

ای که تفکر را سرمایه من قرار دادی؛

و هیچ عبادتی را از آن برتر ندانستی؛

اندیشه ام را وسیلهٔ هدایتم قرار ده.[2]

---

۱. صحیفهٔ سجادیه، دعای بیستم.

۲. اقتباس از کتاب خدای من (با اندکی تلخیص)

درس ۱۱

آفت‌های زبان

توانایی سخن گفتن یکی از مهم‌ترین نعمت‌های خداوند به انسان است. انسان از این طریق، با دیگران ارتباط برقرار می‌کند، نیازها و درخواست‌هایش را بازگو می‌کند، با دیگران مشورت می‌کند، احساسات خود را بیان می‌کند و دیگران را راهنمایی می‌کند.

از سوی دیگر، انسان گاهی نیز با سخن گفتن دیگران را اذیت می‌کند، دروغ می‌گوید، تهمت می‌زند و گناهان متعددی را مرتکب می‌شود.

در واقع، سخن گفتن شخصیت درونی انسان را آشکار می‌سازد.

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید :

هنگامی که سخن می‌گویید شناخته می‌شوید؛ زیرا انسان زیر زبان خود پنهان است.[۱]

به نظر شما، نعمت سخن گفتن چه تأثیری در زندگی انسان در این دنیا و جهان آخرت دارد؟

آیا همه از نعمت سخن گفتن به درستی استفاده می‌کنند؟

***

۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۲.

ما در ادامهٔ این درس، به بررسی برخی از گناهان زبان می‌پردازیم که می‌توانند تأثیرات خطرناکی بر سعادت انسان داشته باشند و از سوی دیگر ترک آنها و آلوده نشدن به این گناهان موجب رستگاری و دست یافتن به بهشت زیبای خداوند می‌شود :

۱ــ دروغ گفتن : در سال پیش دانستیم که دروغگویی علاوه بر اینکه عذاب الهی را در روز جزا در پی دارد، در همین دنیا نیز سبب از بین رفتن اعتماد دیگران نسبت به فرد و تنهایی او می‌شود.

دروغگو یا می‌خواهد به وسیلهٔ دروغ چیزی را به‌دست آورد یا قصد دارد خودش را از مشکلی رهایی بخشد. فرد دروغگو در این حالت فراموش می‌کند که هیچ قدرتی بالاتر از قدرت خداوند نیست و تا او نخواهد هیچ سود و ضرری به کسی نخواهد رسید.

نکتهٔ مهمی که باید به آن توجه کنیم این است که گاهی افراد بدون آنکه خودشان متوجه باشند دروغ می‌گویند؛ مثلاً به‌دلیل علاقه‌ای که به فرد دیگری دارند، در تعریف کردن از او زیاده‌روی می‌کنند، یا به سبب دشمنی که با کسی دارند، بدون اینکه حواسشان باشد، از سر دشمنی و کینه دروغ می‌گویند، در تمامی این موارد افراد با دروغ خود را در معرض گناهان فراوانی قرار می‌دهند.

امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرماید :

زشتی‌ها همگی در خانه‌ای جمع شده‌اند که کلید آن دروغ است.[۱]*

ائمه علیهم‌السلام همواره تأکید داشته‌اند که دروغ گفتن موجب نابودی ایمان می‌شود و انسان را از هدایت الهی محروم می‌سازد. همچنین دروغ، حافظهٔ انسان را ضعیف می‌کند و به قول مشهور، «**دروغگو کم‌حافظه است**». از سوی دیگر عادت به دروغ گفتن، موجب فقر و تنگدستی انسان نیز می‌شود؛ چرا که برکت از زندگی انسان می‌گریزد.

کسی می‌تواند دروغ گفتن را ترک کند که همواره قبل از سخن گفتن به عواقب گفتارش بیندیشد. همچنین در ترک عادت زشت دروغ گفتن، دوری از کسانی که دروغ می‌گویند، تأثیر فراوانی دارد.

بیشتر بدانیم

تعارف دروغین

گاهی برخی افراد در تعارفات به دروغ، مطلبی را می‌گویند و تصوّر می‌کنند چون تعارف است اشکالی ندارد؛ مثلاً وقتی او را به خوردن غذایی دعوت می‌کنند، درحالی‌که واقعاً دوست دارد از آن غذا بخورد می‌گوید : «میل ندارم» گاهی هم فقط از روی عادت، از دیگران دعوت‌های بی‌مورد می‌کند و چیزی را به آنها

---

۱. بحارالأنوار، ج ۶۹، ص۲۶۳. * روایت حفظ شود.

تعارف می‌کند. در صورتی که ائمه علیهم‌السلام این شیوهٔ رفتار را تأیید نمی‌کنند :

اسماعیل پسر امام صادق علیه‌السلام می‌گوید :

به همراه پدرم به طرف منزل می‌آمدیم و یکی از اصحاب نیز همراه ما بود و با ایشان صحبت می‌کرد. وقتی به خانه رسیدیم پدرم با او خداحافظی کرد و داخل خانه شدیم.

به ایشان گفتم : پدرجان، بهتر نبود او را دعوت می‌کردید به خانه بیاید؟

امام فرمود : اکنون در وضعیتی نیستم که بتوانم از او پذیرایی کنم.

من گفتم : اما اگر تعارف می‌کردید او هم واقعاً نمی‌آمد.

امام فرمود : پسرم، من نمی‌خواهم خداوند مرا از گروه تعارف کنندگان دروغین به شمار آورد.[1]

***

۲ــ غیبت کردن : بدگویی پشت سر دیگران و آشکار ساختن عیب‌های آنان یکی از بزرگ‌ترین گناهان نزد خداوند است که عذاب سخت الهی را درپی دارد. برخی از مردم به اشتباه گمان می‌کنند که سخن آنها وقتی غیبت به شمار می‌رود که آنچه درباره دیگران می‌گویند، واقعیت نداشته باشد، در صورتی‌که اگر آن مطلب واقعیت نداشته باشد هم تهمت و هم دروغ می‌شود. اما نکتهٔ اصلی این است که حتی وقتی ما با چشم خودمان هم چیز ناپسندی را از کسی می‌بینیم، حق نداریم آن‌را برای دیگران بازگو کنیم.

قرآن کریم دربارهٔ این عمل زشت می‌فرماید :

یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا ...	ای کسانی که ایمان آوردید...
و لا یَغتَب بَعضُکُم بَعضًا	و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکند
اَیُحِبُّ اَحَدُکُم اَنْ یَأکُلَ لَحمَ اَخیهِ مَیتًا	آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟
فَکَرِهتُموهُ	همه شما از این امر کراهت دارید
وَاتَّقُوا اللّٰهَ	و از خدا پروا کنید،
اِنَّ اللّٰهَ تَوابٌ رَحیمٌ[2]	که خدا توبه‌پذیر مهربان است

۱. المحاسن، ج۲، ص ۴۱۷.
۲. سورهٔ حجرات، آیهٔ ۱۲.

به نظر شما چرا غیبت کردن جزء گناهان بزرگ محسوب می‌شود و بسیار نهی شده است؟

در اسلام توصیهٔ فراوانی به برادری، مودّت و صمیمت می‌شود؛ بنابراین، تعاون و رفاقت میان مسلمانان اهمیت بسیاری دارد و هرکاری که سبب جدایی و دشمنی میان آنان باشد حرام است.

وقتی افراد دربارهٔ همدیگر غیبت می‌کنند، کینه و ناراحتی نسبت به یکدیگر را در دل خود می‌پرورانند و دیگر نمی‌توانند مانند گذشته با هم دوست و متحد باشند. کسانی که به غیبت گوش می‌دهند نیز دیگر نمی‌توانند مانند گذشته به فردی که درباره‌اش بدگویی شده اطمینان داشته باشند. از این گذشته، کسی که اشتباهی کرده و دوست ندارد دیگران آن اشتباه را بدانند، ممکن است به زودی کار اشتباهش را جبران کند؛ اما همین فرد اگر بداند که همه از عیب‌های او با خبر شده‌اند و دیگر کسی به او اعتماد ندارد، انگیزه‌ای برایش باقی نمی‌ماند تا اشتباهش را ترک کند و به این ترتیب، می‌تواند هر گناه دیگری را نیز مرتکب شود و این یعنی نابودی و هلاکت!

همچنین غیبت نوعی تبلیغ و اشاعهٔ کارهای ناپسند است که در این دنیا دین انسان را نابود می‌کند. خداوند در مجازات غیبت‌کننده، کارهای نیکش را به حساب کسی که از او غیبت شده می‌نویسد و توفیق انجام کارهای نیک را نیز از غیبت‌کننده می‌گیرد.

بهترین راه درمان غیبت این است که انسان هیچ‌گاه از عیب‌ها و کاستی‌های خود غافل نباشد، و به جای اینکه در دیگران به دنبال ایراد بگردد، تلاش کند عیوب خود را برطرف سازد.

اگر در میان جمعی باشیم که از یک مسلمان غیبت می‌کنند، چه مسئولیتی داریم؟

بیشتر بدانیم

غیبت با دهان بسته!

شایسته است توجه داشته باشیم که غیبت کردن همیشه با زبان نیست؛ بلکه گاهی یک اشارهٔ دست، یا صورت، یا تقلید از یک حرکت و رفتار اشخاص نیز می‌تواند غیبت به شمار آید :

روزی زنی کوتاه‌قد نزد پیامبر خدا ﷺ آمد تا از ایشان سؤالی بپرسد. وقتی جواب سؤالش را از پیامبر اکرم دریافت کرد و برگشت، یکی از حاضران آهسته و با اشاره دست، کوتاهی قد آن زن را نشان داد.

پیامبر رحمت فرمود : تو با این کار غیبت او را کردی.[1]

۱. المحاسن، ج۲، ص ۴۶۰.

۳ــ ناسزاگویی : یکی دیگر از گناهان زبان، فحّاشی و زشت‌گویی است. وقتی شخصی نسبت به دیگری فحّاشی می‌کند و نسبت‌های زشت به او می‌دهد، ناخواسته بذر کینه و دشمنی را در دل او می‌پاشد. بسیاری از نزاع‌ها و درگیری‌ها با یک دشنام آغاز می‌شود.

رواج کلمات زشت و فحّاشی در جامعه سبب می‌شود که حیا از میان برود و زمینه برای افزایش گناهان دیگر فراهم شود. به همین دلیل است که بزرگان دین همگان را از این عمل زشت نهی کرده‌اند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید :

خداوند بهشت را بر هر فحش دهندهٔ بدزبان که برایش مهم نیست چه می‌گوید و دیگران دربارهٔ او چه می‌گویند حرام کرده است.[1]*

کسانی که فحش می‌دهند، معمولاً وقتی این عمل زشت را انجام می‌دهند که :

ــ عصبانی می‌شوند و نمی‌توانند خشم خود را مهار کنند؛ فحش می‌دهند و هر قدر این رفتار را تکرار می‌کنند، در آنان بیشتر به عادت تبدیل می‌شود.

ــ قصد شوخی دارند و می‌خواهند دیگران را بخندانند و از اینکه دیگران از گفتهٔ زشت آنان به خنده می‌افتند، لذّت می‌برند.

البته برخی نیز به دلیل تربیت نادرست، سخنان زشت را به زبان می‌آورند و این کار برای آنان تبدیل به عادت شده است.

به نظر شما راه درمان بیماری فحّاشی چیست؟

علمای اخلاق برای ترک این عادت ناپسند که موجب آلودگی روح انسان و دوری او از سعادت می‌شود، راهکارهایی ارائه کرده‌اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم :

ــ دوری از کسانی که فحش می‌دهند و عادت به این کار دارند.

ــ اندیشیدن به اینکه چه کار زشت و ناپسندی انجام می‌دهند.

ــ توجه داشتن به اینکه با فحش دادن چه برکاتی از زندگی آنان حذف می‌شود و در نهایت نیز رستگار نمی‌شوند.

در این صورت است که انسان می‌تواند با عادت دادن زبان خود به کلمات زیبا و دلنشین و پی‌بردن به زشتی فحش، برای همیشه آن را ترک کند.

---

۱. تحف العقول، ص ۴۴. * حفظ شود.

فعّالیت کلاسی

به نظر شما بهترین واکنش در برابر کسی که عادت به فحش دادن دارد، چیست؟

بیشتر بدانیم

همه به او می‌گفتند : «رفیق امام صادق علیه‌السلام »

آن روز هم مثل همیشه در راه با امام صادق علیه‌السلام صحبت می‌کردند که وارد بازار شدند. خدمتکارش نیز پشت سر آنها حرکت می‌کرد. در میانهٔ راه ناگهان برگشت و پشت سرش را نگاه کرد، اما خدمتکارش را ندید. مقداری که راه رفتند دوباره برگشت، ولی باز هم خبری از خدمتکارش نبود. وقتی برای سومین بار پشت سرش را نگاه کرد و باز هم او را ــ که حواسش به مغازه‌ها بود و کمی عقب مانده بود ــ ندید خیلی عصبانی شد. کمی بعد وقتی چشمش به خدمتکارش افتاد با خشم دشنام زشتی به پدر و مادر او داد و گفت : «تا حالا کجا بودی؟»

تا این جمله از دهانش خارج شد، امام صادق علیه‌السلام دستش را به علامت تعجب بلند کرد و بر پیشانی خود زد و فرمود :

سبحان اللّه؛ تو به او و خاندانش چنین دشنامی می‌دهی؟ من تو را به تقوا و پرهیزکاری می‌شناختم. اما اکنون معلوم شد که در تو تقوایی نیست.

مرد فوراً جواب داد : ای فرزند رسول خدا، این مرد اهل سرزمین‌های کفر است و پدر و مادرش نیز اهل آنجا هستند. آنها اصلاً مسلمان نیستند.

امام باز هم او را نصیحت کرد، اما آن مرد زیر بار نمی‌رفت.

پس از اینکه مشخص شد او فردی فحّاش است و نه تنها از عمل زشت خود پشیمان نیست؛ بلکه از این کار دفاع هم می‌کند، امام از او جدا شد و دیگر کسی او را با امام صادق علیه‌السلام ندید.[1]

خودت را امتحان کن

۱ـ دو مورد از عواقب دروغ گفتن را بیان کنید.

۲ـ رواج غیبت در جامعه چه آثار شومی بر روابط مردم با یکدیگر خواهد گذاشت؟

۳ـ چه راهکارهایی برای درمان عادت زشت ناسزاگویی وجود دارد؟

پیشنهاد

پرسش‌های زیر را با دقت بخوانید :

۱ــ کسی که از روی غفلت مرتکب غیبت شده‌است، چگونه می‌تواند این گناه بزرگ را جبران کند؟

۲ــ آیا مواردی وجود دارد که بازگویی عیب‌های افراد جایز شمرده شده باشد؟

دربارهٔ این پرسش‌ها با افراد آگاه گفت‌وگو کنید و در جلسه بعد، پاسخ را برای هم‌کلاسی‌هایتان بخوانید.

۱. برگرفته از کافی، ج۲، ص ۳۲۴.

الهی

خدایا،

تو خوب می دانی که

گاهی دروغ گفته‌ام،

گاهی غیبت کرده‌ام،

گاهی به دیگران ناسزا گفته‌ام،

و می دانم که همه اینها نزد تو زشت و گناه است.

مهربانا،

یاری‌ام کن تا هیچ‌گاه مرتکب این گناهان نشوم

و اگر به خطا مرتکب شدم، به سرعت از آن به سوی تو بازگردم؛

یاری‌ام کن تا قبل از هر سخنی دربارهٔ آثارش بیندیشم.

خدایا،

به من توفیق ده به اصلاح عیب‌های خود بپردازم،

تا از پرداختن به عیب‌های دیگران باز مانم و مردم، از من و زبانم در آسایش باشند.

تو هم اگر می‌خواهی چند کلام با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

درس ۱۲

ارزش کار

عبادت بزرگ

«... قدم‌هایش را تندتر کرد. می‌خواست هرچه زودتر خود را به خانه برساند. در این بعد از ظهر داغ مدینه، فقط کسانی از خانه بیرون می‌آمدند که کار خیلی مهمی داشتند. همین طور که با عجله راه می‌رفت، از دور چشمش به کسی افتاد که زیر آفتاب سوزان در زمین کشاورزی‌اش مشغول کار بود. با خودش گفت: عجب آدم حریص و دنیاطلبی! مگر پول و مال دنیا چقدر ارزش دارد که انسان این‌گونه خودش را برای به دست آوردن آن به زحمت بیندازد؟ خوب است او را نصیحت کنم.

کمی که نزدیک‌تر شد، تعجبش بیشتر شد. درست می‌بینم؟ او محمدبن‌علی (امام‌باقر علیه‌السلام) است؟! ببین چگونه عرق می‌ریزد و کار می‌کند؟!

ــ سلام علیکم

امام علیه‌السلام ایستاد. نفس‌زنان و عرق‌ریزان جواب سلامش را داد و دوباره مشغول به کار شد.

ــ آخر بزرگی از بزرگان قریش، در این هوای گرم با این حال عرق بریزد و به دنبال دنیا باشد؟! اگر همین حالا مرگ شما فرا رسد و شما در این حال بمیرید چه خواهید کرد؟!

حضرت لحظه‌ای دست از کار کشید و فرمود:

«اگر در این حال مرگم فرا رسد، در حال عبادت خدا از دنیا رفته‌ام. من تلاش می‌کنم تا با

کار کردن، خودم و خانواده‌ام را از کمک دیگران بی‌نیاز سازم. این عبادت خداوند است. اگر قرار باشد از چیزی بترسم، باید از این بترسم که در حال گناه و معصیت مرگم فرا رسد.

سرش را پایین انداخت و کمی فکر کرد. چه جواب حکیمانه‌ای! می‌خواستم او را نصیحت کنم، اما او مرا نصیحت کرد. خدا را شکر که به اشتباهم پی بردم...»[1]

***

۱. برگرفته از وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۲۰.

ثمرات کار و کوشش

کار و تلاش برای بی‌نیاز شدن از دیگران، نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه جزء عبادت‌های بزرگ قرار دارد.

رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید :

عبادت ده جزء دارد که نُه جزء آن، کار و کسب حلال است.[1]*

فایدهٔ دیگر کار کردن، توانایی برای انفاق، سخاوتمندی و مشارکت در کارهای خیر است. شما هیچ انسان عاقلی را نخواهید یافت که دوست داشته باشد از پاداش بزرگ خداوند به سخاوتمندان، محروم شود. کسی که خودش نیازمند کمک دیگران باشد، آیا می‌تواند به دیگران انفاق کند؟ آیا کسی که خودش درآمدی ندارد، می‌تواند اموالش را سخاوتمندانه در کارهای خیر خرج کند؟

یکی دیگر از ثمرات کار، برطرف ساختن مشکلات اجتماعی است. کار و اشتغال مناسب می‌تواند از بسیاری از جرائم و تخلفات اجتماعی مانند مزاحمت‌های خیابانی و تکدّی‌گری جلوگیری کند.

فعّالیت کلاسی

به نظر شما بیکاری چه مشکلات دیگری در جامعه به‌وجود می‌آورد؟

کسب حلال

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام از ایشان پرسید : کسی از راه حرام مالی را به دست می‌آورد و برای اینکه گناهش پاک شود، از همان مال به فقیران صدقه می‌دهد، به نزدیکانش رسیدگی می‌کند و به زیارت خانه خدا می‌رود. این کارهایش نزد خداوند چگونه است؟

امام علیه‌السلام فرمود :

آنچه گناهان را پاک می‌کند، کارهای نیک است، اما کار حرام نمی‌تواند حرام دیگری را پاک کند.[2]

بنابراین، اگر کسی اموالش را از راه حرام به‌دست آورد، مرتکب گناه بزرگی می‌شود که حتی اگر همهٔ آن اموال را در کارهای خوب نیز مصرف کند، نه تنها گناهانش پاک نمی‌شود؛ بلکه گناهی به‌گناهانش افزوده خواهد شد.

---

۱. جامع الأخبار، ص۱۳۹. * حفظ شود. ۲. کافی، ج ۵، ص۱۲۶.

آیا می‌توانید حدس بزنید وارد شدن اموال حرام به زندگی انسان، چه تأثیرات دیگری بر زندگی او خواهد داشت؟

مردی نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، از خداوند بخواهید دعاهای مرا مستجاب کند. رسول خدا فرمود: اگر می‌خواهی به این خواسته‌ات برسی، کسب و کار حلال در پیش بگیر.

این حدیث به یکی از آثار مال حرام در زندگی اشاره می‌کند:

پیام: مستجاب نشدن دعاها.

اکنون به این دو حدیث توجه کنید و مانند نمونهٔ بالا، پیام هر حدیث دربارهٔ مال حرام را بنویسید.

۱ـ امام رضا علیه‌السلام: مالی که از راه حرام به دست آید، زیاد نخواهد شد و اگر هم زیاد شود برکتی نخواهد داشت.[۱]

پیام: .....

.....

۲ـ امیرالمؤمنین علیه‌السلام: کسی که اموالش را از راه نادرست به‌دست آورد، در جای نادرست هم آن را از دست می‌دهد.[۲]

پیام: .....

.....

خیانت در کار

اگر انسان اموالش را از راه حرام مانند دزدی، قمار، خرید و فروش اجناس قاچاق به دست آورد، آن اموال حرام است و کسی حق استفاده از آنها را ندارد.

اما گاهی اوقات انسان با اینکه شغل خوب و حلالی دارد، اموالی که از آن شغل به دست می‌آورد حرام است؛ مثلاً کسی که وسیلهٔ بی‌کیفیت را در بسته‌بندی وسیله خوب و با کیفیت قرار می‌دهد و آن را با قیمتی بیشتر می‌فروشد، به‌همان مقدار که پول بیشتری دریافت می‌کند مال او حرام می‌شود و

۱. همان. ۲. غررالحکم.

واجب است آن را به خریدار برگرداند؛ و یا کارمندی که موظف است هر روز در محل کارش به انجام امور اداری بپردازد؛ اگر در ساعت کاری به وظایفش نپردازد، پولی که دریافت می‌کند، حق او نیست و استفاده از آن پول برایش حرام است؛ بنابراین، انسان در هر شغلی ممکن است به خاطر بی‌توجهی و کوتاهی در انجام وظایفش، گرفتار مال حرام شود.

خداوند دربارهٔ این افراد می‌فرماید :

وَیـلٌ لِلـمُـطَـفِّـفینَ	وای بر کم‌فروشان،
اَلَّـذیـنَ اِذَا اکـتالوا عَلَی النّاسِ یَستَوفونَ	آنان که وقتی برای خود وزن می‌کنند، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند،
وَ اِذا کالوهُم اَو وَزَنوهُم یُخسِرونَ	و هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند.
اَلا یَـظُـنُّ اُولئِکَ اَنَّـهُم مَبـعوثونَ	آیا اینان نمی‌دانند که زنده می‌شوند؟
لِـیَومٍ عَـظیمٍ	در روزی بزرگ،
یَومَ یَقومُ النّاسُ لِـرَبِّ العالَـمیـنَ[1]	روزی که همه مردم در برابر پروردگار جهانیان [برای حساب] بایستند.

خودت را امتحان کن

۱ـ کار کردن چه فوایدی برای فرد و جامعه دارد؟ سه مورد را بیان کنید.
۲ـ چند کار نام ببرید که درآمد آنها حرام است.
۳ـ سه شغل حلال نام ببرید که ممکن است درآمد صاحبان آنها حرام شود.
۴ـ کسب و کار حرام چه آثار بدی بر زندگی انسان دارد؟

۱. سورهٔ مُطَفِّفین، آیات ۱ تا ۶.

پیشنهاد

داستان بازار سیاه (داستان شمارهٔ ۳۳ از کتاب داستان راستان، نوشته استاد شهید مرتضی مطهری) را بخوانید و آن را برای دوستانتان بازگو کنید.

بیشتر بدانیم

برو کار می‌کن ...

دیگر طاقتش تمام شده بود. آن‌قدر فقیر شده بود که حتی نمی‌توانست برای کودکانش غذایی تهیه کند. نمی‌دانست چه کار کند.

ــ فقط همین یک راه برایمان باقی مانده است. امروز نزد پیامبر برو و از او کمک بخواه. او حتماً به تو کمک خواهد کرد.

این پیشنهاد همسرش بود.

با اینکه دلش نمی‌خواست از کسی درخواست کمک کند، ولی چیز دیگری به نظرش نمی‌رسید. به مسجد آمد. رسول خدا با عده‌ای از اصحاب نشسته بود و مشغول گفت‌وگو بود.

گوشه‌ای نشست. منتظر بود تا اطراف پیامبر خلوت شود و بتواند مشکل را با ایشان در میان بگذارد. در این میان ناگهان پیامبر خدا سخنش را قطع کرد و بدون اینکه به او نگاه کند فرمود :

«هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش دیگران دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز خواهد ساخت».

ــ یعنی منظور پیامبر چه بود؟ آیا با من بود؟

آن روز چیزی نگفت و به خانه برگشت. اما تا فردا هیچ اتفاقی نیفتاد و فقر و گرسنگی مانند روزهای پیشین به او و خانواده‌اش فشار آورد. فردا دوباره با همان نیت قبلی به مسجد آمد. باز هم رسول خدا بدون اینکه اشاره‌ای به او کند فرمود :

«هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش دیگران دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز خواهد ساخت».

دیگر مطمئن بود که منظور پیامبر خود اوست. باز هم بی‌آنکه چیزی بگوید به خانه بازگشت.

وقتی فردای آن روز برای سومین بار نزد پیامبر خدا رفت و باز هم همین کلمات را از ایشان شنید، با خودش گفت :

ــ حتماً در این جملات رسول خدا حکمتی است که هر بار همین سخن را تکرار می‌کند. دیگر از هیچ کس کمک نخواهم خواست. به خدا تکیه می‌کنم و از نیرویی که خداوند در خودم قرار داده است استفاده می‌کنم و از او می‌خواهم در این راه به من کمک کند تا از این پس، هرگز دست نیاز به سوی کسی دراز نکنم.

به خانه آمد. با خودش فکر کرد از من چه کارهایی ساخته است؟

ــ حداقل می‌توانم به صحرا بروم و مقداری هیزم بیاورم و بفروشم.

از همسایه‌اش تیشه‌ای امانت گرفت. به صحرا رفت و مقداری هیزم جمع‌آوری کرد و به شهر برد و فروخت و برای اولین بار پس از مدتی طولانی حاصل دسترنج خود را به خانه برد.

همین کار را مدتی ادامه داد تا اینکه توانست به مرور زمان برای خودش تیشه و وسایل کار و یک حیوان بارکش بخرد. همین طور کار کرد و کار کرد تا اینکه بالاخره برای خودش صاحب سرمایه شد.

روزی رسول خدا به او رسید و تبسّم‌کنان فرمود :

«هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش دیگران دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز خواهد ساخت.»[1]

---

۱. برگرفته از کافی، ج۲، ص۱۳۹.

الهی

خدایا!

ای کریم روزی بخش،

ای که به من تلاش کردن آموختی،

تا دستان خالی‌ام را پر کنم،

و لذّت بخشش به من چشاندی،

تا روزی‌ام را با دیگران قسمت کنم، تو را سپاس.

سپاس که سفره‌ام را به نان حلال آراستی،

و مرا از بخشش دیگران بی‌نیاز ساختی.

الهی یاری‌ام کن در هنگام توانگری تنها خود را نبینم.

درس ۱۳

کلید گنج‌ها

امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام در نامه‌ای به فرزند خود امام حسن علیه‌السلام می‌نویسد :

«... [پسرم] بدان، کسی که گنجینه‌های آسمان و زمین در دست اوست، فرصت دعاکردن را به تو داده و جواب دادن به دعای تو را نیز بر عهده گرفته است.

تو را فرمان داده است از او بخواهی تا ببخشد و رحمت طلب کنی تا عطا کند.

هرگاه او را بخوانی، ندایت را می‌شنود، و چون با او راز دل گویی، راز تو را می‌داند، پس نیاز خود را با او بگو و اندوه خود را در پیشگاه او بگشای، تا غم‌هایت را برطرف کند و در مشکلات، تو را یاری رساند.

از گنجینه‌های رحمتش چیزهایی بخواه که جز او کسی نمی‌تواند عطا کند؛ افزونی عمر، تندرستی بدن و گشایش روزی.

[پسرم]، خداوندی که به تو اجازهٔ دعا کردن داده است، [در حقیقت] کلید گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داده است، پس هرگاه خواستی می‌توانی با دعا، درهای نعمتش را بگشایی، و رحمتش را بر خود نازل کنی!»[1]

***

۱. نهج البلاغه، نامهٔ ۳۱.

چراغ همیشه فروزان

تصوّر کنید در حال مسافرت با هواپیما هستید. ناگهان هواپیما تکان‌های شدیدی می‌خورد و همه چیز به هم می‌ریزد. مهار هواپیما به دلیل نقص فنّی از دست خلبان خارج می‌شود. در این لحظه که از هیچ‌کس کاری ساخته نیست چه می‌کنید؟

کاملاً طبیعی است که انسان در خطرها و مشکلات بزرگ، خدا را بخواند و از او یاری بخواهد، اما برخی به اشتباه تصور می‌کنند دعا کردن تنها مخصوص همین زمان‌هاست.

براساس تعالیم قرآن، ما همیشه و در همه حال به خدا و یاری او نیازمندیم و بدون اجازه و خواست او نمی‌توانیم حتی کوچک‌ترین کارها را نیز انجام دهیم. به همین دلیل، پیشوایان دین دعاهایی به ما آموخته‌اند تا بتوانیم به این وسیله همواره با خدا ارتباط داشته باشیم و از یاری او بهره‌مند شویم.

دعاهای روزهای هفته، دعاهای قبل از غذا خوردن و بعد از آن، دعای قبل از خواب، دعای وقت مطالعه، دعاهای هنگام وضو، دعای هنگام بیدار شدن، دعای سوار شدن به وسیله نقلیه و... . اینها نمونه‌هایی از هزاران دعایی هستند که ارتباط انسان را در همه حال با خدای خود برقرار می‌سازند.

دعا کردن آن قدر اهمّیت دارد که خداوند از بندگانش می‌خواهد دعا کنند و خواسته‌های خود را از او بخواهند :

«وَ قالَ رَبُّکُمُ ادعونی اَستَجِب لَکُم[1]

پروردگارتان گفت : مرا بخوانید [دعا کنید] تا [دعای شما را] بپذیرم.

این آیهٔ نورانی به خوبی نشان می‌دهد که دعا کردن باعث جلب توجه ویژه خداوند می‌شود و کسانی که دعا نمی‌کنند، در حقیقت، خود را از لطف خاص پروردگار محروم می‌کنند. دعا کردن همانند چراغ همواره فروزانی است که انسان را به پناهگاه اصلی و واقعی هدایت می‌کند.

فعّالیت کلاسی

به محتوای نماز دقت کنید و دعاهایی که در هر شبانه‌روز در نماز از خداوند می‌خواهید، بیان کنید.

توجه داشته باشیم که صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و خاندان پاکش از بهترین دعاهاست.

---

۱. سورهٔ غافر، آیهٔ ۶۰.

ثمرات دعا و نیایش

ما با دعا کردن مورد توجه خداوند قرار می‌گیریم و علاوه بر بهره‌مندی از پاداش در روز قیامت، در همین دنیا نیز شایستگی دریافت نعمت‌های بیشتر خدا را به دست می‌آوریم.

امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ این اثر مهم نیایش می‌فرماید :

نزد خداوند بلند مرتبه جایگاهی است که جز با دعا نمی‌توان به آن رسید. اگر بنده دعا نکند و از خداوند نخواهد، چیزی به‌دست نخواهد آورد، پس بخواه تا به تو عطا شود و این را بدان! هر دری که پیوسته کوبیده شود، بالاخره به روی انسان باز خواهد شد.[1]

فایدهٔ دیگر دعاکردن، آرامش روحی است. احساس اضطراب و ناامیدی، وقتی به سراغ انسان می‌آید که خود را در برابر سختی‌ها تنها ببیند و کسی را نیابد تا مشکلاتش را با او در میان بگذارد و از او یاری بطلبد.[2]

کسی که دعا می‌کند و در کنار تلاشش، تمامی نیازهای خود را از خداوند می‌خواهد، در واقع به خداوند ایمان دارد و می‌داند که فقط او می‌تواند مشکلاتش را حل کند؛ در این صورت او به پروردگار مهربان اعتماد و تکیه کرده است و چه تکیه‌گاهی قوی‌تر و مطمئن‌تر از خداوند قادر و مهربان؟ کسی که به آفریدگار تکیه می‌کند و او را یاریگر تمام مشکلاتش می‌بیند، هیچ اضطراب و غمی در زندگی نخواهد داشت و همواره در آرامش زندگی خواهد کرد.

آداب دعا

دعا آدابی دارد که رعایت آنها باعث جلب توجه بیشتر خداوند می‌شود و دعا زودتر به اجابت می‌رسد. برای آشنایی بیشتر با این آداب، احادیث زیر را که از پیامبر اکرم و امامان علیهم‌السلام به ما رسیده با دقت بخوانید :

ــ اگر کسی می‌خواهد دعایش مستجاب شود، درآمدش را پاک گرداند و از زیر بار حقوق مردم بیرون برود. دعای بنده‌ای که در شکمش حرام باشد، یا حقّ یکی از بندگان خدا به گردنش باشد، به درگاه خداوند بالا نمی‌رود.[3]

---

۱. کافی، ج۲، ص ۴۶۷. ۲. الکسیس کارل، پزشک و روان‌شناس مشهور در کتاب «نیایش» می‌نویسد : «فقدان نیایش در میان یک ملت، مساوی با سقوط آن ملت است و اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است معمولاً از فساد و نابودی در امان نخواهد بود. البته برای بهره‌مندی از آثار عمیق نیایش، این کار باید پیوسته و با توجه انجام گیرد، نه اینکه انسان صبح را با نیایش شروع کند، ولی بقیهٔ روز را مانند حیوانات وحشی به سر برد». ۳. بحار الانوار،ج۹۳،ص۳۲۱

ــ هرگاه درخواستی از خداوند سبحان داشتی، دعایت را با صلوات بر پیامبر آغاز کن؛ زیرا خداوند، کریم‌تر از آن است که کسی از او دو درخواست کند و او یکی را بپذیرد، و دیگری را نپذیرد.[۱]

ــ در چهار وقت فرصت را برای دعا کردن غنیمت شمارید؛ هنگام قرائت قرآن، وقت اذان، هنگام باریدن باران و هنگام روبه رو شدن سپاه ایمان و لشکر کفر.[۲]

ــ هرگاه امام باقر علیه‌السلام حاجتی داشت، ابتدا چیزی صدقه می‌داد و سپس خود را معطر می‌ساخت و به مسجد می‌رفت و آن‌گاه در هنگام اذان ظهر به دعا می‌پرداخت.[۳]

ــ نزدیک‌ترین دعاها به اجابت، دعای کسی است که در دعاهای پنهانی‌اش ابتدا برای دیگران دعا می‌کند.[۴]

فعّالیت کلاسی

با توجه به احادیثی که خواندیم، فهرستی از آداب دعا تهیه کنید و آن را برای دوستانتان در کلاس بیان کنید. می‌توانید بهترین فهرست را در کلاس نصب کنید.

***

ممکن است این پرسش برای شما هم به وجود آمده باشد که چرا گاهی اوقات با اینکه ما آداب دعا را رعایت می‌کنیم، اما باز هم دعایمان مستجاب نمی‌شود؟

متن زیر که بخش دیگری از نامه امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام به فرزند گرامی‌شان امام حسن علیه‌السلام است، به پاسخ این پرسش اشاره می‌کند :

... [پسرم] چه بسا در اجابت دعا تأخیر می‌شود تا پاداش درخواست‌کننده بیشتر و جزای آرزومند کامل‌تر شود.

گاهی چیزی را خواسته‌ای، ولی آن را به تو نداده‌اند و [در عوض] بهتر از آن در این جهان یا آن جهان به تو داده‌اند، و گاهی دعایت به اجابت نرسیده است؛ زیرا چیزی طلب کرده‌ای که اگر داده شود، مایهٔ تباهی دین تو خواهد بود.

پس چیزی بخواه که نیکی و زیبایی‌اش برایت ماندگار باشد و رنج و سختی‌اش از تو برکنار![۵]

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱. ۲. کافی، ج۲، ص۴۷۷. ۳. کافی، ج۲، ص۴۷۸. ۴. کافی، ج۴، ص۴۶۵. ۵. نهج البلاغه، نامهٔ ۳۱.

بیشتر بدانیم

ما در این درس، با برخی از آداب دعا آشنا شدیم. اما علاوه بر آنچه تاکنون خواندیم، عوامل دیگری هم هست که می‌توانند دعاهای ما را بیش از پیش مورد توجه خداوند مهربان قرار دهند.

به حدیث زیر توجه کنید :

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید :

روز جمعه سَروَر روزهای دیگر است. نیکی‌ها در این روز، دو چندان می‌شود و گناهان محو می‌شوند. دعاها در روز جمعه مستجاب، گرفتاری‌ها برطرف و حاجات انسان‌ها برآورده می‌شود. جمعه روزی است که خداوند بیش از هر روز دیگری، گرفتاران آتش را آزاد می‌کند و از عذاب می‌رهاند.[1]

خودت را امتحان کن

۱ـ دعا کردن چه فایده‌هایی دارد؟ به دو مورد اشاره کنید.

۲ـ چهار مورد از آداب دعا را بیان کنید.

۳ـ بنابر فرمایش حضرت علی علیه‌السلام، چرا برخی از دعاها فوری برآورده نمی‌شوند؟

پیشنهاد

در کتاب مفاتیح الجنان برای هر یک از روزهای هفته، دعایی از امامان معصوم علیهم‌السلام آورده شده است. شما می‌توانید با مراجعه به این کتاب، ترجمه یکی از این دعاها را یادداشت کنید و آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

---

۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص۳.

الهی

... رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَةً
وَ فِی الآخِرَةِ حَسَنَةً
وَ قِنا عَذابَ النّارِ.[1]

پروردگارا، به ما در دنیا نیکی عطا کن،
و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما،
و ما را از عذابِ آتش نگه دار.

رَبِّ اجعَلنی مُقیمَ الصَّلاةِ
وَ مِن ذُرِّیَّتی
رَبَّنا وَ تَقَبَّل دُعاءِ.
رَبَّنَا اغفِرلی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِلمُؤمِنینَ
یَومَ یَقومُ الحِسابُ.[2]

پروردگارا، مرا برپادارندهٔ نماز قرار ده،
و از فرزندانم [نیز چنین فرما]،
پروردگارا، دعای مرا بپذیر، و مرا و پدر و مادرم و همهٔ مؤمنان را،
در آن روز که حساب برپا می‌شود، بیامرز.

تو هم اگر می‌خواهی چند کلامی با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

۱. سورهٔ بقره، آیهٔ ۲۰۱. ۲. سورهٔ ابراهیم، آیات ۴۰ و ۴۱.

فصل ششم

جامعه اسلامی

ما مسلمانان در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که شایسته است آداب و احکام اسلامی آن را رعایت کنیم. در این فصل، به بررسی این آداب و احکام پرداخته می‌شود :

درس چهاردهم (ما مسلمانان) : در این درس می‌آموزیم که یکی از وظایف مسلمانان در جامعهٔ اسلامی کمک و یاری رساندن به یکدیگر در امور خیر و مشکلات زندگی است. اگر مسلمانان از حال یکدیگر خبر نداشته باشند و به همدیگر کمک نکنند، از نظر پیامبر اکرم مسلمان نیستند. همچنین اتحاد جامعهٔ اسلامی از اهمّیت فراوانی برخوردار است که دشمنان همواره تلاش می‌کنند آن را نابود کنند؛ بنابراین شایسته است مسلمانان برای حفظ قدرت و عزّت خود، نسبت به هر موضوعی که اتحاد آنها را ضعیف می‌کند حساس باشند و با آن مبارزه کنند.

درس پانزدهم (حقّ‌النّاس) : در جامعهٔ اسلامی، افراد نسبت به یکدیگر حقوقی دارند. ظلم نکردن به یکدیگر و ضایع نکردن حقّ دیگران از این حقوق است. در این درس می‌آموزیم که ما موظّفیم در همهٔ کارهایمان دقت کنیم تا حقّ کسی را ضایع نکنیم؛ زیرا در روز قیامت نسبت به تمامی آنها بازخواست خواهیم شد؛ روزی که دیگر چیزی برای جبران آن در دست نداریم.

درس ۱۴

ما مسلمانان

اگر روزی در خانه متوجه شوی که برادر، یا خواهرت غمگین‌اند، یا در گوشه‌ای نشسته و اشک می‌ریزند، چه عکس‌العملی نشان می‌دهی؟!

آیا می‌گویی این مشکل خودشان است و به من ربطی ندارد؟ یا اینکه با آنان همدردی می‌کنی و هر کاری که از دستت بربیاید برایشان انجام می‌دهی؟!

مطمئناً همهٔ شما غم و غصهٔ اعضای خانواده را غم و اندوه خود می‌دانید و احساس می‌کنید که پاره‌ای از وجود خود شما به درد آمده است و از هیچ تلاشی برای رفع مشکل آنان دریغ نمی‌کنید.

این احساس شما نسبت به افراد خانواده، احساس شیرین و با ارزشی است، احساسی که نشان‌دهندهٔ نهایت دلبستگی و دلسوزی شما نسبت به تک‌تک اعضای خانواده است.

به نظر شما آیا این احساس فقط باید نسبت به افراد خانواده باشد؟

خداوند متعال در قرآن کریم از ما خواسته است تا همین احساسی را که نسبت به خواهر، یا برادر خود داریم، نسبت به سایر انسان‌ها و به‌خصوص سایر مسلمانان نیز داشته باشیم و آنان را خواهران و برادران دینی خود و جزء خانواده خویش بدانیم :

اِنَّـمَا الـمُؤمِـنونَ اِخـوَةٌ[1]	در حقیقت مؤمنان با هم برادرند.*

فعّالیت کلاسی

به نظر شما مسئولیت ما در برابر مشکلات و گرفتاری‌های برادران و خواهران دینی در کشور خود و نیز سایر کشورهای مسلمان چیست؟

۱. سورهٔ حجرات، آیهٔ ۱۰. * حفظ شود.

برادری در اسلام

خداوند همهٔ مسلمانان را در هر کجا که باشند و به هر زبان که سخن بگویند، اعضای یک خانواده و شریک و هم‌درد یکدیگر می‌داند و مرزهای جغرافیایی و تفاوت نژادها و زبان‌ها را مانعی برای یکدلی آنها نمی‌پندارند.

ما مسلمانان به خدای یگانه و روز قیامت اعتقاد داریم، حضرت محمد ﷺ را آخرین پیامبر خدا و قرآن را آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی می‌دانیم و به سوی کعبه نماز می‌خوانیم.

از نظر دین اسلام، هر کسی که به این موارد معتقد باشد، مسلمان است و رنگ پوست، نژاد، زبان و کشوری که در آن زندگی می‌کند دخالتی در مسلمانی او ندارد.

حال ببینیم وظیفهٔ ما در برابر برادران و خواهران دینی چیست؟

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام از ایشان پرسید : حقّ مسلمان بر مسلمان دیگر چیست؟

امام فرمود :

❖نخست آنکه هرچه برای خودت دوست داری برای او نیز دوست بداری و هرچه برای خودت نمی‌پسندی برای او نیز نپسندی،

❖دوم آنکه به دنبال خوشنودی‌اش باشی و او را خشمگین نکنی،

❖سوم آنکه [هرگاه نیاز شد] با جان و مال و زبان و دستت او را یاری کنی،

❖چهارم آنکه آیینه و راهنمای او باشی،
❖پنجم آنکه سیر نباشی، درحالی‌که او گرسنه است و سیراب نباشی، درحالی‌که او تشنه است و از لباس(های گوناگون) بهره‌مند نباشی، درحالی‌که او لباسی ندارد،
❖ششم آنکه اگر مریض شد به عیادتش بروی،
❖هفتم اینکه اگر دانستی که نیازی دارد، پیش از آنکه به تو بگوید خودت برای رفع نیازش اقدام کنی.[1]

فعّالیت کلاسی

به نظر شما اگر مسلمانان این وظایف را نسبت به یکدیگر انجام دهند، دنیای مسلمانان چگونه خواهد شد؟

بیشتر بدانیم

آمدم تا پروانه شوم!

دکتر مصطفی چمران یکی از نخبه‌های عرصهٔ علم و دانش بود. او در سال ۱۳۳۲ با رتبهٔ ۱۵ در رشتهٔ الکترونیک دانشکدهٔ فنّی دانشگاه تهران پذیرفته شد. وی پس از تحقیقات علمی در جمع معروف‌ترین دانشمندان جهان موفق به اخذ دکتری با رتبهٔ عالی در رشتهٔ فیزیک پلاسما از یکی از دانشگاه‌های معروف آمریکا گردید.

دکتر چمران به محض باخبر شدن از اینکه مسلمانان مصر و لبنان در حال مبارزه با اسرائیل‌اند، دست از همهٔ امکانات و راحتی‌های زندگی شست و رهسپار مصر شد. وی پس از دو سال اقامت در مصر راهی لبنان شد و در کنار مبارزه با اسرائیل به نگهداری و سرپرستی از محرومان و یتیمان این کشور پرداخت. به‌گونه‌ای که در یکی از مؤسسات خیریه شهر صور لبنان سرپرستی ۴۵۰ یتیم را برعهده داشت.

دکتر چمران نزدیک به ده سال در لبنان ماند و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به کمک مردم کشور خود شتافت و در پاوه، سوسنگرد و اهواز به مبارزه با دشمنان میهن پرداخت و سرانجام در سال ۶۰ در دهلاویه به شهادت رسید.

---

۱. کافی، ج۲، ص ۱۶۹.

وی در بخشی از وصیت‌نامهٔ خود این‌گونه می‌گوید :

از اینکه به لبنان آمدم و با مشکلاتی سخت دست به گریبان بوده‌ام، متأسف نیستم. از اینکه دنیای لذّات و راحت‌طلبی را پشت سر گذاشتم، متأسف نیستم. از آن دنیای مادی و راحت‌طلبی گذشتم و به دنیای درد، محرومیت، رنج، شکست، اتهام، فقر و تنهایی، قدم گذاشتم. با محرومیت همنشین شدم. با دردمندان و شکسته‌دلان هم‌آواز گشتم... تا پروانه شوم، تا بسوزم، تا نور برسانم تا عشق بورزم... تا از شرق به غرب و از شمال تا جنوب لبنان را زیر پا گذارم و ارزش‌های الهی را به همگان عرضه کنم...[1]

تفرقه افکنان

هم‌اکنون بیش از یک ونیم میلیارد مسلمان در ۵۷ کشور اسلامی[2] زندگی می‌کنند. حال به نظر شما اگر این جمعیت عظیم با یکدیگر متحد باشند و به برادری با یکدیگر اعتقاد راستین داشته باشند، آیا هیچ قدرتی می‌تواند آنها را شکست دهد؟

به نظر شما آیا دشمنان دین حاضرند دست روی دست گذاشته و اتحاد و قدرت مسلمانان را بپذیرند؟

خداوند حکیم دربارهٔ دشمنان اسلام می‌فرماید :

یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنوا	ای کسانی که ایمان آوردید،
لا تَتَّخِذوا بِطانَةً مِن دونِکُم	از غیر خودتان هم‌راز انتخاب نکنید،
لا یألونَکُم خَبالًا	آنها از هیچ فسادی نسبت به شما کوتاهی نمی‌کنند
وَدّوا ما عَنِتُّم	آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید
قَد بَدَتِ البَغضاءُ مِن اَفواهِهِم	دشمنی از گفتار و کلامشان آشکار است
وَ ما تُخفی صُدورُهُم اَکبَرُ[3]	و آنچه در دلهایشان پنهان می‌دارند، بزرگ‌تر است.

۱. مرگ از من فرار می‌کند، مصطفی چمران.
۲. منظور از کشورهای اسلامی کشورهایی است که بیش از نیمی از جمعیت آنها را مسلمانان تشکیل می دهند.
۳. سورهٔ آل‌عمران، آیهٔ ۱۱۸.

قدرت‌های استعمارگر می‌دانند اگر مسلمانان با یکدیگر متحد شوند، آنها دیگر نخواهند توانست به راحتی ثروت‌های مسلمانان را غارت کنند؛ به همین دلیل تمام تلاش خود را به کار می‌برند تا نگذارند این اتحاد صورت پذیرد.

یکی از برنامه‌های اصلی این قدرت‌ها ایجاد تفرقه در بین ملت‌های مسلمان و جنگ‌افروزی در میان آنهاست. استعمارگران برای اجرای این برنامهٔ شوم خود مراحل زیر را دنبال می‌کنند :

آنان در مرحلهٔ اول با استفاده از قدرت تبلیغاتی و رسانه‌های پُرشماری که در اختیار دارند، به صورت پیوسته اختلافات میان اقوام و مذاهب مختلف مسلمان را بزرگ‌نمایی می‌کنند. آنان تلاش می‌کنند این اختلافات را به مسئلهٔ اصلی مسلمانان تبدیل کنند؛ مثلاً اگر تعداد اندکی از افراد نادان و ساده لوح درمیان یک قوم یا طرفداران یک مذهب کار اشتباهی انجام دهند، رسانه‌های استکباری با انعکاس گستردهٔ این اقدام، و بزرگ‌نمایی آن تلاش می‌کنند آن را به تمام پیروان آن مذهب نسبت دهند و به این وسیله میان اقوام و مذاهب مختلف بدبینی و تفرقه را حاکم کنند. نکته مهم این است که قدرت‌های استعمارگر در این اختلافات واقعاً طرفدار هیچ گروهی نیستند؛ بلکه فقط می‌خواهند این اختلافات گسترده شود تا دو طرف مسلمانان هر روز ضعیف‌تر شوند.

آنها در مرحلهٔ بعدی و پس از آنکه ملت‌ها را کاملاً از هم جدا کردند، با تحریک آنها جنگ‌های داخلی را میان مسلمانان به راه می‌اندازند و حتی به صورت پنهانی و یا آشکار به توزیع اسلحه و مهمات جنگی میان آنها می‌پردازند. یکی از اقداماتی که این قدرت‌ها در سال‌های اخیر برای پیشبرد این هدف دنبال کرده‌اند، تشکیل فرقه‌ها و گروه‌هایی با شعارها و ظواهر اسلامی اما همسو و هم جهت با اهداف آنان است. این گروه‌ها که با حمایت مالی و اطلاعاتی امریکا و برخی کشورهای غربی و با به‌کارگیری افراد نادان و تندرو تشکیل می‌شوند، به بهانه‌های واهی هم مسلمانان را وارد جنگ‌های فرسایشی و ویرانگر می‌کنند و هم با ارائه چهرهٔ زشت و خشن از اسلام، مانع گرایش روزافزون مردم جهان به سوی پیامبر رحمت و دین اسلام می‌شوند.

نکتهٔ مهمی که چهرهٔ واقعی این گروه‌ها را نشان می‌دهد این است که آنان حتی یک بار نیز علیه دشمن واقعی مسلمانان یعنی اسرائیل و حامیان آن اعلام جنگ نکرده‌اند بلکه حتی فراتر از آن بارها دوستی و هم پیمانی خود را با آنها اعلام کرده‌اند.

فعّالیت کلاسی

به کمک هم‌گروهی‌های خود پیام این تصویر را بیان کنید.

***

شیعه و سُنّی

دو گروه از مسلمانان که همواره تلاش می‌شود میان آنها اختلاف ایجاد شود، شیعیان و اهل سنّت هستند. شیعیان و اهل سنّت دو گروه اصلی مسلمانان هستند. آنها در بیشتر عقاید اسلامی و احکام دینی با هم مشترک هستند. آنها همدیگر را مسلمان می‌دانند و تمام حقوقی که برای یک مسلمان وجود دارد را برای هم محترم می‌شمارند.

اصلی‌ترین موضوعی که شیعیان و اهل سنّت دربارهٔ آن با هم اختلاف نظر دارند، مسئلهٔ خلافت پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ است :

اهل سنّت معتقدند که پیامبر برای خودش جانشینی تعیین نفرمود. پس از رحلت رسول خدا به‌دلیل اینکه حفظ نظم جامعه و ادارهٔ کشور اسلامی نیازمند رهبر است، تعدادی از مسلمانان در مکانی

به نام سقیفه گردهم آمدند و ابوبکر را به خلافت برگزیدند و با وی بیعت کردند.

اما شیعیان معتقدند پیامبر اکرم ﷺ با یادآوری شایستگی و علم و تقوای علی‌بن ابی‌طالب، او را به‌عنوان جانشین خود، و امامان پس از ایشان تا امام دوازدهم را به مردم معرفی نمود.

هرچند مسلمانان شیعه و سنی در این موضوع با یکدیگر اختلاف نظر دارند، اما نکتهٔ مهم این است که بدانیم هر دو گروه مسلمان‌اند و بر اساس دین اسلام هیچ گروهی حق ندارد به مقدّسات و عقاید گروه دیگر اهانت کند یا آنها را از محدودهٔ اسلام بیرون بداند.

البته شاید عده‌ای نادان در میان مسلمانان باشند که گمان کنند با توهین به مقدّسات طرف دیگر یا کافر شمردن آن طرف (جریان تکفیری)، به دین خود خدمت می‌کنند، اما در دنیای امروز، دیگر هیچ تردیدی باقی نمانده است که هر اقدامی که به اختلافات قومی و نژادی و مذهبی مسلمانان از همدیگر بینجامد، درواقع خدمت به دشمنان اسلام عزیز است.

مقام معظم رهبری با اشاره به این نکته مهم می‌فرماید :

هرکسی را شما دیدید که ندای تفرقه بین شیعه و سنّی را سر می‌دهد، چه شیعه باشد و چه سنی، این فرد مزدور دشمن است، چه خودش بداند و یا نداند.[1]

بیشتر بدانیم

فدائیان وحدت

وحدت مسلمانان آن‌قدر اهمیت دارد که مردانی بزرگ و شریف حاضر شدند جان پاکشان را فدای این اتحاد ارزشمند کنند.

سردار **شهید نورعلی شوشتری** و **شهید مولوی مصطفی جنگی زهی** نمونه‌هایی از این مردان بزرگ هستند که به خاطر تلاش برای ایجاد وحدت میان هم‌میهنان شیعه و سنّی به شهادت رسیدند.

شهید شوشتری فرماندهٔ شجاعی بود که با دلسوزی و مهربانی تلاش می‌کرد تا اختلافات میان گروه‌ها و طوایف مختلف را در استان سیستان و بلوچستان برطرف کند و با ایجاد وحدت میان آنان راه را برای آبادانی و رفاه مردم شریف این استان هموار سازد. او برای مردم محروم منطقه، پدری مهربان بود که خدمت‌های ارزنده‌اش در ذهن و قلب مردم باقی است. وی سرانجام در انفجاری که توسط

۱. دیدار با مردم شهر سنندج، اردیبهشت ۸۸.

فریب‌خوردگان فرقه‌های افراطی صورت گرفت به همراه جمع زیادی از مردم مظلوم شیعه و سنّی به شهادت رسید.

شهید جنگی زهی نیز از عالمان اهل سنّت و امام جمعه شهر راسک بود که نقش مهمی در وحدت‌آفرینی و مقابله با مزدوران بیگانه داشت. وی که با روشنگری‌های خود مانع بزرگی برای تروریست‌های وهّابی بود و تلاش آنها را برای فریب افراد ناآگاه خنثی می‌کرد، بارها مورد تهدید مزدوران قرار گرفته بود تا اینکه بالاخره در شامگاه سی‌ام دی ماه ۱۳۹۰ هنگامی‌که از مسجد به خانه باز می‌گشت مورد حملهٔ تروریست‌ها قرار گرفت و به‌شهادت رسید.

راهی که این مردان آسمانی در پیش گرفتند، امروز نیز توسط هم‌رزمان آنها ادامه دارد.

خودت را امتحان کن

۱ـ چهار مورد از وظایف یک مسلمان را نسبت به برادران دینی‌اش بیان کنید.

۲ـ مهم‌ترین برنامهٔ دشمنان اسلام برای از بین بردن اتحاد مسلمانان چیست؟ مراحل این برنامه را توضیح دهید.

پیشنهاد

قرآن کریم در آیهٔ پایانی سورهٔ فتح می‌فرماید :

مُحَمَّدٌ رَسولُ اللّٰهِ	محمد فرستادهٔ خداست،
وَ الَّذینَ مَعَهُ	و کسانی که با او هستند،
اَشِدّاءُ عَلَی الکُفّارِ	با کافران سختگیر،
رُحَماءُ بَینَهُم[1]	و درمیان خودشان مهربان‌اند.

این آیه را در یک صفحه توضیح دهید و با ذکر چند مثال بنویسید که اگر ما بخواهیم به این آیهٔ نورانی عمل کنیم، چه کارهایی را باید انجام دهیم.

برای انجام این فعّالیت می‌توانید از بزرگ‌ترها و افراد آگاه کمک بگیرید.

۱. سورهٔ فتح، آیهٔ ۲۹.

الهی

خداوندا،

ای همیشه پیروز،

میان دشمنان مسلمانان تفرقه و جدایی افکن تا بر ضدّ ما متحد نشوند،

و دل‌های مسلمانان را به‌هم پیوندزن تا در همه حال در کنار یکدیگر و پشتیبان هم باشند.

خدایا،

به‌ما کمک کن تا بر حیله‌های دشمن چیره شویم،

همدل و غمخوار هم باشیم و برای رفع مشکلات یکدیگر تلاش کنیم.

خدایا،

پرچم پیروزی اسلام را برافراز

و زمین را پر از عدالت کن .

درس ۱۵

حقّ النّاس

ایستگاه آخر

فرشتهٔ مأمور رسیدگی به اعمال، با دقت آخرین صفحه‌های این فصل پرونده او را هم می‌بیند و بعد مُهری روی پرونده می‌زند. چیزی نمانده که قلبش از اضطراب کنده شود. همین که فرشته مُهر را برمی‌دارد، از خوشحالی فریاد می‌کشد :

... قبول!

نفس راحتی می‌کشد. باورش نمی‌شود که توانسته است از این ایستگاه[1] هم با سلامتی عبور کند. برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. جمعیت انبوهی را می‌بیند که در ایستگاه‌های مختلف متوقف مانده‌اند. عده‌ای که نمازهایشان کامل نبوده در ایستگاه نماز، آنها که روزه‌هایشان کامل نبوده در ایستگاه روزه، کسانی که زکات اموالشان را نداده‌اند در ایستگاه زکات، عده‌ای در ایستگاه حج، عده‌ای در ایستگاه امر به معروف و... .

یادش می‌آید که خودش هم به خاطر اینکه بعضی نمازهایش در دنیا درست نبود، مدتی طولانی در ایستگاه نماز معطّل مانده بود و اگر رحمت خداوند شامل حالش نشده بود، معلوم نبود چه سرانجامی در انتظارش باشد.

کم‌کم از دور دروازه‌های بهشت نمایان می‌شود. حالا فقط یک ایستگاه دیگر مانده است و اگر از این یکی هم با مُهر قبول بگذرد، لحظاتی بعد در بهشت خواهد بود؛ ایستگاه حقّ‌النّاس!

***

۱. براساس سخنان پیامبر اکرم و امامان علیهم‌السلام در روز قیامت توقف‌گاه‌هایی وجود دارد که اعمال مردم در آنها بررسی می‌شود (کافی، ج۲، ص ۳۳۱).

مسئول نظارت پرونده، نگاهی به فصل آخر پرونده‌اش می‌کند و دستور می‌دهد او را بالای مکان بلندی ببرند. از آن بالا همه را می‌بیند. مردم هم او را می‌بینند. سپس یکی از مأموران با صدایی بلند او را معرفی می‌کند و می‌گوید : هر کس بر گردن این فرد حقی دارد، بیاید و حقّش را بگیرد.

او که تا چند لحظهٔ پیش خودش را در بهشت می‌دید، ناگهان در بین عدهٔ زیادی از مردم گرفتار می‌شود. مأموران همه را به صف می‌کنند تا یکی‌یکی بیایند و حرفشان را بزنند.

نفر اول جلو می‌آید : مرا به یاد می‌آوری؟ ما با هم همسایه بودیم. یادت هست همیشه مرا به خاطر اینکه هنگام صحبت کردن زبانم می‌گرفت، مسخره می‌کردی؟ من از تو ناراضی‌ام و نمی‌گذارم به بهشت بروی.

دومین نفر : ما با هم در یک کلاس درس می‌خواندیم. تو از من قوی‌تر بودی و چون می‌دانستی من زورم به تو نمی‌رسد، به بهانه‌های مختلف به من زور می‌گفتی. یادت هست یک‌بار با من دعوا کردی و سیلی محکمی به صورتم زدی؟ من از تو ناراضی‌ام.

سومین نفر : یادت هست آن روز برای خرید به مغازهٔ من آمدی و پولت کم بود؟ هر چه خواستی برداشتی و گفتی می‌روم و خیلی زود بقیهٔ پول را می‌آورم. اما رفتی و دیگر برنگشتی. حالا بقیهٔ پولم را از تو می‌خواهم!

نفر بعد : یادت هست آن وقت که در مغازهٔ میوه‌فروشی کار می‌کردی؟ روزی من برای خرید پیش تو آمدم. تو یک جعبه میوه به من فروختی که میوه‌های روی آن همه سالم بود، ولی میوه‌های زیر آن خراب. تو با اینکه می‌دانستی آن میوه‌ها خراب‌اند، چیزی به من نگفتی و مرا فریب دادی. حالا یا پول مرا پس بده و یا به من میوه سالم بده!

و همین‌طور نفر بعدی و....

حسابی گیج شده است. میوهٔ خراب فروختم؟! مسخره کردم؟ کتک زدم؟...

با التماس به مأموران می‌گوید : آخر من در این وضعیت پول از کجا بیاورم؟ شما یک چیزی بگویید. اما مأموران می‌گویند : چاره‌ای نیست. باید رضایت آنها را به‌دست آوری.

مدتی می‌گذرد. او که به جز کارهای خوب داخل پرونده‌اش چیز دیگری همراه ندارد، مجبور می‌شود مقداری از کارهای خوبش را به نفر اول بدهد تا او را از خودش راضی کند. نفر دوم هم مقداری دیگر از ثواب‌هایش را می‌گیرد. نفر سوم و.... پس از مدتی همهٔ کارهای خوبش تمام می‌شود، ولی طلبکاران هنوز تمام نشده‌اند. دیگر نمی‌داند چه کار کند. طلبکار بعدی که می‌بیند چیز دیگری برای او نمانده، می‌گوید : چند تا از گناهان مرا بگیر تا از حقّ خودم بگذرم. نفر بعد گناهان دیگر و... .

انگار همه چیز دور سرش می‌چرخد. اصلاً حالش خوب نیست. هر قدر تلاش می‌کند، دیگر نمی‌تواند دروازه‌های بهشت را ببیند. شعله‌های آتش را می‌بیند که به طرفش می‌آید. سرش گیج می‌رود و زیر پایش خالی می‌شود. فریاد بلندی می‌کشد و ناگهان... .

حقوق سه‌گانه

به کارهایی که در طول یک شبانه‌روز انجام می‌دهیم، فکر کنیم :

۱ــ غذا می‌خوریم،

۲ــ برای نماز به مسجد می‌رویم،

۳ــ برای سوار شدن به اتوبوس در صف می‌ایستیم.

اگر کمی دقت کنیم می‌بینیم بعضی از کارهایی که ما هر روز و شب انجام می‌دهیم برای این است که خودمان سالم بمانیم و بتوانیم از هر نظر رشد خوبی داشته باشیم. به این کارها حقّ‌النّفس گفته می‌شود. غذا خوردن، استراحت کردن، مسواک زدن و مطالعه کردن از این کارها هستند. توجه به حقّ‌النّفس یکی از مهم‌ترین وظایفی است که خداوند به عهدهٔ هر یک از ما قرار داده است.

بعضی کارهای دیگر را برای این انجام می‌دهیم که دستور خداوند را اطاعت کنیم. به این کارها حقّ اللّٰه گفته می‌شود. نماز خواندن، امر به معروف و دوری از گناهان از این گروه‌اند.

بخش دیگری از کارها، وظیفه‌های ما نسبت به دیگران است. ما موظفیم به نیازمندان کمک کنیم، دیگران را آزار ندهیم، حقّ دیگران را رعایت کنیم و به کسی ظلم نکنیم. به این وظایف حقّ‌النّاس گفته می‌شود.

فعّالیت کلاسی

۱ــ به نمونه‌ها توجه کنید و جدول زیر را با چند مثال دیگر کامل کنید.

بی‌توجهی به حقّ‌اللّٰه	۱ــ کسی که بدون دلیل در ماه رمضان روزه نمی‌گیرد.
	۲ــ
	۳ــ
بی‌توجهی به حقّ‌النّاس	۱ــ کسی که به دیگران تهمت می‌زند.
	۲ــ
	۳ــ
بی‌توجهی به حقّ‌النّفس	۱ــ کسی که عمر و وقتش را بیهوده تلف می‌کند.
	۲ــ
	۳ــ

۲ــ به نظر شما کوتاهی در انجام کدام یک از این سه نوع وظیفه، جبرانش مشکل‌تر است ؟ چرا؟

همان‌طور که در درس «آفت‌های زبان» دیدیم، دروغ گفتن، غیبت کردن و ناسزا گفتن از گناهانی بود که انسان نسبت به دیگران انجام می‌دهد و در واقع با این کار به آنها ظلم می‌کند. با دروغ گفتن سخن غیرواقعی درباره کسی گفته می‌شود، با غیبت کردن چهرهٔ یک انسان پیش دیگران تخریب می‌شود، و با فحش دادن شخصیت فردی نزد دیگران تحقیر می‌شود و همهٔ اینها نمونه‌های ظلم در حق سایر مردم است؛ بنابراین حقّ النّاس فقط در حقوق مالی مردم نیست؛ بلکه حفظ آبرو، اسرار و شخصیت آنان نیز جزء حقّ‌النّاس است.

دامنهٔ حقوق دیگران آن‌قدر گسترده است که گاهی اوقات انسان‌ها با انجام بعضی کارها بدون اینکه خودشان توجه داشته باشند، حقوق عدهٔ زیادی از مردم را از بین می‌برند و در روز قیامت ناگهان با جمعیت بسیار زیادی از طلبکاران روبه‌رو می‌شوند.

مثلاً کسی را تصور کنید که آتشی را در جنگل روشن می‌کند و هنگام رفتن، آن را خاموش نمی‌کند و همین بی توجهی او باعث آتش گرفتن بخش وسیعی از جنگل می‌شود. به نظر شما آیا این فرد در برابر تمام کسانی که به خاطر بی‌توجهی او از هوای پاک محروم شده‌اند، مسئول نیست؟

آیا کسی که با ریختن مواد سمی در رودخانه‌ها آب‌های عمومی را آلوده می‌کند، در برابر مردم مسئول نیست؟

پیامبر اکرم ﷺ به این گونه افراد فرمود :

از رحمت خدا دور است کسی که توقف‌گاه‌ها و استراحتگاه‌های عمومی را آلوده کند و [همچنین] کسی که راه عبور مردم را سد کند.[1]

همین‌طور که می‌بینید چیزهایی وجود دارد که همهٔ مردم حق دارند از آنها بهره‌مند شوند؛ جنگل‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، فضاهای سبز و کوه‌ها نمونه‌هایی از این اموال عمومی‌اند که خداوند مهربان آنها را برای استفادهٔ همهٔ مخلوقات آفریده است.

دین اسلام نه تنها به همهٔ مسلمانان سفارش می‌کند در حفظ محیط زیست کوشا باشند؛ بلکه کمک به رشد و حفاظت از این نعمت‌های الهی را در ردیف عبادات می‌شمارد.

بیشتر بدانیم

حواسش حتی به صدای ماشین هم بود!

خانه‌اش در انتهای یک کوچهٔ فرعی بود. شب‌ها که دیروقت از محل کار به خانه باز می‌گشت، ماشین را سر کوچه خاموش می‌کرد و تا انتهای کوچه هل می‌داد، تا نکند صدای آن مزاحمت برای همسایه‌ها باشد. صبح زود هم که از خانه بیرون می‌زد، ماجرا همین بود : ماشین را تا سر کوچه هل می‌داد.

خاطره‌ای از شهید یوسف کلاهدوز

۱. کافی، ج۳، ص۱۶.

فعّالیت کلاسی

۱ـ اگر کسی با شکستن یک درخت حقّ همهٔ مردم را از بین ببرد، چگونه می‌تواند این حقّ بزرگ را جبران کند؟

۲ـ نمونه‌های دیگری از بی‌توجهی به حقّ‌النّاس که در میان افراد جامعه مشاهده می‌کنید، بیان نمایید.

خودت را امتحان کن

۱ـ کسی که دوست دارد به بهشت الهی راه یابد، باید حقوق چه کسانی را رعایت کند؟

۲ـ اگر همهٔ مردم نسبت به حقوق یکدیگر بی‌توجهی کنند، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟

۳ـ سه نمونه از حقوقی را که هم‌کلاسی‌ها بر شما دارند، بیان کنید.

۴ـ سه نمونه از حقوقی را که افراد خانواده (پدر، مادر، برادر، خواهر و...) بر شما دارند، بیان کنید.

بیشتر بدانیم

بدترین دزدی

عقیل که پیر شده و بینایی خود را از دست داده بود، آن شب مهمان برادرش علی علیه‌السلام بود، با برادرش روی بام دارالأماره نشسته بودند و با هم سخن می‌گفتند. عقیل منتظر فرصت مناسبی بود تا مسئلهٔ اصلی را بیان کند.

کم‌کم موقع صرف شام فرا رسید. عقیل که خود را مهمان دربار خلافت می‌دید، انتظار سفرهٔ رنگینی داشت، ولی سفره که پهن شد، جز غذایی بسیار ساده چیزی در آن نبود. غذایی مانند آنچه فقیرترین مردم کوفه می‌خورند!

عقیل با کمال تعجب پرسید : غذا همین است؟

علی علیه‌السلام فرمود : مگر این نعمت خدا نیست؟ من که خدا را به خاطر این نعمت‌ها بسیار شکر می‌کنم.

عقیل کمی فکر کرد و سپس گفت : پس من حاجت خویش را زودتر بگویم و مرخص شوم. من بدهکارم و زیر بار قرض‌هایم مانده‌ام. اگر می‌خواهی به برادرت کمک کنی، دستور بده قرض مرا از بیت‌المال بپردازند.

ــ چقدر مقروضی؟

ــ صدهزار درهم!

ــ صدهزار درهم؟ چقدر زیاد! متأسفم برادر جان، این قدر ندارم که قرض‌های تو را بدهم. اما کمی صبر کن تا موقع پرداخت حقوق برسد. از سهم شخصی خودم برمی‌دارم و به تو می‌دهم و حق برادری را به‌جا خواهم آورد. اگر نیازها و مخارج خانوادهٔ خودم نبود، تمام سهم خودم را به تو می‌دادم و چیزی برای خودم نمی‌گذاشتم.

ــ صبر کنم تا وقت پرداخت حقوق برسد؟ بیت المال و خزانهٔ کشور در دست توست؛ آن‌وقت به من می‌گویی صبر کن تا موقع پرداخت سهمیه‌ها برسد و از سهم خودم به تو بدهم؟! تو هر اندازه بخواهی می‌توانی از خزانه و بیت‌المال برداری. چرا مرا به رسیدن موقع پرداخت حقوق حواله می‌کنی؟ از این گذشته، مگر تمام حقوق تو از بیت‌المال چقدر است؟ اگر تمام حقوق خودت را هم به من بدهی، چه دردی از من دوا می‌کند؟

ــ من از پیشنهاد تو تعجب می‌کنم. خزانهٔ دولت پول دارد یا ندارد چه ربطی به من و تو دارد؟ من و تو هم هرکدام فردی هستیم مثل سایر مسلمانان. این درست است که تو برادر منی و من باید تا آنجا که می‌توانم به تو کمک کنم، اما از مال خودم نه از بیت‌المال مسلمانان!

این گفت‌وگو ادامه داشت و عقیل با زبان‌های مختلف درخواست خویش را تکرار می‌کرد؛

ــ اجازه بده از بیت‌المال پول کافی به من بدهند تا من دنبال کار خود بروم.

پایین دارالأماره، بازار کوفه قرار داشت و از بالای بام، صندوق‌های پول تجار و بازاری‌ها دیده می‌شد. در این بین که عقیل اصرار و سماجت می‌کرد، علی علیه‌السلام فرمود :

ــ اگر بازهم اصرار داری و سخن مرا نمی‌پذیری، پیشنهادی به تو می‌کنم. اگر بپذیری می‌توانی تمام بدهی خویش را بپردازی و بیش از آن هم داشته باشی.

ــ چه کار کنم؟

ــ در این پایین صندوق‌هایی است؛ همین که خلوت شد و کسی در بازار نماند، از اینجا برو پایین و این صندوق‌ها را بشکن و هر چه دلت می‌خواهد بردار.

ــ صندوق‌ها مال کیست؟

ــ مال این مغازه‌داران است. اموال نقدینهٔ خود را در آنجا می‌ریزند.

ــ عجب! به من پیشنهاد می‌کنی صندوق‌های مردم را بشکنم و مال مردم را که به هزار زحمت به‌دست می‌آورند و در اینجا می‌گذارند و با توکل بر خدا می‌روند، بردارم؟

ــ پس تو چطور به من پیشنهاد می‌کنی تا صندوق بیت‌المال مسلمانان را برای تو باز کنم؟ مگر این مال متعلق به کیست؟ این هم متعلق به مردمی است که اکنون راحت در خانه‌های خویش خفته‌اند.

ــ برادر جان، من برای دزدی نیامده‌ام که تو این حرف‌ها را می‌زنی. من می‌گویم از بیت‌المال و خزانه کشور که در اختیار تو است، اجازه بده پولی به من بدهند تا من قرض‌هایم را ادا کنم.

ــ چطور ربودن مال یک نفر با شمشیر، دزدی است، ولی ربودن مال عموم مردم دزدی نیست؟ تو خیال کرده‌ای دزدی فقط این است که کسی به دیگری حمله کند و با زور مال او را از چنگالش بیرون آورد؟ بدترین و زشت‌ترین اقسام دزدی همین است که تو الآن به من پیشنهاد می‌کنی![1]

---

۱. برگرفته از بحارالانوار، ج۴۱، صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

الهی

خدایا، هر یک از بندگانت که بر آنان ستمی کردم؛
و کسانی که آبرویشان را ریختم؛
یا اموالشان را تباه کردم،
آنان که غیبتشان را کردم،
و آنان که به سختی شان انداختم،
و به آنان که ستم کردم.
اکنون تو خود، آنان را از من راضی کن،
و مرا نیز یاری کن تا حقوق آنان را جبران کنم.

تو هم اگر می‌خواهی چند کلام با پروردگارت سخن بگو.

.....

.....

.....

فهرست منابع

۱- قرآن کریم
۲- امالی، ابن بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق)، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۳- بازگشت به عفاف، وندی شالیت، ترجمهٔ ماندانا آجودان، هفته‌نامهٔ زن روز، ش ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۴.
۴- بحارالانوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵- برداشت‌هایی از سیرهٔ امام‌خمینی (ره)، مهدی منتظر قائم، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۱ش.
۶- البرهان فی تفسیر القرآن ، بحرانی، سیّد هاشم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۷- تحف‌العقول، ابن شعبهٔ حرّانی، حسن‌بن علی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعهٔ مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۸- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۹- تَنْبیهُ الخَواطِر و نزهةالنواظر (مشهور به مجموعهٔ ورام)، ورام‌بن أبی‌فراس، مسعودبن عیسی، قم، مکتبهٔ فقیه، ۱۴۱۰ق.
۱۰- تهذیب الاحکام، طوسی، محمدبن الحسن، تحقیق حسن الموسوی خرسان، تهران دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۱- جامع الاخبار، شعیری، محمدبن محمد، نجف، مطبعهٔ حیدریهٔ، بی‌تا.
۱۲- خدای من، کلهر، فریبا، تهران، مدرسه، ۱۳۸۷ش.
۱۳- روزه می‌تواند زندگی‌ات را نجات دهد، هربرت شلتون، مترجم ماشاءالله فرخنده، تهران، نسل نواندیش، ۱۳۸۴ش.
۱۴- سنن ابن‌ماجه، محمدبن یزید القزوینی، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بی‌جا، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بی‌تا.
۱۵- سنن ترمذی، الترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۳ق.
۱۶- الصحیفة السجادیة، علی‌بن الحسین، امام چهارم علیه‌السلام ، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ش.
۱۷- عیون اخبار الرضا علیه‌السلام ، ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۱۸- غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۹- الکافی، کلینی، محمدبن یعقوب، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۲۰- کنزالعمال، المتقی‌الهندی، تحقیق الشیخ‌بکری حیانی، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۲۱- المحاسن، برقی، احمدبن محمد بن خالد، تحقیق محدث، جلال‌الدین، قم، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۲۲- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، تحقیق مؤسسهٔ آل‌البیت، قم مؤسسهٔ آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
۲۳- المستدرک علی الصحیحین، الحاکم النیسابوری، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۴- مسند احمد، الإمام أحمدبن حنبل، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
۲۵- مصباح الشریعه، منسوب به جعفربن محمد امام ششم علیه‌السلام ، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق.
۲۶- مفاتیح‌الجنان، شیخ عباس قمی.
۲۷- من لایحضره الفقیه، ابن‌بابویه، محمدبن علی (شیخ صدوق)، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲۸- نهج‌البلاغة، شریف‌الرضی، محمد بن حسین، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۹- وسائل‌الشیعه، محمدبن حسن (شیخ حرّ عاملی)، تحقیق مؤسسهٔ آل‌البیت، قم، مؤسسهٔ آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۳۰- ینابیع المودة لذوی القربی، القندوزی، تحقیق سیدعلی جمال أشرف‌الحسینی، بی‌جا، دارالأسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۶ق.